

سناد طرحها و نوظنه‌های
«سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی»
رژیم آخوندی

کتابخانه دیجیتال آیت الله العظمی بروجردی

شماره ای ملی مشاورهت ایران

اسناد طرحها و توطئه‌های
«سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی»
رژیم آخوندی

کمیسیون امنیت و ضد تروریسم
شورای ملی مقاومت ایران

* اسناد طرحها و توطئه‌های سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی رژیم آخوندی

* کمیسیون امنیت و ضد تروریسم شورای ملی مقاومت ایران

* ناشر: ایران کتاب

* تاریخ انتشار: بهمن ماه ۱۳۷۷

* بها: معادل ۳ دلار

فهرست کتاب

- ۵ پیش گفتار
- ۹ فصل اول - تاریخچه
- ۱۹ فصل دوم - سازماندهی
- ۲۹ فصل سوم - جنگ روانی علیه مجاهدین
- ۳۹ فصل چهارم - تشکیل سمینارهای فرمایشی
- ۶۳ فصل پنجم - طرح مشترك سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و وزارت اطلاعات
- ۹۷ فصل ششم - تشکیل کانونها و انجمنهای فرهنگی برای نفوذ در میان ایرانیان خارج از کشور
- ۱۱۵ فصل هفتم - گزارشهای درونی درباره اعتلای مقاومت ایران و شکست تبلیغات رژیم، بعد از معرفی رئیس جمهور برگزیده مقاومت
- ۱۴۹ * ناسازگاریهای بنیادین دو مکتب همنام (دکتر منوچهر هزارخانی)

پیش گفتار

رژیم خمینی از اولین روزهای غصب حاکمیت مردم، سرکوب آزادیها و مقابله با پیشگامان و پیشاهنگان آزادی را در دستور کار قرار داد و در این راستا به روشها و شیوه‌هایی متوسل شد که مهمترین ویژگی آن دجالیت و دروغ و ریا بود. دروغ و دجالیت مبنای جنگ روانی رژیم علیه مجاهدین بود که خمینی شخصاً آن را پایه‌گذاری کرد. به عنوان مثال: هنگامی که شکنجه گسترده مجاهدین و میلشیا موج اعتراض اجتماعی وسیعی علیه رژیم را برانگیخت، خمینی به تشکیل هیأتی برای بررسی «شایعه» شکنجه تن داد. اما پس از دریافت گزارش این هیأت - که در اظهارات علنی خود، وجود شکنجه را ولو به صورت محدود، پذیرفته بودند - خمینی، با وقاحتی بی سابقه و دور از انتظار اعلام کرد، مجاهدین خودشان، خودشان را شکنجه می‌کنند تا جمهوری اسلامی را بدنام نمایند.

خمینی و بهشتی در زمان حیات خود، جنگ روانی علیه مجاهدین را شخصاً هدایت می‌کردند و آن را به عنوان مکمل شکنجه و سرکوب، مصلحت نظام و وظیفه شرعی دانسته و ارگانهای مختلف ارتجاع را بر اساس آن کوک می‌کردند.

هر بار که دسته‌های چماق‌دار، یکی از مراکز و دفاتر مجاهدین در شهرهای مختلف را مورد حمله قرار داده و آن را به اشغال خود در می‌آوردند، امام جمعه‌های مرتجع و دستگاههای تبلیغاتی رژیم در باره فلان وسائل «قیح» و مواد مخدر و مشروبات الکلی و ... که به ادعای آنان در این مراکز کشف شده بود، به تبلیغات بی‌شرمانه می‌پرداختند.

شروع درگیری نظامی بین رژیم و مقاومت انقلابی مسلحانه، از شدت و حدت جنگ روانی رژیم علیه مقاومت، چیزی کم نکرد و همواره به عنوان مکمل سرکوب نظامی، توسط رژیم و ارگانهای مختلف آن به کار گرفته می‌شد. به ویژه پس از آتش بس و عملیات کبیر فروغ جاویدان، که ارتش آزادی را بیمه کرد و رژیم را از هرگونه راه حل نظامی برای نابود کردن مقاومت مأیوس نمود، جنگ روانی به طور سیستماتیک در دستور کار بالاترین ارگان امنیتی رژیم - شورای عالی امنیت - قرار گرفت و ارگان خاصی - به نام کمیته فرهنگی - به آن اختصاص یافت.

انتخاب و معرفی خانم مریم رجوی رئیس جمهور برگزیده مقاومت و سفر ایشان به فرانسه، موجب جهشی عظیم در فعالیتهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مقاومت گردید و با استقبال و حمایت گسترده هموطنانمان در داخل و خارج کشور مواجه شد. استقبالی که در فعالیتهای سراسری نیروهای مقاومت در شهرهای سراسر ایران و در گردهماییهای بزرگ و بی سابقه مقاومت در کشورهای مختلف جهان بازتاب یافت. رژیم آخوندی که پیشاپیش در برابر کارایی سلاح استراتژیک مقاومت به شدت احساس خطر کرده بود، مقابله با آن را بلافاصله با پرتاب نارنجک به سفارت فرانسه در تهران و جمع آوری انواع طومارها و سیل تبلیغات دیوانه وار در رسانه هایش آغاز کرد و تا ارسال توپ غول پیکر ۳۲۰ میلی متری برای هدف قرار دادن اقامتگاه رئیس جمهور برگزیده مقاومت در پاریس پیش رفت.

مقابله سیاسی - اطلاعاتی، با سازمان دادن طرحها و توطئه های مختلف برای خنثی کردن پیشرفتهای مقاومت در خارج کشور و به طور خاص دور کردن ایرانیان از اطراف مجاهدین و بازداشتن آنها از حمایت مقاومت، از طریق ارگانهای خاصی که به همین منظور سازمان یافته بود، صورت می گرفت.

در همین رابطه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در اسفند سال ۷۳، با صدور فرمانی از سوی خامنه ای تشکیل شد تا فعالیت ارگانهای مختلف رژیم در خارج کشور علیه مقاومت را، متمرکز نماید. این سازمان که توسط بزرگترین بنیاد مالی رژیم (بنیاد مستضعفان) پشتیبانی می شود، مانند اختاپوس، با همکاری سه وزارتخانه عمده رژیم - وزارت فرهنگ و ارشاد، وزارت اطلاعات و وزارت خارجه - و چندین ارگان صدور بنیادگرایی، طرحها و توطئه های خود را در خارج کشور، پیش می برد. ارگانهایی که وظیفه همه آنها «حفظ نظام» از طریق فعالیت در خارج از مرزهای ایران است.

اما با همه این طرحها و توطئه ها، گزارشهای درونی این سازمان، که آخرین فصل کتاب حاضر را تشکیل می دهد، به شکست طرحها و توطئه های رژیم و رشد و اعتلای روزافزون مقاومت ایران، اعتراف کرده و نگرانی خود را از خطری که تمامیت رژیم را

تهدید می‌کند، اعلام کرده و درخواست چاره‌جویی نموده است .
کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورای ملی مقاومت ایران به منظور خنثی نمودن طرحها و توطئه‌های سیاسی، فرهنگی، اطلاعاتی و تروریستی رژیم آخوندی در خارج کشور، برای اولین بار طی یک سلسله گزارشها، اسناد طرحها و توطئه‌های «سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی»، به مثابه طراح توطئه‌های مختلف علیه مقاومت ایران در خارج کشور را افشا نموده است . این اسناد که در ۷ شماره نشریه مجاهد به چاپ رسید، شامل بخشی از اسناد به دست آمده از درون رژیم است که طرحها و توطئه‌های رژیم علیه مقاومت و مجاهدین و ایرانیان در خارج کشور را در بر می‌گیرد .

ابراهیم ذاکری
مسئول کمیسیون امنیت و ضد تروریسم
شورای ملی مقاومت ایران
بهمن ماه ۱۳۷۷

تاریخچه

«کمیته فرهنگی» برای حفظ امنیت ملی!

شورایعالی امنیت رژیم، که در سال ۶۸ تشکیل شد، به عنوان بالاترین ارگان تصمیم گیرنده «نظام»، طبق متمم قانون اساسی، «پاسداری از تمامیت ارضی و حاکمیت ملی و تعیین سیاست های دفاعی - امنیتی و نیز بهره برداری از امکانات مادی و معنوی کشور، برای مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی» را بر عهده دارد. صرفنظر از عبارت پردازی عوامفریبانه، وظیفه شورایعالی امنیت رژیم، حفظ امنیت آخوندهای حاکم از طریق به خدمت گرفتن همه امکانات موجود، یعنی اعدام، سرکوب، شکنجه، جاسوسی، جعل خبر و جنگ روانی، صدور بنیادگرایی و تروریسم و جنگ است.

با توجه به وظائف فوق، مجاهدین، ارتش آزادیبخش و فعالیتهای مقاومت ایران، همواره اصلی ترین موضوع مورد بحث در این شورا، از بدو تأسیس آن بوده است.

پس از شکست رژیم در توطئه‌یی که در بحران کویت و با سوءاستفاده از شرایط حاکم بر عراق به منظور بلعیدن این کشور و جمع کردن ارتش آزادیبخش تدارک دیده بود، سران رژیم در شورایعالی امنیت به این نتیجه رسیدند که از طریق نظامی قادر به رویارویی با مجاهدین و مقاومت ایران نیستند و به همین دلیل با تشکیل «کمیته فرهنگی» در شورایعالی امنیت، اجرای طرحهای اطلاعاتی - امنیتی را در دستور کار قرار دادند. اولین کمیته فرهنگی پائیز سال ۷۰ به ریاست آخوند خاتمی وزیر ارشاد وقت و با حضور وزیران اطلاعات و خارجه، تشکیل گردید. تشکیل کمیته «فرهنگی»! برای تأمین «امنیت»! ملی عجیب و شاید هم مسخره به نظر می‌رسد. اما واقعیت اینست که در پشت این ترفند آخوندی یک توطئه رذیلانه نهفته بود و آن پیش بردن طرحهای جاسوسی و تروریستی و روشهای جنگ روانی و خریدن نشریات و نفوذ در رسانه‌های خبری و گروهها و انجمنهای فعال در خارج کشور، در قالب فعالیتهای فرهنگی بود.

به این ترتیب آخوندها با سوءاستفاده از نام فرهنگ، در پی طراحی پلیدترین اقدامات ضدبشری خود علیه ایرانیان مقیم خارج و مقاومت انقلابی بودند. مقاومت ایران بارها نسبت به دستهای پنهان در پس برخی فعالیتهای مشکوک مطبوعاتی و فرهنگی، هشدار داده است اما در این گزارش مشروح و مستند، ما با استناد به مدارک و اطلاعاتی از درون رژیم این دستهای پنهان را نشان خواهیم داد و روشن خواهیم نمود که چگونه در پشت برخی فعالیتهای فرهنگی و مطبوعاتی و هنری، یا برگزاری سمینارهایی حول مسائل ملی و... دستهای پلید ارگانهای جاسوسی و تروریستی و امنیتی رژیم پنهان است.

هدفهای «کمیته فرهنگی»!

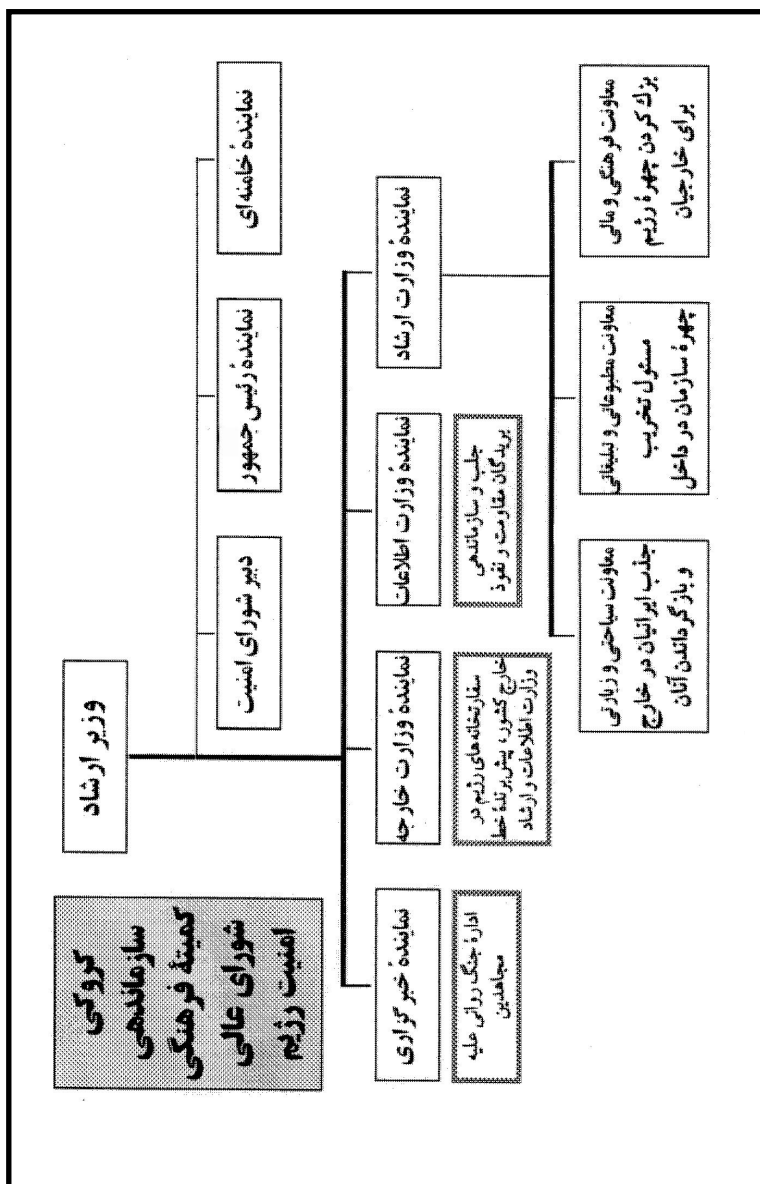
- ۱- بزرگ کردن چهره رژیم در خارج کشور و شکستن انزوای مطلق رژیم در بین ایرانیان و مجامع حقوق بشری
 - ۲- سرمایه گذاری روی بازگشت گسترده ایرانیان و متخصصین، به ایران تحت حاکمیت آخوندها
 - ۳- کشاندن پناهندگان سیاسی به داخل کشور به منظور استخدام نفوذی از میان آنها و بازگرداندن آنان به میان پناهندگان
 - ۴- وانمود کردن به کشورهای میزبان که «در ایران خطری برای پناهندگان وجود ندارد»، به منظور سخت کردن شرایط پناهندگی در این کشورها
 - ۵- سرمایه گذاری روی بریده مزدوران و سازماندهی آنها علیه مجاهدین
 - ۶- نفوذ در درون مجاهدین و ارتش آزادیبخش و گروههای سیاسی به منظور وارد نمودن ضربات نظامی و ایجاد فضای یأس و انفعال و کشاندن آنها به سازش و بریدگی
- این کمیته بر آن بود تا از طریق تبلیغ بازگشت در میان ایرانیان و پناهندگان سیاسی در خارج کشور، یأس و انفعال و سرخوردگی را در میان آنان رواج دهد تا به شوره زاری خشک تبدیل شوند که بلذر مقاومت در آن نروید. و مجاهدین و مقاومت را نیز از طریق جنگ روانی، نفوذ و سازماندهی بریده مزدوران متلاشی، یا حداقل تضعیف و بی اثر نماید.
- در یک کلام شورایعالی امنیت که پس از بحران کویت، از مؤثر بودن اقدامات نظامی رژیم در مقابله با مجاهدین مأیوس شده بود، با تشکیل کمیته فرهنگی به ریاست آخوند خاتمی، به اقدامات «فرهنگی»! برای تأمین «امنیت نظام» روی آورد.

سازماندهی «کمیته فرهنگی»

کمیته فرهنگی شورایعالی امنیت رژیم به ریاست وزیر ارشاد و عضویت نمایندگان سه وزارتخانه ارشاد، اطلاعات و خارجه و سازمان خبرگزاری رژیم و نماینده خامنه ای، نماینده رئیس جمهور رژیم و دبیر شورای امنیت تشکیل گردید. چارت سازماندهی آن را در صفحه مقابل ملاحظه می کنید.

وظائف ارگانهای «کمیته فرهنگی»

خبرگزاری: در این کمیته مسئولیت جنگ روانی علیه مقاومت، به خبرگزاری رژیم واگذار شد. خبرگزاری مأموریت یافت تا اخبار فعالیت های مربوط به سازمان اعم از داخل و خارج کشور را روزانه در بولتن ویژه سران بیاورد. و از طرف دیگر با استفاده از متدهای جنگ روانی به تحریف اخبار، با هدف زیر سؤال بردن قدرت و مشروعیت مجاهدین، بپردازد. رئیس وقت خبرگزاری، نصیری اولین نماینده سازمان خبرگزاری در کمیته فرهنگی بود و بعد از او تاکنون سرتیپ پاسدار وردی نژاد، رئیس سازمان خبرگزاری و عضو کمیته فرهنگی بوده است.



وزارت ارشاد: در وزارت ارشاد سه معاونت به پیشبرد خطوط کمیته فرهنگی اختصاص داده شد:

۱- معاونت فرهنگی: این معاونت مسئولیت پیش برد تبلیغات رژیم در خارج کشور در بین ایرانیان و مسلمانان سایر کشورها را به عهده گرفت. احمد مسجد جامعی که ریاست این معاونت را داشت جانشینی خاتمی در کمیته فرهنگی شورای عالی امنیت را نیز به عهده گرفت. مسجد جامعی در حال حاضر نیز قائم مقام مهاجرانی، وزیر ارشاد خاتمی است.

۲- معاونت مطبوعاتی و تبلیغاتی: این معاونت مسئولیت به خدمت گرفتن نشریات فارسی زبان در خارج کشور، خرید خبرنگاران خارجی و پیشبرد خطوط جنگ روانی به کمک امکانات تبلیغاتی در داخل و خارج کشور علیه مقاومت را به عهده دارد.

۳- معاونت امور سیاحتی و زیارتی: معاونت امور سیاحتی و زیارتی که تا تشکیل کمیته فرهنگی مسئولیت مرکز فرهنگی ایرانیان را در کشورها با هدف جذب توریسم بر عهده داشت، مسئولیت تبدیل این مراکز را به مراکز جذب ایرانیان و پیشبرد خط بازگشت به عهده گرفت.

وزارت خارجه: وزارت خارجه شرایط سیاسی لازم برای فعالیت وزارت اطلاعات و وزارت ارشاد را در خارج فراهم می کند. سفارتخانه های رژیم، مأمورین وزارت اطلاعات را به عنوان دیپلمات در کنسولگریها برای جذب ایرانیان به کار می گمارند. کنسول رژیم اغلب از عناصر وزارت اطلاعات است یا در ارتباط هماهنگ با مأموران اطلاعاتی رژیم در سفارت، فعالیت می کند. در کشورهای کوچکتر مثل نوژ سفیر یا کاردار شخصاً مسئولیت جذب ایرانیان را به عهده دارد.

وزارت اطلاعات: نفوذ در درون مجاهدین و سایر گروهها و استخدام و به کارگیری بریده ها، به وزارت اطلاعات واگذار شد.

چند نمونه از فعالیت های «کمیته فرهنگی»

نمونه ۱، عملیات روانی علیه مجاهدین: از اولین اقدامات «کمیته فرهنگی» به راه انداختن یک جنگ روانی با استفاده از تعدادی از اسیران جنگی و پناهندگان ایرانی در اردوگاه رمادی عراق که به ایران بازگشته بودند و ساختن خبر جعلی «بازگشت ۵۹ تن از اعضای سازمان منافقین به ایران» در دیماه سال ۷۰ بود.

رژیم در این طرح با به راه انداختن تبلیغات دروغین و مراجعه به خانواده مجاهدین آنها را تحت فشار می گذاشت و با کشاندن این افراد به مراجع حقوق بشری و بین المللی نظیر صلیب سرخ، برای برگرداندن برگ حقوق بشر، علیه مقاومت تلاش می کرد. واقعیت پشت پرده را به نقل از بولتن محرمانه مجلس رژیم می خوانیم:

سند شماره ۱

منبع: بولتن شماره ۳۱ مجلس ۲۰/۱۰/۱۱

- گزارشی در مورد بازگشت ۵۹ نفر از سرخوردگان منافقین:
- بدنبال بازگشت ۵۹ نفر از هواداران سرخورده و تواب منافقین به کشور که خبر آن در رسانه ها منتشر شد این افراد پس از طی دوران قرنطینه جهت:
- بازگرداندن حدود ۵۰۰ نفر از بریده های مستقر در اردوگاههای عراق
 - درگیر نمودن خانواده های وابسته به منافقین با تشکیلات بمنظور مسئله دار نمودن آنها
 - مشغول سازی تبلیغات نفاق و دامن زدن به ریزش نیرو در منافقین
 - خنثی سازی فعالیت های بین المللی منافقین
- اقدام به فعالیت های زیر نمودند:
- ۱ - ملاقات با نمایندگان صلیب سرخ در دو مرحله و تشریح وضعیت پناهندگان در عراق و تقاضای اقدام برای بازگشت سایر بریده ها
 - ۲ - مصاحبه دستجمعی با رسانه های خبری
 - ۳ - ملاقات با خانواده های فراریان و ارائه اطلاعات به ایشان در رابطه با وضعیت فرزندان شان
 - ۴ - ملاقات با گالیندوپل

ملاحظه: از افراد فوق ۷ نفر از هواداران تشکیلاتی سابقه دار، ۲۸ نفر از اسرای منافقین که در عملیات متعددی که منافقین طی سال ۶۷ در نوار مرزی انجام دادند به اسارت درآمدند و ۱۵ نفر اسیر جنگ که در اردوگاههای اسرا به منافقین پیوسته اند و مابقی اعضای یک خانواده عرب ۹ نفره می باشند که در عراق پناهنده شده بودند

نمونه ۲، اعزام شاهسوندی به خارج کشور: وزارت اطلاعات اعزام سعید شاهسوندی، شاگرد جلاّد اوین را که با شکنجه زندانیان و زدن تیر خلاص، وفاداریش به رژیم را در زندان اوین به اثبات رسانده بود، برای پیش برد طرحهای جاسوسی، تروریستی و جنگ سیاسی، به خارج کشور اعزام نمود.

نمونه ۳، به خدمت گرفتن میانه بازان توسط وزارت اطلاعات: کمیته فرهنگی با فرستادن یک مهره مخفی وزارت اطلاعات به نام حجت حاج علی لو در سال ۷۰ و ۷۱ ضمن برقراری رابطه با عناصری نظیر علی بابائی و ریاحی در آلمان و ملیحی در پاریس و حسینی در لندن و دادن قول آزادی املاک و دارائی های آنها در ایران، آنها را برای پیش برد خط کار «کمیته فرهنگی» و کمک به بریده مزدوران به منظور تبلیغات علیه مجاهدین به خدمت گرفت.

نمونه ۴، ایجاد شبکه های رادیو تلویزیونی در کشورهای مختلف: کمیته فرهنگی از سال ۷۰، شبکه های رادیو - تلویزیونی را به عنوان یکی از مهمترین طرحهای رژیم در خارج کشور، برای مقابله با فعالیتهای مقاومت و تبلیغ بازگشت به ایران، راه اندازی نمود.

مهمترین شبکه هایی که رژیم در این دوره ایجاد کرد، عبارتند از:

۱- شبکه تلویزیونی آفتاب در آمریکا

۲- شبکه نور و نوا در کانادا

۳- شبکه سیمای نور در آلمان

۴- ایجاد ارتباط و تغذیه شبکه مینیاتور در سوئد و کشورهای اسکاندیناوی

۵- گسترش و تقویت شبکه پیک در آمریکا

نمونه ۵: دعوت از بقایای شاه به شرط «همکاری»: خاتمی در سال ۷۰ با تصویب استرداد اموال بقایای شاه که حاضر به همکاری با این کمیته می شدند و مخومه اعلام کردن پرونده آنان، راه را برای برای بازگشت آنها به زیر حاکمیت ملایان باز کرد.

فلاحیان در مهر ۷۲ در سفری که به آلمان داشت اعلام کرد: "ما در مجموع نسبت به ایرانیان در خارج کشور احساس مسئولیت می کنیم و وزارت اطلاعات هیچ مخالفتی با بازگشت پناهندگان ندارد و به منظور ارائه سرویس متناسب با شرایط آنها، اقداماتی انجام شده و برنامه هایی در دست اقدام است. ما با اغماض و چشم پوشی نسبت به عملکرد گذشته افراد قصد داریم موانع قانونی را به حداقل برسانیم.

هم اکنون افرادی که به نمایندگیهای جمهوری اسلامی در خارج مراجعه می کنند بدون هیچگونه موانعی امکانات لازم جهت بازگشت خود را دریافت می کنند و... هم اکنون ما شاهد هستیم، پناهندگانی که به ایران باز می گردند و از نزدیک مسائل را می بینند فوراً برداشتهای قبلی خود را از دست داده و به یک جمع بندی می رسند و به مثابه یک پیک خبری اوضاع را به خارج منتقل می کنند."

معرفی رئیس جمهور برگزیده مقاومت و بن بست «کمیته فرهنگی»

معرفی رئیس جمهور مریم رجوی، در پائیز سال ۷۲، به مثابه سلاح استراتژیک مقاومت انقلابی و عزیمت ایشان به فرانسه، حاصل تلاش‌های چند ساله رژیم در خارج کشور را باطل کرد. براساس یک گزارش از درون رژیم، نماینده وزارت اطلاعات در نشست سالانه سفیران رژیم در کشورهای اروپائی در مرداد ۷۳ در تهران گفته بود که «ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که نیروهای وابسته به منافقین از نظر کمیت و کیفیت رو به رشد هستند» و افزوده بود که «خطوط کمیته فرهنگی پیشرفت کافی نداشته و به نتایج مطلوب نرسیده است».

سفیران رژیم نیز از عدم هماهنگی بین رایزن یا وابسته فرهنگی با سفیر و مأمورین وزارت اطلاعات صحبت کردند. در این سمینار ایجاد تمرکز در کارهای رایزن فرهنگی با سفیر و نمایندگان وزارت اطلاعات مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

فصل دوم – سازماندهی

تشکیل «سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی»

در پایان سال ۷۳، خامنه ای تمام ارگانهایی را که در زمینه صدور بنیاد گرایی به خارج، فعالیت داشتند و کلیه ارگانهایی را که در «کمیته فرهنگی» برای مقابله با مقاومت و جذب ایرانیان خارج کشور فعالیت می کردند، در یک سازمان واحد، به نام «سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی»، ادغام نمود و با صدور فرمانی، سرپرستی این سازمان را به آخوند محمدعلی تسخیری، که معاونت بین الملل دفتر خامنه ای را به عهده داشت و در رأس مهمترین ارگان بنیادگرایی (مجمع جهانی اهل بیت) بود، واگذار نمود.

خامنه ای در فرمان تأسیس این سازمان نوشت: «با تشکیل این نهاد مقدس نه تنها از فعالیت های موازی و تکراری و صرف هزینه های اضافی جلوگیری به عمل خواهد آمد، بلکه ماموریت های فرهنگی و تبلیغی در خارج از کشور که بخش مهمی از رسالت بزرگ انقلاب اسلامی است با نظم و انسجام مطلوب در مسیر اصلی خود تداوم خواهد یافت».

«سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی» از ادغام ۵ ارگان زیر به وجود آمد:

- ۱- مجمع جهانی اهل بیت که دبیرکل آن آخوند محمدعلی تسخیری است. این مجمع هم اکنون با حفظ استقلال نسبی به عنوان یکی از ارگانهای «سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی» به کار خود ادامه می دهد.
- ۲- مجمع التقرب المذاهب الاسلامیه، که سرپرست آن آخوند واعظ زاده خراسانی است. این مجمع نیز به عنوان یکی از ارگانهای سازمان جدید به کار خود ادامه می دهد.
- ۳- سازمان تبلیغات اسلامی که در معاونت تبلیغات سازمان جدید ادغام شد.
- ۴- دفتر تبلیغات اسلامی قم که در معاونت تبلیغات سازمان جدید در اداره کل اعزام مبلغ ادغام گردید.
- ۵- معاونتهای وزارت ارشاد:

فعالتهای سه معاونت وزارت ارشاد، که امور ایرانیان خارج کشور را دنبال می کردند، به سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی منتقل شد. این سه معاونت عبارتند از: معاونت بین الملل، که ریاست آن به عهده علی جنتی بود و مسئولیت رایزنان فرهنگی را به عهده داشت و تماماً به معاونت ارتباطات «سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی» منتقل شد. از دو معاونت دیگر معاونت سیاحتی- زیارتی و معاونت مطبوعاتی- تبلیغاتی نیز آن بخش از فعالتهایشان که به خارج کشور مربوط می شد، به این سازمان منتقل گردید.

سازماندهی «سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی»

شورایعالی سیاستگذاری: تعیین خطوط و تصمیم گیریهای مهم این سازمان، توسط شورایعالی سیاست گذاری انجام می شود. ریاست این شورا با شخص خامنه ای است و اعضای آن عبارتند از: محمدی گلبایگانی رئیس دفتر خامنه ای، محمد علی تسخیری رئیس سازمان دبیر شورا، جنتی دبیر شورای نگهبان، نورالهیان قائم مقام تسخیری در روابط بین الملل دفتر خامنه ای، محمدی عراقی رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، عطاءالله مهاجرانی وزیر ارشاد، کمال خرازی وزیر خارجه، دری نجف آبادی وزیر اطلاعات.

تعیین خطوط و تصمیم گیریهای مهم، به عهده این شورا است. شورایعالی سیاست گذاری حداقل هر سه ماه یکبار تشکیل جلسه می دهد و محل جلسه، بیت خامنه ای است.

این سازمان در زمینه بنیادگرایی نیز یک هیأت امناء دارد به نام «هیأت امنای سیاستگذاری بنیادگرایی» که ریاست آن با آخوند محمدعلی تسخیری، رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی است و اعضای آن عبارتند از: واعظ طبسی تولیت آستان قدس، واعظ زاده خراسانی رئیس مجمع المذاهب الاسلامیه، دری نجف آبادی، سیدباقر حکیم، محمدی عراقی.

«سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی»، دارای ۵ معاونت است که هر کدام دارای چند اداره کل می باشند. این معاونتها عبارتند از:

معاونت های انتشارات، ارتباطات، پشتیبانی فرهنگی، پژوهشی و معاونت اداری و امور مالی

نمایندگیهای خارج کشور (که همان رایزن های فرهنگی می باشند)، به معاونت ارتباطات وصل هستند.

(چارت سازماندهی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی را در صفحه مقابل ملاحظه می کنید)

اهداف:

هدفهای «سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی» به سه دسته تقسیم می شود:

الف. فعالیت علیه مجاهدین و مقاومت انقلابی شامل:

- به خدمت گرفتن بریده مزدوران و سازماندهی آنان علیه مجاهدین

- پیش برد طرحهای جنگ روانی علیه مجاهدین

- به خدمت گرفتن رسانه های فارسی زبان علیه مجاهدین

- به خدمت گرفتن گروهها و عناصر به اصطلاح اپوزیسیون علیه مجاهدین

ب. فعالیت برای جذب ایرانیان و پناهندگان شامل:

- بزرگ کردن چهره رژیم در میان ایرانیان از طریق رسانه های متعلق به رژیم (نظیر شبکه

تلویزیونی آفتاب در آمریکا)

- بزرگ کردن چهره رژیم از طریق رسانه های فارسی به اصطلاح «مستقل»

- پیش برد خط بازگشت
- نفوذ درون انجمنها و گروههای ایرانی برای پیش بردن خط رژیم در میان آنها
- ج. صدور بنیادگرایی شامل:
 - جذب و سازماندهی نیروهای بنیادگرا در کشورهای مسلمان به عنوان اپوزیسیون
 - جذب و سازماندهی اقلیتهای مسلمان در کشورهای غیر مسلمان (کشورهای آسیایی و آفریقایی)
 - جذب و سازماندهی مسلمانان مهاجر در کشورهای غربی
 - عضو گیری برای عملیات تروریستی از میان عناصر مسلمان و به ویژه شیعه

تقویت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در دروه خاتمی
 با قرار گرفتن خاتمی در موضع ریاست جمهوری مدافعان داخلی و بین المللی خط استحاله این توهم را دامن می زدند که گویا خاتمی قصد دارد به فعالیتهای بنیادگرایانه و صدور تروریسم خاتمه دهد. اما به رغم شعار «تنش زدایی» در سیاست خارجی خاتمی، طی یک سال گذشته نقش و عملکرد «سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی»، به عنوان بازوی بنیادگرایی، گسترش یافته است. مطابق اطلاعات موثق، بودجه این سازمان در سال جاری به نسبت سال گذشته، ۱۵٪ افزایش داشته است. هم چنین «سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی» فعالیت خود را در جمهوریهای شوروی سابق، کشورهای شمال آفریقا، کشورهای آفریقایی مسلمان، گسترش داده است.

با قرار گرفتن خامنه ای در رأس شورایعالی سیاستگذاری این سازمان در اواخر سال ۷۶، یک گام اساسی در تقویت آن برداشته شد. هم چنین با قرار گرفتن سه وزیر خاتمی در شورای مزبور، امکانات سه وزارت خانه اصلی دولت خاتمی در اختیار این ارگان که ارگان اصلی صدور بنیادگرایی نیز هست، قرار گرفته است.

نمایندگان سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در کشورها
 از آنجا که بنیادگرایی محور اصلی سیاست خارجی رژیم است، سفیر رژیم در هر کشور مسئولیت پیش برد خطوط این ارگان را به عهده دارد. اما این ارگان در همه کشورها نماینده خاصی هم دارد که همان رایزن فرهنگی است. در کشورهایی که به دلایل سیاسی رژیم نمی تواند رایزن فرهنگی بفرستد، وابسته فرهنگی نمایندگی را به عهده دارد و اگر نماینده دیگری نبود، سفیر شخصا نمایندگی این سازمان را بر عهده می گیرد.

(لیست اسامی ۵۸ تن از رایزن های فرهنگی را در صفحات ۲۶ تا ۲۸ ملاحظه کنید)

لیست رایزن های فرهنگی در کشورهای مختلف

کشورهای اروپا و آمریکا				
ردیف	نام کشور	نام	نام خانوادگی	توصیحات
۱	آرژانتین	محسن	ربانی	به علت شرکت در انفجار مرکز یهودیان در بتونوس آیرس در تاریخ ۷۷/۲/۲۵ از آرژانتین اخراج شد
۲	اسپانیا	ابوالفضل	اجاره دار	رایزن فرهنگی مادرید
۳	اتریش	علی اکبر	حجازی	رایزن فرهنگی در وین
۴	آلبانی	علی اکبر	ضیایی	رایزن فرهنگی رژیم در آلبانی
۵	آلمان		آخوند انصاری	نماینده سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در هامبورگ
۶	آلمان	حسین	خدا دادیان	رایزن فرهنگی در بن. وی قبل از این سمت مدیر کل اداره رسانه ها از معاونت انتشارات سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی بود.
۷	انگلستان	سیدالضیاء	مکی	آخوند مکی نماینده سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در لندن و معاون آخوند محسن اراکی نماینده خامنه ای در اروپا
۸	انگلستان	آخوند محسن	اراکي	نماینده سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی درلندن و نماینده خامنه ای در اروپا
۹	ایتالیا	باقر	حسینی	رایزن فرهنگی رژیم در رم. در تحقیقات پلیس در جریان شهادت حسین نقدی مشخص شد که تروریستها از آپارتمان وی به عنوان محل مخفی استفاده می کردند.
۱۰	بلغارستان	سید احمد	حسینی الست	نماینده سازمان فرهنگ ارتباطات اسلامی در بلغارستان
۱۱	بوسنی	احمد	شیخ بهایی	وابسته فرهنگی در بوسنی
۱۲	سروستان		محمدی	رایزن فرهنگی در بلگراد
۱۳	فرانسه		رضوانی طلب	رایزن فرهنگی در سفارت رژیم در پاریس. وی قبل از اعزام به فرانسه در معاونت اروپا، آمریکایی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی روی بنیادگرایان در فرانسه کار می کرد.
۱۴	کاناداد		حسینی نصب	نماینده سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در کانادا
۱۵	کرواسی		اسلامی	رایزن فرهنگی در زاگروب
۱۶	یونان		نورمحمدان	رایزن فرهنگی رژیم در آتن

لیست رایزن های فرهنگی در کشورهای مختلف

کشورهای آفریقا - عربی				
ردیف	نام کشور	نام	نام خانوادگی	توصیحات
۱۷	آفریقای جنوبی		برجیان	نماینده سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در پروتريا
۱۸	آفریقای جنوبی		افروخه	نماینده سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در کیپ تاون
۱۹	اتیوپی	محمدحسین	مظفری	رایزن فرهنگی رژیم در آدیس آبابا
۲۰	امارات متحده عربی		حاج علیان	رایزن فرهنگی رژیم در ابوظبی
۲۱	امارات متحده عربی		حسینی	رایزن فرهنگی رژیم در دبی
۲۲	اوگاندا		عباسی	رایزن فرهنگی رژیم در انتبه
۲۳	تانزانیا	محمد جواد	تسخیری	رایزن فرهنگی رژیم در دارالسلام . وی در ۱۹۹۳ به عنوان وابسته فرهنگی در امان، از جانب اردن متهم به تحریک گروههای ضد دولتی بنیادگرا شد و از آن کشور اخراج گردید .
۲۴	زامبیا		اسدی موحد	رایزن فرهنگی رژیم در لوساکا
۲۵	زیمبابوه	علی محمد	طالبی بیدهندی	مروج فرهنگی در حراره
۲۶	سودان		واعظی	رایزن فرهنگی رژیم در خارطوم
۲۷	سوریه	مرتضی	نعمت زاده	رایزن فرهنگی در دمشق
۲۸	غنا		حاتمی	رایزن فرهنگی رژیم در آکرا
۲۹	قطر	عباس	خامه یار	رایزن فرهنگی رژیم در دوحه
۳۰	کنیا	احمد	درگاهی	رایزن فرهنگی رژیم در نایروبی، وی قبل از این سمت مدیرکل اداره اروپا و آمریکای معاونت ارتباطات از سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی بود
۳۱	لبنان (بیروت)	محمد مهدی	تسخیری	وی قبل از اینکه رایزن فرهنگی در لبنان شود مدیرکل اداره کل فرهنگی آفریقا عربی بود
۳۲	لبنان (بعلبک)		زنگنه	رایزن فرهنگی رژیم در بعلبک
۳۳	نیجریه		احمدی	رایزن فرهنگی رژیم در لاگوس

لیست رایزن های فرهنگی در کشورهای مختلف

کشورهای آسیا - اقیانوسیه				
ردیف	نام کشور	نام	نام خانوادگی	توصیحات
۳۴	آذربایجان	سید علی اکبر	اجاق نژاد	رایزن فرهنگی در باکو
۳۵	اندونزی		صفوی	رایزن فرهنگی در جاکارتا
۳۶	ازبکستان		اکبری	رایزن فرهنگی در تاشکن
۳۷	استرالیا		لقایی	نماینده سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در سیدنی
۳۸	بنگلادش		اورجسی	رایزن فرهنگی در داکا
۳۹	پاکستان (پشاور)		آقاجری	رایزن فرهنگی در پشاور
۴۰	پاکستان (حیدرآباد)	محمد	خلیلی	وابسته فرهنگی در حیدرآباد
۴۱	پاکستان (راولپنڈی)		میرخانی	رایزن فرهنگی در کراچی
۴۲	پاکستان (کراچی)		رئیس زاده	رایزن فرهنگی در کراچی
۴۳	پاکستان (کویت)		ایراهمیان	رایزن فرهنگی در کویت
۴۴	پاکستان (لاهور)		بی تقصیر	رایزن فرهنگی در لاهور
۴۵	پاکستان (اسلام آباد)		توسلی	رایزن فرهنگی در اسلام آباد
۴۶	ترکیه (آنکارا)		کاظمی	رایزن فرهنگی در آنکارا
۴۷	ترکیه (استانبول)		موسی زاده	رایزن فرهنگی در استانبول
۴۸	ترکمنستان (عشق آباد)		صفرخوانی	نماینده سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در عشق آباد قبلاً در سودان بوده است
۴۹	ترکمنستان (عشق آباد)	عبدالمجید	زمان جهرمی	نماینده سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی عشق آباد
۵۰	تایلند (بانکوک)	حمید رضا	اطمینان	وابسته فرهنگی در بانکوک
۵۱	تاجیکستان		جعفری	رایزن فرهنگی در دوشنبه
۵۲	چین	مهدی	مهدوی پور	رایزن فرهنگی در پکن
۵۳	سريلانكا	علی محمد	حلمی	رایزن فرهنگی در کلمبو
۵۴	فلپین (مانیل)	محمد احمد	آخوندی	وابسته فرهنگی در مانیل
۵۵	قزاقستان		سنایی	رایزن فرهنگی در آلماتا
۵۶	نخجوان		پناهیان	رایزن فرهنگی در نخجوان
۵۷	هندوستان		پالیز دار	رایزن فرهنگی در بمبئی
۵۸	هندوستان	سید محسن	میری	رایزن فرهنگی در دهلی نو - قبل از این سمت مدیر کل اداره کل فرهنگی آسیا و اقیانوسیه بود

جنگ روانی علیه مجاهدین

یکی از وظایف سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی اجرای طرحهای «جنگ روانی» علیه مجاهدین و مقاومت ایران است. این ارگان آخوندساخته برای مقابله با مقاومت ایران، جنگ روانی را به عنوان یک استراتژی به کار می گیرد. در اسناد این سازمان تأکید شده است که «جنگ روانی جزئی از هرگونه استراتژی اصلی و عمده است، نه این که خود یک تکنیک خاص باشد». در همین راستا، «سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی» برای تهیه و اجرای طرحهای جنگ روانی با سرمایه گذاری هنگفت، دستگاه عریض و طویلی را به کار انداخته و آموزشهای ویژه و جزوات و کتابهای آموزشی متعددی تهیه کرده است.

جعل اتهام کردکشی توسط مجاهدین، داستانهای موهوم زندان و شکنجه اعضای ناراضی و دست زدن به قاچاق مواد مخدر توسط مجاهدین و... به عنوان شیوه های مختلف «جنگ روانی» تماماً توسط این ارگان طراحی و ساخته و پرداخته شده و از طریق رسانه های تحت نفوذ وزارت اطلاعات و پاسداران سیاسی و سایر عوامل وزارت اطلاعات در خارج کشور منتشر می شود. مقاومت ایران تاکنون بارها نسبت به دستهای مشکوک پشت پرده، که سرخ این «جنگ روانی» را در دست دارند، هشدار داده است. اکنون با افشای این مدارک، نقش «عوامل همکار در اروپا و آمریکا» یا رسانه های تحت نفوذ وزارت اطلاعات و پاسداران سیاسی و بریده مزدوران را که در خدمت وزارت اطلاعات درآمده و اخبار جعلی این ارگان سیاه را رله می نمایند، به وضوح مشاهده می نماییم. عواملی که به زعم سردمداران وزارت اطلاعات، همکاری آنها می تواند تبلیغات و «جنگ روانی» مورد نظر رژیم علیه مجاهدین را که بی اعتنائی عمومی رو به روست، موفق تر گرداند. مبنای جنگ روانی که توسط منفورترین عناصر رژیم در وزارت اطلاعات و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی هدایت می شود، تکرار خبرهای جعلی رژیم توسط مزدوران خارج کشوری آن است.

سند حاضر، ریل یا خط ساخت و پرداخت یک خبر را در چارچوب جنگ روانی تشریح می کند. این طرح با این هدف توسط این ارگان تهیه شده که توجه محافل خبری جهان را از دخالت رژیم در جنگهای کردستان عراق در سال ۷۵، منحرف نماید و متقابلاً خبرهای مربوط به حضور نیروهای رژیم را به سمت «دخالت مجاهدین در جنگهای کردستان عراق» سوق دهد. به دنبال دخالت رژیم در جنگهای کردستان و انتشار اخبار آن در رسانه های خبری جهان، این موضوع (لورفتن حضور نیروهای رژیم در کردستان عراق)، توسط شورایی عالی امنیت رژیم، «خطرناک» توصیف شده و «سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی» مأموریت می یابد که این خبر را به سمت مجاهدین منحرف نماید.

سند شماره ۲

کردستان عراق در بحران، بررسی یک نمونه خبرسازی

تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۴ شهریور ۱۳۷۵

رسانه‌های آمریکایی و برخی رسانه‌های منطقه هم‌چنان بر تبلیغات خود مبنی بر حضور نیروهای ایرانی در خاک کردستان عراق ادامه می‌دهند.

یک نماینده تلویزیون ترکیه «شو» در پاسخ به سؤال خبرنگار شبکه تلویزیون سی.ان.ان آمریکا، که پرسیده بود تانسو چیلر، وزیر خارجه ترکیه، به نقل از نیروهای امنیتی ترکیه، گفت اطلاعاتی وجود دارد که ایران نخست وارد کردستان عراق شد و سپس عراق با این حرکت مقابله کرد، در این مورد چه اطلاعات و شواهدی وجود دارد، گفت: «چیلر روز چهارشنبه این سخنان را گفته، ولی هنوز تأییدی بر این مطلب و موقعیت نیروها در ایران موجود نیست».

وی افزود: «یکی از این گروه‌های کرد به رهبری جلال طالبانی از آمریکا درخواست کمک کرده و در دو هفته اخیر نیز از ایران کمک‌هایی دریافت کرده است و ما از این مطلب کاملاً آگاه و مطلع هستیم».

از سوی دیگر یک نماینده تلویزیون کردستان عراق وقتی در خصوص وضعیت نیروهای عراقی با شبکه سی.ان.ان در اربیل سخن می‌گفت، ناگهان بحث خود را به سوی ایران برگرداند و گفت: «این مسأله که نیروهای ایرانی در عراق به سر می‌برند ادعا نیست».

وی افزود: «گروه کثیری از نیروهای ایرانی در کردستان عراق به سر می‌برند که تا عمق ۵۰ کیلومتری داخل عراق پیش‌رفته و در مناطق استراتژیک جاده هملتون پایگاه‌هایی دارند. این نقاط استراتژیک توسط نیروهای حزب دموکرات کردستان عراق کنترل می‌شده است». به گفته وی، نیروهای ایرانی هم‌چنین در اطراف و نزدیکی شهر سلیمانیه و خط مرزی حضور دارند.

از آن‌جا که این خبر به صراحت از یک شاهد عینی، حضور نیروهای ایرانی را در خاک عراق گزارش می‌کند، خطرناک ارزیابی شده و ضرورت سازماندهی اقدامات برای انحراف این خط مورد توجه قرار گرفت. پس از برگزاری جلسه طرح و برنامه، طرحی تدوین شد تا با استفاده از اطلاعات ارائه شده موجود، مبنی بر حضور نیروهای ایرانی در کردستان، ضمن پذیرش این که نیروهای ایرانی در کردستان وجود دارند، به تدریج این نیروهای ایرانی را «سازمان منافقین» معرفی کنیم. با این توصیف هم اخبار موجود پذیرفته شده و به عنوان مستندات خبر مورد استفاده قرار می‌گیرد، هم بار منفی این اخبار به سمت منافقین هدایت می‌شود و ضربه‌یی به آنها خواهد بود.

با این توصیف، طی هماهنگی با خبرگزاری ج.ا.ا و نیز با هماهنگی عوامل همکار در اروپا و آمریکا، خط خبری در این زمینه فعال شد. نخستین خبر تنظیمی را ملاحظه فرمایید:

نمونه شماره یک،

خبر تنظیمی ۴ سپتامبر ۱۹۹۶

منابع وابسته به اتحادیه میهنی کردستان عراق اعلام کردند: سازمان مجاهدین خلق ایران در مناطق و پایگاههای استراتژیک جاده هملتون و نزدیکی شهر سلیمانیه استقرار یافته اند. این منابع اضافه می کنند: سازمان مجاهدین خلق در سرکوب مردم کرد در کنار ارتش عراق نقش فعالی دارند.

نمونه شماره ۲:

خبر تنظیمی ۱۳ شهریور ۷۵

بر اساس آخرین اخبار دریافتی منابع مستقل کرد در شمال عراق، نیروهای سازمان مجاهدین خلق ایران در کنار نیروهای حزب دموکرات کردستان که از حمایت بغداد برخوردارند، هم چنان به حملات خود علیه غیرنظامیان و منازل مسکونی ادامه می دهند.

بر اساس گزارشهای قبلی، مردم شهر سلیمانیه عراق به دنبال حمله آمریکا علیه بغداد به نشانه آغاز شکست نیروهای صدام به جشن و پایکوبی پرداخته بودند.

حملات مجاهدین خلق و نیروهای حزب دموکرات کردستان به دنبال توافقهایی به عمل آمده میان مسعود رجوی و مسعود بارزانی در دو هفته گذشته صورت می گیرد. منابع مستقل کرد گزارش می دهند مجاهدین خلق با پوشیدن لباسهای کردی همدوش با نیروهای ارتش صدام و مسعود بارزانی به نبرد علیه مردم مشغولند. پیش از این نیز در جریان جنگ نفت، نیروهای مجاهدین با پوشیدن لباسهای کردی در کنار نیروهای صدام حسین به قتل عام مردم کردستان عراق پرداخته بودند، هم چنین در سرکوب شورشهای جنوب عراق آنان نقش فعالی ایفا کردند.

نمونه شماره ۳:

خبر تنظیمی جمعه ۱۶ شهریور ۷۵

منابع وابسته به حزب میهنی کردستان عراق گزارش می دهند نیروهای حزب دموکرات و واحدهای میلیشیای سازمان مجاهدین خلق ایران، با حمایت نیروهای ارتش عراق، در حال پیشروی به سوی کویسنجق می باشند. براساس آخرین خبر واصله، نیروهای مزبور در ۵ کیلومتری منطقه «دگاله» و ۲۵ کیلومتری کویسنجق مستقر

شده‌اند. رادیو حزب دموکرات عراق نیز امروز خبر از درگیریهای سنگین در این مناطق دارد.

نمونه شماره ۴:

خبر تنظیمی جمعه ۱۶ شهریور ۷۵

منابع موثق از داخل شهر اربیل گزارش می‌دهند، نیروهای امنیتی، مخابرات، استخبارات، امنیت ملی و سازمان مجاهدین خلق ایران با لباسهای کردی به جستجوی معارضین عراقی در داخل شهر مشغولند. آنان پس از دستگیری معارضین، آنها را فوراً به موصل منتقل می‌کنند.

- منابع وابسته به اتحادیه میهنی خبر از شروع درگیریهای جدید میان نیروهای این اتحادیه و حزب دموکرات در شهر حلبچه می‌دهند.

- بر اساس همین گزارش، نیرویی از سازمان مجاهدین خلق ایران با استعداد ۵۰۰ تا ۱۴۰۰ نفر در خانقین به فرماندهی علی احمدی مستقر می‌باشند.

نمونه شماره ۵:

خبر دریافتی

منافقین در مقابل مرز ایران رژه رفتند

ایلام، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۷ شهریور ۷۵

رادیو نفاق روز شنبه اعلام کرد، عناصر وابسته به گروهک منافقین روز جمعه در یک حرکت نمایشی در پایگاههای مقابل نوار مرز ایران رژه رفتند. این رادیو گفت: رژه منافقین همزمان با سی و دومین سال شکل‌گیری سازمان مجاهدین خلق (منافقین) صورت گرفت.

رادیو مجاهدین، که همه‌روزه در بغداد برنامه پخش می‌کند، گفت: همزمان با این مراسم، ۳۲ توپ نیز شلیک شد.

اخیراً گروهک نفاق از هواداران خود خواست که از طریق مرزهای غربی و جنوبی کشور از ایران خارج و به نیروهای منافقین در پایگاههای مقابل نوار مرزی استانه‌ای ایلام، کرمانشاهان و خوزستان بپیوندند.

نمونه شماره ۶:

خبر تنظیمی جمعه ۱۷ شهریور ۷۵

به دنبال شرکت گسترده سازمان مجاهدین خلق ایران در عملیات اخیر ارتش عراق برضد کردهای شمال این کشور، رادیو وابسته به این سازمان روز شنبه اعلام کرد نیروهای سازمان به منظور اثبات قدرت و توان رزمی خود در یک مانور نظامی شرکت

نمودند. این رادیو گفت همزمان با این مراسم، ۳۲ گلولهٔ توپ شلیک کرده است. این سازمان از هواداران خود دعوت نمود با توجه به تحولات اخیر از طریق مرزهای غربی و جنوبی ایران به پایگاههای سازمان بپیوندند.

هم چنین این رادیو در اخبار روز جمعهٔ خود با انعکاس مصاحبهٔ مطبوعاتی متحد خویش، یعنی مسعود بارزانی رهبر حزب دموکرات کردستان عراق، رژیم ایران را به توطئه علیه کردستان عراق متهم کرد. این در حالی است که روزنامهٔ ایندپندنت چاپ لندن در یکی از شماره‌های اخیر خود به حضور فعال نیروهای این سازمان در کنار نیروهای صدام حسین علیه کردهای عراقی اشاره کرد.

نمونهٔ بازخورد خط عملیات روانی

/ جهت اطلاع /

* یک نشریهٔ انگلیسی: منافقین در حملهٔ ارتش عراق به اربیل همکاری کردند

تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۴ شهریور ۷۵

به نوشتهٔ یک روزنامهٔ انگلیسی، واحدهایی از گروهک منافقین که وابسته به ارتش رژیم صدام هستند، در عملیات حمله به شهر اربیل و تصرف آن همکاری داشته‌اند. روزنامهٔ ایندپندنت چاپ لندن در شماره روز چهارشنبهٔ خود به نقل از «طارق»، یک عضو ۲۵ سالهٔ حزب دموکرات کردستان عراق، نوشت: نیمی از واحدهای عراقی را که در حمله به شهر اربیل شرکت داشتند، افراد منافقین تشکیل می‌دادند. این روزنامه به جزئیات این مسئله هیچ اشاره‌ی نکرد. گروههای مسلمان در عراق بارها اعلام کرده‌اند که به دلیل همکاری و همراهی منافقین با رژیم عراق به ویژه کشتار مردم این کشور، به حملاتی علیه این گروهک دست زده‌اند. آخرین حمله علیه پایگاه گروهک تروریستی منافقین نیمهٔ مرداد ماه امسال صورت گرفت که در آن چند فروند موشک کاتیوشا به سوی پایگاه منافقین شلیک شد.

یک منبع اتحادیهٔ میهنی گفت: هیأتی از منافقین وارد سلیمانیه شدند.

بانه، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۵ شهریور ۷۵

به گفتهٔ یک منبع اتحادیهٔ میهنی کردستان عراق، هیأتی از منافقین روز جمعه وارد شهر سلیمانیه شد. شهر سلیمانیه اخیراً به اشغال نیروهای مشترک ارتش عراق و حزب دموکرات، به رهبری مسعود بارزانی، در آمده است. یکی از مسئولان بلندپایهٔ اتحادیهٔ میهنی کردستان عراق در منطقهٔ مرزی سیران بند گفت: هیأت منافقین روز شنبه در جلسه‌ی که با حضور مسئولان استخبارات عراق تشکیل شد، شرکت کردند. جمیل اورامی گفت: در مورد جزئیات این جلسه گزارشی دریافت نشده است. وی به شمار اعضای هیأت منافقین اشاره‌ی نکرد، اما گفت آنان به وسیلهٔ ۱۲ خودرو وارد سلیمانیه شدند.

«عوامل همکار در اروپا و آمریکا چه کسانی هستند؟»

«خبرگزاری جمهوری اسلامی» که در این طرح مسئولیت انتشار اولیه اخبار جعلی را به عهده دارد، خبرهای خود را به «منابع وابسته به اتحادیه میهنی کردستان عراق» یا «منابع مستقل کرد در شمال عراق» یا «منابع موثق از داخل شهر اربیل» مستند می کند. اما جعلیات خبرگزاری رژیم حتی توسط «رادیو صدای خلق کردستان» یعنی رادیو وابسته به اتحادیه میهنی کردستان که متحد منطقه یی آخوندهاست و رژیم مدعی است نیروهای مجاهدین وارد جنگ با آنها شده اند، پخش نگردد! چون بلافاصله باعث آبروریزی برای آخوندها می شد. این خبرها بایستی توسط «عوامل همکار در اروپا و آمریکا» رله شوند.

برای شناسایی «عوامل همکار در اروپا و آمریکا»، ببینید چه کسانی خبرهای آخوند ساخته در زمینه کردکشی توسط مجاهدین را تکرار کردند.

رادیو ۲۴ ساعته و باند وزارت اطلاعات در واشینگتن و لس آنجلس (ناصر خواجه نوری و مانوک خدابخشیان و ...)، هم زمان با انتشار اخبار جعلی توسط خبرگزاری رژیم، مأموریت خود را در این «جنگ روانی» ردیفانه برای رله این خبرها شروع می کنند:

ناصر خواجه نوری در مصاحبه با مانوک خدابخشیان:

مجاهدین در تصرف اربیل نقش داشتند

فرستنده بازماندگان ساواک موسوم به ۲۴ ساعته، ۱۸ شهریور ۷۶:

ناصر خواجه نوری در مصاحبه مفصلی با فرستنده موسوم به ۲۴ ساعته، مدعی شد که مجاهدین در تصرف اربیل نقش داشته و به نیروهای عراقی کمک کرده اند. او ضمن به هم بافتن آسمان و ریسمان، به مانوک خدابخشیان که صحنه گردانی این مصاحبه را به عهده داشت، گفت: تانکها و خودروهای مجاهدین در اربیل دیده شده اند. خودروهای جیب مجاهدین مشخص هستند و کس دیگری این جیبها را ندارد. خواجه نوری بدون این که به منبع خبری خود اشاره کند، گفت: این نشان می دهد که آنها در درگیریهای کردستان عراق هم شرکت دارند.

ناصر رنجبین، مزدور شناخته شده وزارت اطلاعات، روز ۳ مهر در مصاحبه با تلویزیون ملی در واشینگتن که گرداننده آن جزء باند خواجه نوری- مروتی است، گفت: «این سازمانی که نیروهای خودش را در عراق متمرکز کرده است، حتی او هم اطلاع داشت که چه طرحی و چه نقشه یی دارد در عراق پیاده می شود... و یک نکته جالبی برایم تعجب آور بود و آن این که نیروهای عراقی با ۵۲ تانک در جلو جبهه حمله نیروهای عراقی به حزب میهنی کردستان به رهبری طالبانی حمله می کردند و اعجاب انگیز این بود که تمام نیروهایی که در پشت این تانکها بودند برای اولین بار چپیه به سر بسته بودند، چرا؟ برای این که شناخته نشوند. چرا شناخته نشوند؟ برای این که آقای صدام حسین نیروهای خودش را در جبهه اول جنگ بسیج نکرده بود، اینها نیروهای مسعود رجوی بودند...»

رادیو ۲۴ ساعته با استفاده از بریده مزدوران حقیر و پاسداران سیاسی، تنور این «جنگ

روانی» را به مدت دوهفته داغ نگه می‌دارد. در روز ۱۰ مهر ۷۵، در یکی از این خیمه‌شب‌بازیهای رادیویی، حسین مهری یکی از گردانندگان این رادیو، به نقل از یک روزنامه‌نگار ایرانی تبعیدی مقیم لندن، می‌گوید: «واحدهای جنگنده‌یی از سازمان مجاهدین خلق ایران در جنگهای اخیر شمال عراق که به شکست اتحادیه میهنی جلال طالبانی انجامید، شرکت داشتند. اتحادیه میهنی کردستان از حمایتها و پشتیبانیهای جمهوری اسلامی برخوردار بوده است. نیروهای رزمی سازمان مجاهدین خلق عملاً در عملیات علیه اتحادیه میهنی کردستان در گیرودارهای جدال در تسخیر اربیل شرکت داشته‌اند. درگیری و دخالت سازمان مجاهدین خلق در پی مصاحبه‌هایی که با جنگجویان پیروز بارزانی برگزار شد، جنگجویانی که در حمله به اربیل در کنار ارتش عراق شرکت داشتند، تأیید شد. تا پنجاه درصد از نیروهای عراقی عملاً از سازمان مجاهدین خلق بودند».

دامنه این «جنگ روانی» در آمریکا، به «بنیاد دموکراسی برای ایران» که متعلق به تیمرمن است و روابط نزدیکی با ناصر خواجه‌نوری، عامل شناخته‌شده وزارت اطلاعات رژیم دارد، نیز می‌کشد. نشریه این بنیاد، اقدام به چاپ مصاحبه‌هایی که در همین زمینه از فرستنده موسوم به ۲۴ ساعته پخش شده، می‌نماید و سپس فرستنده مزبور مجدداً با آب و تاب فراوان اقدام به «بازخورد» همین مطالب می‌کند! و مصاحبه‌هایی را که خودش آنها را پخش کرده، یک بار هم به نقل از نشریه مذکور پخش می‌نماید!

فصل چهارم - تشکیل سمینارهای فرمایشی

تشکیل سمینارهای فرمایشی

سندی را که ملاحظه می‌کنید مربوط به طرحی است که توسط «سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی» از سال ۷۵، برای مقابله با گردهماییهای بزرگ مقاومت در کشورهای مختلف، تهیه و اجرا شده است. این طرح مربوط به راه‌اندازی مجموعه‌یی از سمینارهای فرمایشی است که با سرمایه‌گذاری آخوندها و با بهره‌گیری از عوامل رژیم در کشورهای مختلف طی چند مرحله در اروپا و آمریکا برگزار شد. در این طرح وظیفه تبلیغ و جوسازی حول این سمینارها، به عهده «رسانه‌های اپوزیسیون تحت نفوذ وزارت اطلاعات» در خارج کشور گذاشته شد.

سند شماره ۳

طرح مقابله با حملات تبلیغاتی استکبار و منافقین

۱- مقدمه و توجیه طرح

جمهوری اسلامی ایران از بدو پیدایش به طور فزاینده‌یی مورد شدیدترین حملات تبلیغاتی از جانب رسانه‌های وابسته استکبار جهانی قرار داشته است. این تبلیغات با استفاده از همکاری فعال منافقین و با هدف قرار دادن افکار عمومی سراسر جهان در تلاش بوده است چهره‌یی مخدوش و زشت از نظام و انقلاب اسلامی را ترسیم نماید. براساس بررسیهای انجام شده توسط مراکز تحقیقاتی، عمده‌ترین محور تبلیغی دشمن طی سالهای اخیر در زمینه متهم ساختن جمهوری اسلامی ایران به تروریسم، نقض حقوق بشر، تلاش برای دستیابی به سلاحهای هسته‌یی و کشتار جمعی و توسعه طلبی منطقه‌یی بوده است.

استکبار جهانی با هدف ضربه زدن به جمهوری اسلامی ایران و منزوی ساختن ایران در صحنه بین‌المللی مجموعه‌یی از اقدامات سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی را به مرحله اجرا گذاشته است. که از آن جمله می‌توان از تحریم اقتصادی، تجاوز نظامی، تهاجم فرهنگی و تطمیع کشورها از طریق اقدامات دیپلماتیک برای قطع ارتباط با جمهوری اسلامی نام برد.

یکی از ابزار مورد نظر استکبار جهانی برای بهره‌برداری در راستای اهداف شوم، جامعه مهاجرین ایرانی در خارج کشور بوده که با همراهی منافقین هدفهای مورد نظر را دنبال نموده است. بنا به مطالعات و تحقیقات انجام شده اکثریت مهاجرین ایرانی را افراد

غیرسیاسی تشکیل می دهند که به دلایل اقتصادی و در طلب دستیابی به شرایط رفاهی و مادی دست به مهاجرت زده اند، اما با قرار گرفتن در کانون تبلیغات منافقین و فرهنگ بیگانه بیش از پیش در خطر انفکاک و گسستگی فرهنگی و اجتماعی از کشور خود قرار دارند.

اما همان گونه که منافقین هم صدا با رسانه های استکباری علیه منافع ملی و نظام سیاسی متحد شدند چهره هایی وجود دارند که از نظر علمی و فکری دارای شهرت و اعتبار بین المللی بوده و در عین حال دفاع از حاکمیت ملی ایران را برتر از هر چیز دیگری می دانند و به همین دلیل در مقابل بسیاری از توطئه ها- تبلیغات و توطئه های استکبار و وابستگان آن واکنش نشان می دهند. که نمونه های عینی آن حمایت آنان از دفاع مقدس جمهوری اسلامی در برابر تجاوز عراق و حملات منافقین به میهن اسلامی و هم چنین دفاع آنان در خصوص حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه خلیج فارس می باشد.

سازماندهی فعالیتهای این چهره ها و شخصیت های علمی و مطبوعاتی کارکرد چندگانه ای خواهد داشت که از آن جمله می توان تأثیرگذاری بر افکار عمومی و به ویژه بر سطوح گروه های تحصیل کرده علمی، فرهنگی، رسانه ای اروپا، آمریکا و سایر حوزه های جغرافیایی و تأثیرگذاری این عوامل بر سایر هموطنان خود در جهت تقویت عرق ملی و نهایتاً زمینه سازی برای دیالوگی بین مهاجرین ایرانی و نظام نام برد. هم چنین از طریق این امکانات می توان بر فضای تبلیغاتی که در جهان علیه ایران وجود دارد غلبه کرد و یا آن را تحت تأثیر قرار داد.

۲- اهداف طرح:

۱. خنثی سازی تبلیغات روانی استکبار به ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی در افکار عمومی غرب
۲. خنثی سازی تبلیغات منافقین نزد افکار عمومی ایرانیان مقیم خارج از کشور و تقویت غرور ملی در زمینه مسائلی که به منافع ملی مربوط می شود.
۳. تأثیرگذاری بر افکار آزاداندیش، آکادمیک، علمی و فرهنگی در غرب که دارای نفوذ باشند.
۴. ایجاد یک جریان فکری دفاع از منافع ملی در درون نیروهای اپوزیسیون با تعیین خط قرمز دشمنی با ج.ا.ا.

۳- مراحل و روشهای اجرایی

طرح شامل مراحل مختلفی می باشد. در اولین مرحله، کار با تعدادی از اساتید برجسته ایرانی و شخصیت های سیاسی و مطبوعاتی است. شخصیت هایی که یکی از

مهمترین جنبه های فکری آنها مقدم شمردن منافع ملی بر انگیزه های سیاسی است. برای این اشخاص دفاع از منافع ملی بر پایه اسلام و حس وطن دوستی استوار است. به عقیده آنها اتهاماتی از سوی دولتهای غربی به ج.ا.ا. از قبیل دخالت در امور داخلی کشورها و دفاع از تروریسم بین المللی موجب لطمه زدن به منافع ملی ایران است. این افراد در خصوص ابهام زدایی خصوصاً در مقاطع حساس آماده فعالیت هستند. هدف مرحله یی: برپایی سمینار جهانی موقعیت خلیج فارس و آینده آن

محورهای عملیاتی و اهداف تبلیغاتی

۱. تروریسم بین المللی
۲. حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس
۳. طرح داماتو
۴. بررسی و نقادی نظم نوین و نظریه پردازی

مکانیسم اجرا

۱. برگزاری یک سمینار بین المللی در تعدادی از کشورهای خارجی، این کنفرانس به زبانهای انگلیسی و فارسی با شرکت متخصصین ایرانی، غربی و عربی برگزار خواهد شد.
۲. فراخوان مقاله
۳. سازماندهی کمیسیونهای تخصصی
۴. دعوت از متخصصین
۵. کارگسترده رسانه یی به منظور انعکاس و بازتاب کنفرانس در سطح جهان

ابزارها و امکانات مورد نظر در تحقق طرح و انعکاس بازتابها

۱. رسانه های اپوزیسیون تحت نفوذ وزارت اطلاعات
۲. رسانه های علنی و نیمه علنی وابسته به سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
۳. تهیه ویژه نامه از سخنرانیها و مصاحبه ها و مقاله ها و انتشار آن در سطح وسیع
۴. ارائه مستندات خشتی سازی در قالب **حلقه** (بانکهای اطلاعاتی) و شبکه اینترنت

هزینه های مرحله اول:

۱. جهت تأمین امکانات سرمایه یی شامل اجاره سالن و محل دبیرخانه کنفرانس، تهیه ویژه نامه، تحقیقات: ۱۰۰ هزار دلار
۲. هزینه های جاری شامل، آب و برق، تلفن و فاکس، مسافرت، حقوق افراد و گردانندگان، تبلیغات و پذیرایی: ۱۰۰ هزار دلار

طرح سمینارهای فرمایشی چگونه اجرا شد؟ مرحله اول: تلاش برای به خدمت گرفتن متخصصین تحت عنوان «دفاع از منافع ملی»

سمینار جهانی خلیج فارس، ۸ تیر ۷۵: سمیناری تحت عنوان «سمینار جهانی خلیج فارس»، به کارگردانی علی راستبین، مزدور شناخته شده وزارت اطلاعات، و گروهی از پاسداران سیاسی، نظیر علیرضا نوری زاده، هوشنگ امیراحمدی، مهرداد خوانساری و پیروز مجتهدزاده که به عنوان متخصص و استاد دانشگاه در خدمت رژیم کار می کند، در چهار کشور (آمریکا، فرانسه، انگلستان، آلمان) برگزار شد. این سمینار با عنوانی ملی گرایانه و به ظاهر غیرسیاسی، در پی ایجاد یک جریان «مستقل»! به منظور پیش بردن طرحهای رژیم برای به خدمت گرفتن متخصصین و مقابله با مقاومت مردم ایران بود. «ایجاد یک جریان فکری دفاع از منافع ملی (بخوانید آخوندی) در درون نیروهای اپوزیسیون با تعیین خط قرمز دشمنی با ج.ا.ا.» که در طرح مذکور به عنوان یکی از اهداف آن، تعیین شده همین خط را دنبال می کند. «خط قرمز»ی که برای این «جریان فکری» تعیین شده، «دشمنی با ج.ا.ا.» است. در زیر سقف این «خط قرمز» این «جریان فکری» و «رسانه های تحت نفوذ وزارت اطلاعات» و بقیه گروهها و عناصر به اصطلاح اپوزیسیون مجاز هستند برای بازارگرمی خود تا آن جا که می خواهند، علیه رژیم حرف مفت بزنند و قلم فرسایی بی خاصیت بنمایند.

در چارچوب همین خط، در جریان برگزاری سمینار مزبور در پاریس، تشکیلاتی توسط مزدور علی راستبین، تحت عنوان «سازمان دفاع از تمامیت و استقلال ایران» اعلام موجودیت کرد. که مطابق آن چه در نهم روز ۱۵ تیر ۷۵ آمده «این سازمان با هدف آگاه نمودن هموطنان از اقدامات و توطئه هایی که موجودیت و استقلال کشورمان (بخوانید حکومت آخوندها) را تهدید می کند و اتخاذ مواضع و اقدامات مناسب در برابر این تهدیدات ایجاد شده است». محصول این ترفند آخوندی - ساواکی تشکیل یک سمینار آخوندساخته برای لجن پراکنی علیه مجاهدین بود که با افشای آن توسط کمیسیون امنیت و ضدتروریسم، باطل گردید و گروه آخوندساخته مذکور نیز تأسیس نشده، به گور سپرده شد.

مزدوری برای رژیم تحت عنوان کار آکادمیک

پیروز مجتهدزاده از صحنه گردانان سمینارهای سفارشی رژیم، از سال ۷۳ به خدمت رژیم در آمده است. وی که خوش خدمتیا و مأموریتهاش برای رژیم را، تحت عنوان «منافع ملی ایران» می پوشاند، از جمله برای ایجاد رابطه بین مأموران رژیم و متخصصین ایرانی، به کمک موقعیت شغلی خود در دانشگاه لندن کنفرانسهایی ترتیب می دهد که از سفیر و کاردار رژیم گرفته تا فرستادگان وزارت اطلاعات، به عنوان کارشناس در آن شرکت می کنند. رژیم از این جلسات برای جا انداختن جاسوسان و مأموران وزارت اطلاعات خود به عنوان کارشناس و آکادمیسین و ایجاد رابطه با متخصصین بهره می گیرد و به این ترتیب در زیر پوشش مسائل تخصصی و ملی به

برقراری رابطه با متخصصین ایرانی پرداخته و تلاش می‌کند آنان را به رویارویی با مقاومت و تبلیغ خائنانه برای بازگشت، به خدمت بگیرد.

پیروز مجتهد زاده در سال ۱۳۷۳ برای پیشبرد مأموریتهای محوله از جانب رژیم، «انجمن بررسیهای ایران معاصر» را با همکاری چند تن از همپالکهایش در لندن تشکیل داد که اولین کار آن برگزاری یک کنفرانس رسوا در دانشگاه لندن در روزهای ۲۸ و ۲۹ دیماه ۷۳ بود. در این کنفرانس مستقیماً از کاردار رژیم در لندن دعوت شده و از وی خواسته شده بود که ریاست جلسه افتتاحیه را به عهده بگیرد. در این کنفرانس هم چنین یکی از اعضای شرکت نفت رژیم در لندن سخنرانی نمود. این انجمن در جستجوی افرادی بود که به عنوان لابی (گروه فشار) رژیم در خارج کشور به ویژه در انگلستان فعالیت کنند و اهداف رژیم را تحت عنوان محقق پیش ببرند.

در یک گزارش درونی «اداره فعالیتهای ویژه» از سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، برای اثبات وفاداری وی به «نظام» آمده است: «طبق بررسیهای انجام شده و اطلاعات موثق این شخص (پیروز مجتهدزاده) دارای دکترا در رشته ژئوپلیتیک می باشد و در حال حاضر استاد یکی از دانشگاههای انگلستان است، از موقعیت خوبی برای همکاری بهره مند است. این شخص سوابق محدود مشاوره با وزارت امور خارجه نیز داشته است. یکی از مهمترین جنبه های فکری او مقدم شمردن منافع ملی بر انگیزه های سیاسی می باشد. او معتقد است که دفاع از منافع ملی بر دو پایه اسلام و حس وطن دوستی استوار است.

جنبه مهم دیگر از نظر وی لزوم ابهام زدایی از مسئله سلمان رشدی است، او معتقد است با هدایت آمریکاییها ابهاماتی در مورد سلمان رشدی مطرح می شود که فتوای تاریخی امام را مترادف با دخالت در امور داخلی کشورها و دفاع از تروریسم بین المللی از سوی ایران جلوه دهند و چون این ابهامات در پاره یی از موارد موجب لطمه زدن به منافع ملی ایران می شود وی اعلام آمادگی نموده در خصوص ابهام زدایی خصوصاً در مقاطع حساس فعالیت نماید».

پیروز مجتهدزاده بعد از بیانیه ۲۲۰نماینده کنگره آمریکا در حمایت از مجاهدین، رسماً به عنوان تبلیغاتچی تلویزیون رژیم به صحنه آمد و در شرایطی که آخوندها از درد به خود می پیچیدند، به تلاش زبوانه یی برای کم رنگ کردن این بیانیه پرداخت.

وی در به اصطلاح تفسیر خود از حمایت اکثریت نمایندگان کنگره آمریکا گفت: «نظر یک عده دویست، دویست و بیست نفر از این کنگره به نظر من زیاد اهمیتی ندارد. این دویست و بیست، دویست و پنجاه نفر از اعضای کنگره ایالات متحده کسانی هستند که ما شاهد هستیم که در طی ده، پانزده سال گذشته مرتب به گروههای مختلفی که به آنها مراجعه می کنند علیه ایران امضا می دادند، و کاری که امروز دارند می کنند هیچ چیز تازه یی نیست کاری است که قبلاً اتفاق افتاده به صورتهای مختلف».

برگزاری کنفرانس «هویت ایرانی»، در فروردین ۷۷ در دانشگاه ~~پیشیا~~ لندن، و تلاش او برای لانس کردن هوشنگ امیراحمدی یکی دیگر از دلالهای رژیم، از خدمات او برای آخوندهاست. ایرانیان آزاده همان موقع در این کنفرانس حاضر شده و با اعلام این که این

کنفرانس با پول‌آخوندها راه افتاده، دست رژیم را در پشت این به اصطلاح کنفرانس نشان دادند. پیروز مجتهدزاده در برابر افشاگری ایرانیان آزاده، به رابطه‌اش با رژیم و دریافت پول برای برگزاری این کنفرانس، اعتراف کرد و رژیم را «فرهنگ پرور»! و پولهای آن را «طیب و طاهر»! خواند.

تبلیغات پیرامون سمینارهای مرحله اول توسط «رسانه های اپوزیسیون تحت نفوذ وزارت اطلاعات»

خبرهای ایران

P5

نیروز

بنیان فرهنگی پیمایی سینا

«سمینار جهانی موقعیت خلیج فارس و آینده آن»

روز شنبه ۲۹ ژوئن همزمان در کشورهای آلمان، انگلستان، آمریکا و فرانسه
آلمان - مونیخ

- ۱- دکتر ابرهارد کروگر دانشیار انستیتوی تاریخ و فرهنگ خاور نزدیک دانشگاه مونیخ؛ گشایش سمینار و اداره آن
- ۲- دکتر محمد عاصمی - مدیر و سردبیر مجله کاوه
- ۳- دریای پارس، نامی که با تاریخ همزاد است
- ۴- داده های مهندسی مهدی ناجی از دانشگاه کلن - آلمان
- ۵- خانه و کتیر شیناز نعم آبادی از دانشگاه هایدلبرگ - آلمان
- ۶- شکل ها و تأثیرات پهنائی جمعیت ها در خلیج فارس
- ۷- نادر شایان، دانشجوی علوم اجتماعی
- ۸- پیک مهر، شعری از مهندس مصطفی سرخوش
- ۹- پرسش و پاسخ - موسیقی ایرانی - پذیرائی

مکان: HAUS INTERNATIONAL,
KONEREZRAUM
ELISABETH STR 87 MUENCHEN 80797

در آمریکا - لوس آنجلس

- ۱- دکتر مسعود انصاری - استاد دانشگاه واشنگتن
- ۲- پرس سیاسی خلیج فارس بعد از فروپاشی اتحاد شوروی
- ۳- دکتر سیروس اقتصادی استاد - استاد دانشگاه
- ۴- تاریخچه سیاسی و اقتصادی خلیج فارس
- ۵- تیمسار سرلشکر علی اکبر قربانیان
- ۶- سیری در امور اقتصادی اجتماعی و سیاسی خلیج فارس در دو نظام گذشته و حال
- ۷- مکان: دیکسون هال دانشگاه U.C.L.A. ۳۰۰۰ U.C.L.A. لوس آنجلس

در انگلستان - لندن

- ۱- دکتر مهرداد خوانساری
- ۲- چشم انداز امنیت در خلیج فارس و حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه ایرانی
- ۳- دکتر علی رضا نوری زاده
- ۴- تأثیر فرهنگ ایرانی بر کرانه های عربی خلیج فارس
- ۵- مکان: کتابسرای بنیاد گسترش فرهنگ ایران

در فرانسه - پاریس

- ۱- خاطر ابودیاب - روزنامه نگار و کارشناس مسائل امور خاور میانه در مجله عربی - پاریس
- ۲- استراتژی بین المللی در خلیج فارس
- ۳- دکتر هوشنگ امیر احمدی استاد و مدیر بخش خاور میانه در دانشگاه NEW JERSEY آمریکا
- ۴- ثبات سیاسی منطقه خلیج فارس و رابطه ایران و آمریکا
- ۵- مرتضی انصاری - عضو گروه تدریس و تحقیق در دانشکده حقوق دانشگاه رن فرانسه
- ۶- تعادل نوسان در خلیج فارس
- ۷- DR. LAWRENCE G. POTTER استاد علوم سیاسی دانشگاه کلمبیا - آمریکا
- ۸- نقش آینده ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس
- ۹- دکتر محمد رضا جلیلی - استاد مرکز مطالعات بین المللی دانشگاه ژنو
- ۱۰- سیاست ایران در خلیج فارس، تحولات و چشم انداز
- ۱۱- دکتر فریدون خاوند - استاد دانشگاه پاریس
- ۱۲- خلیج فارس و امنیت اقتصادی مشترک
- ۱۳- OLIVIER DA LAGE روزنامه نگار از رادیو مونت کارلو
- ۱۴- حکومت های اراده گرای خلیج فارس در معرض تهدید «انترنت»
- ۱۵- دکتر علی راست بین - مدیر و بنیانگذار بنیاد فرهنگی پیمایی سینا
- ۱۶- ساختار جهان آینده و مشکلات منطقه یی برای هماهنگی آن
- ۱۷- DOMINIQUE LAGARDE روزنامه نگار
- ۱۸- ساختار قانونگذاری و رابطه قدرت در دولت های خلیج فارس
- ۱۹- دکتر پیروز آستانه فرن بیسم
- ۲۰- خلیج فارس در آستانه قرن بیستم
- ۲۱- دکتر حسن منصور - استاد دانشگاه های پاریس
- ۲۲- ایران و ارتقاء استراتژی نظامی آمریکا در خلیج فارس
- ۲۳- دکتر عزت الله همايونفر - استاد دانشگاه و نویسنده
- ۲۴- غروب غرب

زمان: روز شنبه ۲۹ ژوئن ساعت ۹/۵

مکان: PALAIS DES CONGRES
METRO: PORTE MAILLOT

تبلیغات پیرامون سمینارهای مرحله اول توسط «رسانه های اپوزیسیون تحت نفوذ وزارت اطلاعات»

شیراز

۳۱

شماره ۲۷۶ (سال هشتم) جمعه ۵ مرداد ۱۳۷۵

ساختار جهان آینده و مشکلات منطقه بی برای هماهنگی آن

ترجمه متن سخنرانی دکتر علی راست بین
مدیر و بنیانگذار بنیاد فرهنگی بوعلی سینا
در

«سمینار جهانی موقعیت خلیج فارس و آینده آن»

آغاز دوران نو استعماری و
جنگ سرد

نوع جدید وابستگی

بزرگ می‌داند. و حتی امروز که فضای بین المللی پر از اتهام پذیری جراحات پنهان ساله این پیوند آماده شده است. اسرائیل در مقام مجری جبر است. دیپلماتی آمریکا، همچنان از خود شعوری ارائه میدهد که مهاجم و محتل کشنده اسرائیل و امنیت منطقه است و فلسطین را کشتن به سر راهی و غالی از بحران را از منطقه میگرد.

نفت: مقدم بر استراتژی نظامی

بعد از جنگ جهانی دوم بود که در پی ایران و عراق، گریخت و سرانجام سعودی و امارات را به کرانه جنوبی نیز به هر که کشورهای صاحب نفت پوشانند و کمپانی های آمریکایی برای منابع منطقه نفت در این سرزمین ها دست گذاشتند.

پادی از آنچه در آفریقا گذشت. کالی است که نشان دهد زیر بنای پهرانها و کوتاهای اروپا هم پیوندها، تحریکات مستعمره داران سابق بود که دل از امتیازات از دست داده اگر چه جزئی بر زمین داشتند. در آفریقا، بر هجنان زمین واقع به گنوی بلایک و قتل بومها، بر می گردد و کشمکش های بین المللی بر سر تصاحب بهره برداری از معادن آنجا به خصوص معادن مس- که یک دیرکت سازمان ملل نیز در آن کشمکش ها جان سپرد، تا گروه سوئدی از صحنه عقب رانده شود. و طولانی ترین کشمکش کشمکش به انگاره و سرزمین صاحب نفت و مستعمره سابق بر مثال که تا یکی راه تاخیر و تاخیر در آنجا ظاهر ظهور شده است.

پایان جنگ جهانی دوم با آن حصران و نابودی که در جنگ به جا مانده بود، آغاز نقطه امید در جهان و در منطقه شده انگلستان با وعده استقلال ملل مستعمره خود را به شرکت در جنگ کشنده داده، استرالیای کانادا و... و انتقام می رشت که پایان جنگ به نظام استعماری در جهان پایان بخشد. حضور آمریکا به عنوان فاتح آسیب ندیده جنگ- که در بیرون از قاره، سابقه تهاجمی داشت- و تقاضی که از جهان بخواهد، امم از تمام شعوری آمریکا، کالیفرنیا، بر سر ایجاد سازمان ملل برای حفظ صلح و معادلات تضمین از آادی انسان به وجود آورد و این که منتظر صبا خا، ملل، راه به نام

۲۵ آبان ۷۵

P31

شیراز

فراخوان هیأت مؤسس سازمان دفاع از تمامیت و استقلال ایران هم میهن برای ساختن ایرانی آباد، آزاد، مستقل و نیرومند با ما هم گام شو.

ایرانیان خارج از کشور، سازمان و به یاری ایرانیان در داخل و به مقاله خطر خارجی از بیرون پشتیبان برای مسئله ایرانی و معده ایران و ایرانی است و تمرین کنیم گسار بسیاری از خارج هستند که مثل ما فکر می کنند و تب و تاب ما را در برابر اوضاعی که به وجود آمده است در می کنند، و برای ما حیرت انگیز است اگر کسانی وجود داشته باشند که در یک چنین اوضاع و احوالی بتوانند نسبت به سرانجام ایران با نفوذ و نفوذ و نفوذ خود را ایرانی نمایند.

ما، در پی ریزی سازمان خود، به ایده نوازی ها و دیدگاههای متنوع اجتماعی کار نداریم. در ایران از قدیم مردم با هم بر سر اختلاف های مذهبی و طرز فکرهای متفاوت به تعامل و سازش و مدارا رسیده بودند، و امروز هم این سابق و خوی ملی ایرانی، به نظر ما همچنان استوار و پیا بر جاست. بنا بر این، ما در سازمان دفاعی خود، هیچ معسکرو اعتقادی نداریم جز پایبندی به اصل تمامیت و استقلال ایران و از هر که ایرانی است و به این دفاع مستقیم است با هر طرز فکر که دارد، استقبال می کنیم.

ما سار و ای، و شنگ و خالی از خوشتر ایش

از طرق و گاهی آخرین مرحله آن به شمار می رود. گاهی سیاست های یک کشور نیز می تواند عامل تحریک خارجی بشود. از این رو در ارتباط با سیاست های جاری حکومت ایران نیز خود را موفق به بررسی تمامی اقدامات رسمی و غیر رسمی آن میدانیم و چنانچه موضع، سیاستها و اقدامات حکومت را معاییر حفظ استقلال و موجب تحریک دولتهای خارجی و تهدید مرزهای کشور ارزیابی کنیم، نسبت به افشا و برخورد مناسب با آنها اقدام خواهیم نمود. بطور کلی می توان گفت ما در مسیر اصلاح گریزها و نهائیت افشا و مقابله با آنها حرکت می کنیم. در حال حاضر از جمله اقدامات لازم در این راه سوق دادن حکومت به سمت گسترش آزادیهای محدود فعلی و مشارکت بیشتر مردم ایران در انتخابات مختلف و نیز نشر عقاید در رسانه های اجتماعی اعم از رادیو، تلویزیون و مطبوعات است و ما در مسیر دستیابی به این هدف ها از هیچ تلاشی فروگذار نخواهیم کرد.

تکرار می کنیم ما، در روزگاری زندگی می کنیم که تصرف و تسخیر کشورها، حتی به نیاز از عبور

هم میهنان! ما هم مثل تمام ایرانیان دور از ایران، شدیداً نگران اوضاع داخلی هستیم که در حال حاضر، در ایران و بر ایران می گذرد، دامنۀ توطئه ها، در داخل است که در چنین اوضاع و احوالی نگران مملکت، هموطنان، تاریخ و تمدن و فرهنگ نیا خاکش نیست. ما در عصری زندگی می کنیم که دولت مشروعیت را از مردم می گیرد و دو یک ملت آگاه حتی در صورت وجود دولتی مد در صد ملی، مرمیت خود لازم است با چشمانی باز در صحنه سیاست داخلی و خارجی کوشش حضور جدی و فعال داشته باشد. و نظارت و دخالتش را در امور مملکتی دست کم نگذرد. بدین ترتیب و در شرایط امروز ایران، نقش ملت ایران و ضرورت حضورش در تمام صحنه های اجتماعی و سیاسی و دفاعی بیشتر اهمیت و اولویت پیدا می کند. بخصوص وظیفه و مسئولیت ایرانیانی که از سرزمین خود دور افتاده اند، در قبال دفاع از موجودیت و تمامیت و استقلال ایران بیشتر و سنگین تر است و ناپستی آن را دست کم نمیگرد.

برای دفاع از موجودیت ایران که در دفاع و

تبلیغات پیرامون سمینارهای مرحله اول توسط «رسانه های اپوزیسیون تحت نفوذ وزارت اطلاعات»

کیمهان

۳۱ خرداد ۷۵

بنیاد فرهنگی بوعلی سینا

بِقَوْشَا بِنِ مِمِينِ تَن بِوَاظْهَطُوْا ظَوُّوْهُ هَطْ ظَلَوُوهِ

سمینار جهانی موقعیت خلیج فارس و آینده آن

زمان: شنبه ۲۹ ژوئن ۹۶ در کشورهای آلمان، انگلستان، آمریکا و فرانسه به طور همزمان
زبان سمینار: فارسی، فرانسه و انگلیسی (ورود برای علاقمندان آزاد و رایگان است)
سخنرانان آلمان - مونیخ:

۱- دکتر ابرهارد کروگر (دانشیار انستیتوی تاریخ و فرهنگ خاور نزدیک دانشگاه مونیخ): گشایش سمینار و اداره آن

۲- دکتر محمد عاصمی (مدیر و سردبیر مجله کاوه): دریای پارس نامی که با تاریخ همزاد است.

۳- دکتر مهندس مهدی ناجی (از دانشگاه کلن - آلمان): داده های طبیعی برای همکاریها در آبرسانی و ارزیابی کوششهای ما برای پاسداری از خلیج فارس).

۴- خانم دکتر شهناز نجم آبادی (از دانشگاه هایدلبرگ آلمان): شکلهای تأثیرات پویایی جمعیتها در خلیج فارس

۵- نادر شبان (دانشجوی علوم اجتماعی): پیک مهر شعری از مهندس مصطفی سرخوش

۶- پرسش و پاسخ - موسیقی ایرانی - پذیرایی محل:

فَعِظْ صَخْرَةَ قَمَطْ نَاشِوُجْ ظَوُّ ظَهْلِهِ مَشْهِيْقِيْ شَهْوُ ظِيْ يَاقَ يَاشَفْ

تَن مِمِنِ مِمِ هَطْ ظَهْلِهِ تَن مِمِ مِمِ

سخنرانان آمریکا - لس آنجلس:

۱- دکتر منصور انصاری (استاد دانشگاههای واشینگتن): برش سیاسی خلیج فارس بعد از فروپاشی اتحاد شوروی

۲- دکتر سیروس ابراهیم زاده (استاد دانشگاه): تاریخچه سیاسی و اقتصادی خلیج فارس

۳- تیمسار سرلشکر علی اکبر فرازبان: سیری در امور اقتصادی اجتماعی و سیاسی خلیج فارس در دو نظام گذشته و حال

سخنرانان انگلستان - لندن:

۱- دکتر مهرداد خوانساری: چشم انداز امنیت در خلیج فارس و حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه ایرانی

مرحله دوم: کنارزدن پرده «دفاع از منافع ملی» تبلیغات هیستریک علیه مجاهدین

سمینار لس آنجلس: ۳ آبان ۷۵

در مرحله دوم که از آبان ۷۵ به اجرا درآمد، وزارت اطلاعات به طور مستقیم وارد صحنه شد تا با استفاده از مأموران شناخته شده خود نظیر ناصر خواجه نوری و علی راستین، مهرداد خوانساری و علیرضا نوری زاده، تعدادی سمینار در آمریکا و اروپا برگزار نماید.

وزارت اطلاعات در اولین قدم تلاش کرد تا از طریق ناصر خواجه نوری مأمور شناخته شده خود با برگزاری به اصطلاح سمیناری در لس آنجلس به نام «سمینار چشم انداز فردای ایران» یک تشکیلات قلابی به نام «کمیته پژوهشگران ایران» را برای مقابله با مجاهدین جابیندازند.

کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورای ملی مقاومت یک هفته قبل از برگزاری این به اصطلاح سمینار، در نشریه ایران زمین (۱۱۴ - ۳۰ مهر ۷۵) به افشای آن پرداخت و نوشت: «به قرار اطلاع، وزارت اطلاعات قصد دارد از طریق ناصر خواجه نوری، مأمور شناخته شده خود در آمریکا، و با به کارگیری برخی بریده مزدوران به اضافه چند سلطنت طلب و ساواکی و استحاله چی ... جلسه یی در آمریکا به راه اندازد. هدف از این جلسه که قرار است در تاریخ ۱۲۵ اکتبر در لس آنجلس برگزار شود، یاهو گویی بر ضد مجاهدین و مقاومت ایران است که این بار تحت عنوان "سمینار" با چنین ترکیبی عرضه می شود. کلیه هزینه های برگزاری این "سمینار" از جمله مخارج سفر و گردش شرکت کنندگان را، که تعدادی از آنها از اروپا اعزام می شوند، خواجه نوری از بودجه یی که وزارت اطلاعات به این پروژه اختصاص داده، تأمین می کند. بخش عمده برنامه های این به اصطلاح سمینار، تکرار تبلیغات ساواک آخوندی علیه مقاومت و مشخصاً اتهام زندان و شکنجه و اعدام در سازمان مجاهدین و ارتش آزادیبخش و اشک تمساح ریختن برای کودکان و خانواده های مجاهدین است که بخشی از طرح رژیم برای «برگرداندن برگ حقوق بشر» علیه مقاومت می باشد... وزارت اطلاعات درصدد برآمده که با اشکال جدیدی وارد صحنه شود. در همین رابطه قرار است خواجه نوری، از این فرصت استفاده کرده و نام «پژوهشگران ایران» را به عنوان یک جریان به اصطلاح بی طرف و محقق، برای تبلیغات وزارت اطلاعات در لجن پراکنی به مجاهدین و شورای ملی مقاومت و تبلیغ ماندگاری آخوندها و فواید خزیدن زیرقبای آنها به ثبت برساند».

این سمینار در تاریخ ۳ آبان ۷۵، با همکاری گروهی از پاسداران سیاسی رژیم، نظیر نوری زاده، پرویز قاضی سعید، همایون مقدم، مهرداد خوانساری و ... و تعدادی از بریده مزدوران، در لس آنجلس برگزار شد. این جلسه، ابتدا قرار بود در دانشگاه یو. سی. ال. ای برگزار شود. خواجه نوری برای به دست آوردن جواز برگزاری این جلسه در این دانشگاه در لس آنجلس با محفل جلسه شعرخوانی، مقامهای این دانشگاه را فریب داده بود، اما با برملا شدن ماهیت و محتوای واقعی این جلسه، مسئولان دانشگاه لس آنجلس متوجه حقه بازی و

شیادی خواجه نوری و همکارانش شده و دستور لغو برگزاری آن را صادر کردند. به این ترتیب کاسه و کوزه وزارت اطلاعات که آن همه برای این «سمینار» سرمایه گذاری کرده بود ناگهان به هم ریخت. چون مقامهای دانشگاه حاضر نبودند بدنامی همکاری با وزارت اطلاعات رژیم را برای خود بخرند.

در پی لغو این برنامه، خواجه نوری، همپالکیهای خود، از جمله کلیه اجیرشدگان برای این پروژه وزارت اطلاعات را در یک هتل گرد آورد تا بر شکست رسوایی برانگیز وزارت اطلاعات در رابطه با این پروژه، سرپوش بگذارد.

ولی با وجود همه تلاشها و زمینه چینیها و صرف هزینه های کلان، چیزی حدود ۴۰ نفر (با احتساب مأموران بدنام و سربازان گمنام وزارت اطلاعات) در هتل مزبور جمع شدند و ضمن تکرار لجن پراکنیهای رایج وزارت اطلاعات علیه مقاومت تصریح نمودند که رژیم آخوندی را بر مجاهدین و مقاومت، یعنی بر تنها آلترناتیو دموکراتیک، ترجیح می دهند.

از جمله سخنرانان این نمایش، خود خواجه نوری بود که این بار مأموریت داشت به عنوان اپوزیسیون ایفای نقش بکند. او حرفش به صراحت این بود که مجاهدین صدبرابر بدتر و متجاوزتر از رژیم خمینی هستند. اصلاً جنایتهای این رژیم هم توسط مجاهدین انجام می شود یا محرک آن مجاهدین هستند. وی، باز هم در نقش اپوزیسیون، مدعی شد که رژیم خمینی را ۲ عامل حفظ کرده است: «یکی جنگ مسلحانه که مسبب آن مجاهدین هستند و دوم جنگ با عراق و همکاری با عراق توسط مجاهدین» وی هم چنین در دفاع از رژیم آخوندی مدعی شد که خیانت به آزادی از مجاهدین شروع شده است.

در این نمایش رسوا، مزدور اجاره یی (علیرضا نوری زاده) هم دو سرویس «منبر» رفت و در هر دو روضه خوانش پیام و مأموریتی جز لجن پراکنی علیه مجاهدین و مقاومت ایران نداشت، که آن روی سکه مجیز گوئیها و راز و نیازهای «عارفانه» اش برای آخوندها بود. نوری زاده که هم از سخنرانان سمینار وزارت اطلاعات در لس آنجلس و هم از افراد بسیج کننده پشت صحنه برای جلسات لندن و آلمان بود، دستش در رابطه با طرحهای وزارت اطلاعات در خارج کشور علیه مقاومت کاملاً رو شد و تلاشهایش برای راه انداختن سمینارهای جدید خواجه نوری بی نتیجه ماند.

با شکست این سمینار، وزارت اطلاعات برگزاری بقیه سمینارها را متوقف کرد. کمیسیون امنیت در این باره در نشریه ایران زمین شماره ۱۲۴ (۷۵ دی ۷۵) نوشت: «واقعیت این است که پس از شکست سمینار وزارت اطلاعات در لس آنجلس، و افشای ماهیت صحنه چرخان این «سمینار»، یعنی ناصر خواجه نوری، سلسله «سمینار»های وزارت اطلاعات که قرار بود در آذرماه ۷۵ توسط وی در اروپا (از جمله در انگلیس و آلمان و ...) برگزار شود، با بن بست کامل مواجه و گورزاد شد. زیرا خواجه نوری در خوش خدمتی برای وزارت اطلاعات چنان «پیشانی سفید» شده بود، که هر کسی که به او نزدیک می شد یا در برنامه هایش شرکت می جست، بلافاصله مثل خود او، به کارت سوخته تبدیل می شد.

سمینار پاریس ۳۰ دیماه ۷۵:

در پی شکست «سمینار» لس آنجلس و برنامه های بعدی وزارت اطلاعات در خارج کشور که قرار بود توسط ناصر خواجه نوری در اروپا دنبال شود، وزارت اطلاعات به مزدور دیگری به نام علی راستبین، که چندسال پیش ارتباطات او با سفارت رژیم در پاریس افشا شده بود، مأموریت داد که در پاریس سلسله جلساتی را به منظور لجن پراکنی علیه مجاهدین و مقاومت ایران، تحت عنوان «ارائه کارنامه اپوزیسیون ایران» برگزار کند. کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورای ملی مقاومت این سمینار نمایشی را در نشریه ایران زمین شماره ۱۲۴ افشا کرد.

این سمینار نمایشی در روز یکشنبه ۳۰ دی ۷۵ برگزار شد. اما به دلیل افشای پیشاپیش ماهیت آن، با شکستی بزرگتر از شکست «سمینار» لس آنجلس مواجه گردید. اغلب سخنرانان اعلام شده و اعلام نشده این سمینار که از پیش رسوایی این نمایش مسخره را احساس می کردند، جرأت نکردند یا به مصلحت خود ندیدند که در چنین برنامه یی آفتابی شوند.

طفره رفتن سخنرانان از حضور در این «سمینار»، صحنه مضحکی را به وجود آورده بود که در مقایسه با «سمینار» شکست خورده قبلی (لس آنجلس)، که طی آن اغلب سخنرانان، از جمله نوری زاده، «خدمات» خود را ارائه داده بودند، حاکی از شکستی به مراتب بزرگتر برای وزارت اطلاعات بود. هر یک از به اصطلاح سخنرانان با جور کردن بهانه یی از شرکت در این نمایش خودداری کردند. پس از آن همه بازار گرمی برای این «سمینار» فرمایشی، علی (راستبین) ماند و حوض لجنش، برای غوطه خوردن مأموران ابله وزارت اطلاعات، علی فراستی، که برای رفتن به پایوس آخوندها خودش را به ارزاترین بها در خدمت این نمایش آخوندی گذاشته بود و یکی دو عنصر فرومایه و حقیر، که فرصت را برای عرضه خود به ساواک آخوندی مغتنم شمرده بودند. تعداد شرکت کنندگان در این نمایش به رغم آن همه تبلیغات در «رسانه های اپوزیسیون تحت نفوذ وزارت اطلاعات»، با احتساب همه کارکنان و مأموران شرکت کننده، از جمله چند نفر از مأموران رسمی سفارت رژیم، به زحمت به ۵۰ نفر می رسید.

سمینار بنیاد پژوهشهای زنان ایران

سمینارهای دوره یی : طرح برگزاری سمینارها هم چنین شامل سمینارهای دیگری است که سالانه برگزار می شود. یکی از این سمینارها، «سمینار بنیاد پژوهشهای زنان ایران» است. این سمینار در تیرماه ۷۵، در آمریکا و در تیرماه ۷۶، در پاریس برگزار شد. در این سمینارها عنصری از شیخ و شاه شرکت داده می شوند. رسوایی مالی این سمینارها به رسانه های وابسته به بقایای شیخ و شاه نیز کشیده شده است که در زیر ملاحظه می کنید :

۲۵ تیر ۱۳۷۵

فرهنگ فرهی : خانم هما سرشار
چرا از بنیاد پژوهشهای زنان استعفا دادید؟

هما سرشار : من صدای پای جمهوری اسلامی را شنیدم. آنها
دق الباب کردند و دوستان چشم پرهم نهادند. لای در را باز گذاشتند و
حال و احوالی هم کردند و درباره یک پیشنهاد کمک سی هزار دلاری هم با هم گپ زدند».

صبح ایران افزود: «جمله خانم سرشار حائز اهمیت فراوان است. ساده از آن نگذریم ... رسانه ها باید آن را
دنبال کنند. بنیاد پژوهش زنان باید توضیح بدهد و رسانه ها باید بخواهند که آنها پاسخ بدهند ... نمی شود
۷ سال بنیادی را اداره کرد ... فعالیت پیگیرانه نمود. سمینار را هر سال در نقطه یی تشکیل داد، و از این جا و
آن جا حوانان را، پژوهشگران آگاه و فرزانه را به خود جذب کرد، و آنها با حسن نیت همه قوایشان را
مصروف تحقیق و بررسی و تجزیه و تحلیل مسائل مطروحه کنند و وقتی سبب رسید (یعنی بنیاد کارش
محکم شد و افکار را مجذوب کرد و کارساز واقع شد) بگذاریم این میوه به دامن جمهوری اسلامی بیفتد.
این بزرگترین و بیشترین ضربه را به پیکر مبارزات ملت ایران وارد می کند ...



رادیوآلمان ۱۰ مرداد ۷۶: «هشتمین کنفرانس سه روزه بنیاد پژوهشهای زنان ایران در کرتی، حومه شهر پاریس، برگزار شد ... سخنران بعدی با بررسی فعالیت زنان در سازمان مجاهدین خلق به نقش ظاهری و تاکتیکی زنان در این سازمان پرداخت و تأکید کرد نقش زنان زمانی در این سازمان اهمیت پیدا کرد که ضرورت زمانی حکم می کرد تا با نشان دادن پیشرو بودن این سازمان در این مورد بتوان تبلیغات سیاسی انجام داد.

حضور زنان در عملیات فروغ جاویدان با پرداخت بسیار سنگین (همراه بود). سازمان در عرض چند روز تمامی زنان را از بخش مدارس، بخش آشپزخانه و بدون هیچ گونه آموزش و تمرین یا معلومات نظامی به جبهه روانه کرد ... مجاهدین از این عملیات به عنوان یک منبع تبلیغاتی برای سازمان استفاده کردند. مجاهدین تنها مبارزه یی را که در چارچوب مقاومت برای سرنگونی رژیم صورت می گیرد، به رسمیت می شناسند و در همین راستا با تشکلات زنان نیز مرزبندی می کنند ... مسئله زنان در رأس تبلیغات مجاهدین قرار گرفت. درباره زن و رهبری زنان مجاهد و زنان ایرانی که در همان حال فرعی ترین مسائل سازمان را تشکیل می داد، مقالات بی شماری منتشر شد. در این رابطه مسئله زن به مسئله مرکزی تاکتیکی و استراتژیکی سازمان مبدل گردید. امری که تا به امروز ادامه دارد. بنابراین انقلاب ایدئولوژیکی آغاز شد. مسعود رجوی به رهبر و پیشوا ارتقا یافت ... رجوی در بالاترین موضع رهبری چیزی شبیه ولایت فقیه جمهوری اسلامی قرار گرفت».

تبلیغات و جوسازی پیرامون سمینارهای فرمایشی مرحله دوم توسط «رسانه‌های اپوزیسیون تحت نفوذ وزارت اطلاعات»

حال که «دستهای پشت پرده و روابط مشکوک» این طرح و پولهای «طیب و طاهر» آخوندها که برای برگزاری این سمینارها هزینه شده، آشکار شد؛ «رسانه‌های اپوزیسیون تحت نفوذ وزارت اطلاعات» را که مطابق طرح «سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی» وظیفه تبلیغات و جوسازی برای این سمینارها را به عهده گرفتند، بشناسید:

۲ آبان ۱۳۷۵

چشم انداز فردای ایران

برای اولین بار، دگراندیشانی از طیف‌های گوناگون سیاسی
«روایتی تازه» از ۱۸ سال مبارزه اپوزیسیون
و «تصویری از فردای ایران» ارائه می‌دهند

در این سمینار بی‌سابقه ملی، افراد از پرسخترانی خواهند کرد و به بحث و گفتگو خواهند نشست
استاد حسین ملک، پژوهشگر، محقق و اندیشمند با تجربه ایرانی (از پاریس) - وضعیت اپوزیسیون در
موقعیت جدید
دکتر علیرضا نوری زاده - روزنامه‌نگار بین‌المللی و کارشناس مسائل ایران و اعراب (از لندن) - نقش اپوزیسیون
وایسته در پیچیده در مصائب ملت ایران
دکتر مهرداد خوانساری - دبیرکل سازمان مشروطه‌خواهان خط مقدم (از لندن) - لزوم ایجاد یک صف آرای نو
در صحنه سیاسی ایران
دکتر ناصر خواجهموری - پژوهشگر وایسته به «نهضت ملی» - اثر مورد همکاری صمیمی استاد حاکم و استاد سایه

نیروز

همچنین پیام‌هایی از فریدون گیلانی روزنامه‌نگار و شاعر سرشناس، تاداره انجمن سابق سازمان
مجاهدین خرم‌آباد به اطلاع حضار می‌رسد.
در این جلسه همچنین در روایتگر، رایحه شاهرخی مادی که ۳ فرزندش به وسیله استبداد غلاب و استبداد مغلوب اعدام شده و
مهندس محمود ملک‌الطیفری فرزند باتری آواز ایران، مرضیه، قصه‌های تلخ خویش را بازگو خواهند کرد.

زمان: جمعه ۲۵ اکتبر از ساعت ۶/۳۰ بعد از ظهر - مکان: دانشگاه U.C.L.A. سالن اتاق کالیفرنیا
California - Room, Faculty Center
از طرف کمیته پژوهشگران مسائل ایران؛ پرویز قاضی سعید

۴ آبان ۱۳۷۵

چشم انداز فردای ایران

برای اولین بار، دگراندیشانی از طیف‌های گوناگون سیاسی
روایتی تازه از ۱۸ سال مبارزه اپوزیسیون
و تصویری از فردای ایران ارائه می‌دهند.

در این سمینار بی‌سابقه ملی
استاد حسین ملک، پژوهشگر، محقق و اندیشمند با تجربه ایرانی (از پاریس)
در مورد: وضعیت اپوزیسیون در موقعیت جدید
دکتر علیرضا نوری زاده - روزنامه‌نگار بین‌المللی و کارشناس مسائل ایران و اعراب (از لندن)
در مورد: نقش اپوزیسیون وایسته به پیچیده در مصائب ملت ایران
دکتر مهرداد خوانساری، دبیرکل سازمان مشروطه‌خواهان خط مقدم (از لندن)
در مورد: لزوم ایجاد یک صف آرای نو در صحنه سیاسی ایران
دکتر ناصر خواجهموری، پژوهشگر وایسته به نهضت ملی
در مورد: همکاری عملی استبداد حاکم و استبداد سایه

نیروز

سخنرانی خواهند کرد و به بحث و گفتگو خواهند نشست.
همچنین پیام‌هایی از فریدون گیلانی روزنامه‌نگار و شاعر سرشناس و تاداره انجمن سابق سازمان
مجاهدین خرم‌آباد به اطلاع حضار می‌رسد.
در این جلسه همچنین در روایتگر، رایحه شاهرخی مادی که سه فرزندش به وسیله استبداد غلاب و
استبداد مغلوب اعدام شده و مهندس محمود ملک‌الطیفری فرزند باتری آواز ایران، مرضیه، قصه‌های تلخ
خویش را بازگو خواهند کرد.

زمان: جمعه ۲۵ اکتبر از ساعت ۶ بعد از ظهر
مکان: دانشگاه U.C.L.A. سالن اتاق کالیفرنیا
California - Room, Faculty Center
از طرف کمیته پژوهشگران مسائل ایران؛ پرویز قاضی سعید

تبلیغات و جوسازی پیرامون سمینارهای فرمایشی مرحله دوم توسط «رسانه های اپوزیسیون تحت نفوذ وزارت اطلاعات»

شماره ۲۴۲۲

روز جمعه گذشته سمینار «چشم انداز فردای ایران» در هتل «پل نوری» برگزار شد.

دکتر بهمنیار از سرپرستان مجاهدین و بنیانگذارانجمن سابق روابط دیپلماتیک سازمان متخصصان در آلمان گفت:

سازمان مجاهدین خلق یک فرقه مذهبی خطرناک است که ماهی ۸۰ میلیون دلار هزینه میکنند!

مطروحه در آن دو نوع خود با موفقیت برگزار شد. بی نظیر بود، قرار بود در در آغازجلسه همکار ارجمند دانشگاه یوسی.آل. ای ما پرویز قاضی سمیه برگزار شود. اما ماشین نشسته و روزنامه نگار تبلیغاتی سازمان مجاهدین مشهور و قبیله که ریاست

شماره ۲۶ (سال هفتم) جمعه ۱۲ بهمن ماه ۱۳۷۵

P26

نیشور

گزارش سمینار کارنامه اپوزیسیون ایرانی خارج از کشور

شماره ۲۴۹ (سال نهم) جمعه ۲۴ مرداد ماه ۱۳۷۶

نیشور



ناصر خواجه نوری

از ۱۱۴ تا ۱۳۵، سمینار لسی آنجلس

دنبال برگزاری سمینار لسی آنجلس در آبان ماه ۱۳۷۵ که با شرکت نمایندگان طیفهای مختلف اپوزیسیون انجام شد، آقای دکتر ناصر خواجه نوری طی ای به نیشور، مواضع برگزار کنندگان این سمینار در رابطه با موضعگیریهای سازمان مجاهدین خلق، در شماره های ۱۱۴ تا ۱۳۵ هفته نامه ایران زمین آن سازمان مجاهدین خلق اعلام کرد:

شاه خوانندید! خانمها را به شاه خاخری، نادره افشاری و آقای دکتر بهمنیار که از خود شما بودند! شاید آنها هم از بقایای رژیم شاه هستند و سلطنت طلبان آنها را به سازمان شما نفوذ داده اند؟

خواجه نوری ای که در آمریکا شب و روز برای شما - چون فکر میکرد خادمید نه خائن- میدوید و مینشاند برای مردمش میدود. او ارتباط شما را با

میکند و با شپویر خاموش باش گارد ریاست جمهور شامگاه می آغازد. مزدور کسی است که جمع جدا شدگان ۲۵۰ تا هلند، ۲۵۰ نفری آلمان، ۱۰۰ نفری آمریکا، ۲۵۰ تا اسکانندیانوی و یکصد و پناه نوری در استرالیا، ۱۰۰ تا ترکیه، ۱۲۰ نفری پاکستان و خدا میداند چه تعداد اکنون در زندانهای مخوف عراق همانند ابوغریه

تبلیغات و جوسازی پیرامون سمینارهای فرمایشی مرحله دوم توسط «رسانه های اپوزیسیون تحت نفوذ وزارت اطلاعات»

رادیو ۲۴ ساعته - ۲۸ بهمن ۱۳۷۵
مصاحبه مانوڪ خدابخشیان با علی راستین پیرامون سمینار
پاریس

مانوڪ خدابخشیان: اجازه بدهید برویم به پاریس و به گفتگو بنشینیم با آقای راستین یک شخصیت سیاسی و فرهنگی راستین: به استحضارتان برسانم که ما تقریباً در ماه ژوئن گذشته بعد از سمینار خلیج فارس با دوستانمان تصمیم گرفتیم که یک سازمان سیاسی تشکیل بدهیم و این سازمان را هم اسمش را گذاشتیم سازمان دفاع از تمامیت و استقلال ایران. چرا؟ برای این که ما هم مثل تمام ایرانیان دور از وطن معتقدیم که در حال حاضر آن چه بر ایران و ایرانی می گذرد و همین طور دامنه توطئه ها چه در داخل و چه در خارج از کشور هر روز وسیعتر می شود و آن چه که مسلم است این است که در چنین شرایط و اوضاعی کدام ایرانی است که نگران مملکتش، نگران هموطنانش، نگران تاریخ و تمدن و فرهنگ نیاکان خودش نباشد.

مانوڪ خدابخشیان: شما اشاره کرده بودید به مقاومت های مسلحانه سازمان مجاهدین و با نگرانی از این که آن برخوردهای مرزی، آن لشکرکشی های نامرئی، احتمال دارد لطمه یی به آن تمامیت ارضی و آن جغرافیایی که ما امروز در ایران داریم برای ما اتفاق بیفتد. شما در سخنرانی اشاره کرده بودید که این بلوغ فکری ما را به این جارسانده که احساس کنیم که نبردهای مسلحانه عصر آن به پایان رسیده است. که در حقیقت هم به درستی اشاره کردید. چرا که عصر ارتشهای آزادیبخش به پایان رسیده، آمریکا و نیروهای سازمان ملل شده اند ارتشهای آزادیبخش تمامی دهکده جهانی!

مأموریت جدید مهرداد خوانساری

مهرداد خوانساری، «رئیس مشروطه خواهان خط مقدم»، که به خدمت وزارت اطلاعات رژیم آخوندی درآمده، از جمله سخنرانان این سمینارها بود. در آستانه برگزاری «کنگره مشروطه خواهان خط مقدم» در آذرماه ۷۵ در لندن، روابط پنهانی مهرداد خوانساری با وزارت اطلاعات برملا شد. کار این رسوایی به جایی رسید که نشریات بقایای سلطنت مدفون نیز آن را منعکس کردند. (کلیشه در صفحه بعد)

وزارت اطلاعات، در چارچوب طرحهای مشترک با سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مدتی است مأموریت جدیدی به عهده مهرداد خوانساری و گروه وی گذاشته است و آن لجن پراکنی علیه مقاومت ایران و مجاهدین، در میان پارلمانتورها و شخصیت‌های سیاسی مدافع حقوق بشر و پشتیبان مقاومت ایران در انگلستان و هم‌چنین در محافل مطبوعاتی این کشور است. ناصر خواجه نوری، مأمور شناخته شده وزارت اطلاعات، بعد از بازگشت از سفرش به ایران و دریافت آخرین خطوط و دستورالعملها از وزارت اطلاعات در فروردین ماه ۷۷، وظایف جدید مهرداد خوانساری و همپالک‌هایش را به آنها ابلاغ نمود. وظایف مزبور شامل متمرکز کردن فعالیت این عناصر و به کارگیری امکانات آنها در انگلستان علیه مجاهدین، به منظور ایجاد فشار سیاسی و مشکلات حقوقی در جهت محدود کردن فعالیتهای مجاهدین و مقاومت می باشد.

از جمله تولیداتی که متعاقباً وزارت اطلاعات از طریق مهرداد خوانساری به بازار مورد نظر در انگلستان عرضه کرده، انتشار یک نشریه انگلیسی زبان به نام ایران فایل است که اولین شماره آن در مردادماه ۷۷ منتشر شده است. این نشریه به نحوی فوق العاده ناشیانه و مضحک به استنساخ اتهامات ساواک شاه و وزارت اطلاعات رژیم آخوندی علیه مجاهدین و مقاومت ایران می پردازد.

تلاش برای بازگشت به زیر قبای آخوندها

التماس و درخواست خوانساری برای بازگشت نزد آخوندها به جایی رسیده است که نشریات رژیم در داخل و هفته نامه همپالکیشان در لندن نیز آن را درج کردند. مهرداد خوانساری درصدد بود که مشتی اضداد مقاومت (اعم از سلطنت طلب و توده‌یی و اکثریتی و چپ‌نما و استحاله چی و...) را در یک جلسه گرد آورد و این محافل به اصطلاح اپوزیسیون! را که تماماً به آخوند خاتمی لبیک گفته‌اند از طریق مذاکره با مأموران وزارت اطلاعات، به وحدت عمیقتر! برساند تا متحداً به زیر قبای آخوندها بخزند. (کلیشه در صفحه بعد)

ترجمه قسمتهایی از یاهوهای مهرداد خوانساری در ایران فایل: دیالوگ یا تقابل،

اپوزیسیون سیاسی در ایران بعد از خاتمی

جبهه مقدم یک مقاومت مسالمت آمیز را تبلیغ می کند و به دنبال جلب حمایت بین المللی برای دیالوگ باز با رژیم ایران است. این امر در نامه سرگشاده‌ای که در هراذرتریون ۱۵ اوت ۱۹۹۷ به چاپ

۲۱ آذر ۷۵



وی در این مذاکرات برای نزدیک ساختن نهاد سلطنت به جمهوری اسلامی قول و قرارهایی گذاشته است

مهر داد خوانساری رهبر مشروطه خواهان خطمقدم در آلمان وانگلستان با نمایندگان امنیتی رژیم تهران مذاکره کرده

دایلم خبری که هفته گذشته در بریتانیا و ملاقات یکی از رهبران گروه سلطنت طلب با نمایندگان جمهوری اسلامی چاپ کردیم که در جامعه ایرانی توجیه آتشی بازتاب یافته و خوانساری را در این رابطه اطلاعات بیشتری در اختیار آنها قرار میدهد.

روز گذشته مطلع شدیم که آقای مهر داد خوانساری رهبر مشروطه خواهان خطمقدم چندین بار در آلمان با یکی از نمایندگان وزارت اطلاعات و امنیت رژیم جمهوری اسلامی ملاقات و مذاکراتی جهت همکاری سلطنت طلبان با جمهوری اسلامی تحت عنوان نزدیک سلطنت مومنین و ایران دیندار و بیعت آتشی و لشکران که به صورت آتشی کتت تیرمسن منتشر میشود در شماره بیست و هشتم خود نیز مصاحبه ای با آقای مهر داد خوانساری انجام داده که متن ترجمه شده آن در زیر باطلان خوانندگان عزیز میرسد.

گروههای تجیدی ایرانی در سالهای اخیر به نحو روزافزونی فعال شده اند. در حالیکه نشانه هایی از تحول سیاست آمریکا درباره ایران دیده میشود. گروهها کوشش میکنند جهت وادعی دست اندازند.

۱۹ شهریور ۷۷

سپهر

تمایل به مبارزه مسالمت آمیز سیاسی

سازمان مشروطه خواهان ایران و خط مقدم، اعلام داشت: روزنامه «توس» در شماره ۲۹ مورخ چهارشنبه ۴ شهریور ۱۳۷۷ برابر با ۲۷ اوت ۱۹۹۸ خبری را به شرح زیر به چاپ رسانیده است:

گفته می شود مهر داد خوانساری یکی از نمایندگان تسلسل دوم مشروطه خواه در یک مصاحبه تلویزیونی اعلام کرده است: چرا ما نمی توانیم به ایران برویم و در آنجا به فعالیت بپردازیم. زیرا سطح انتقادات ما از سطح انتقادات مطرح فعلی در داخل ایران فراتر نمی رود.

IRAN FILE

An Independent Monthly Analysis of Current Affairs
With Special Emphasis on Economics and Politics

Volume 1 Number 1

August 1998

An Opening statement From the Editor:

These are changing times in Iran. At no time since the Islamic Revolution, nearly two decades ago, has there been so much enthusiasm for good relations with the West. Economic realities, more than any other factor, have been the cause of this recent awakening. There is a realization that the Iranian regime must free itself, and the Iranian people, from ritual submission to slogans which they have inherited but which they could neither use for any useful purpose nor discard. There is an understanding now that enough is enough. That the revolution has served its purpose and that Iran must move forward to meet the challenge of a new era, with a new and optimistic vision for its future.

رسید و مخاطبش رئیس جمهور ایران می باشد، مطرح شده است. جبهه مقدم در پیام خود نوشت: «... بعد از سوگند خوردن شما، ما مایلیم به شما یادآوری کنیم که شما به خاطر امیدها و آرزوهای آن ایرانیهایی که اعتماد خود را نثار قولهای شما برای ایجاد یک آینده بهتر برای آنها و فرزندان آنها کردند، به پست ریاست جمهوری انتخاب شدید...».

یک گروه تبعیدی اپوزیسیون، مجاهدین شاید بیش از همه در غرب شناخته شده اند به خاطر یک فعالیت تبلیغاتی که با پشتوانه مالی خوب در سالهای گذشته برخوردار بوده است. با این همه، بسیاری، از برنامه سیاسی آنها و موقعیت آنها در نزد مردم ایران و حتی در مورد حضور گروههای دیگری که بالقوه دموکراتیک تر مانند جبهه مقدم وجود دارند، بی خبر می باشند. این یک مسأله جدی است که به روند آینده حوادث در ایران ربط دارد و ایران فایل قصد دارد به این مسأله در این شماره و شماره های آینده بپردازد.

یادداشت سردبیر،

مجاهدین مستقر در عراق که یک گروه چریکی معتقد به خشونت و تروریسم می باشند، از زمانی که مجبور شدند از ایران خارج شوند، قادر بوده اند به یک کمپین مؤثر برای ارائه دادن خود به عنوان یک سازمان سیاسی مردمی، لیبرال، دموکراتیک مبادرت کنند. این فعالیت چندمیلیون دلاری، توانست پیرویهایی در غرب (اساساً در میان پارلمانترها)، با وارونه نشان دادن حقایق کسب کند. در تلاش برای بررسی نظرات و سیاستهایی که توسط تمامی گرایشات در اپوزیسیون سیاسی مطرح است، ایران فایل تلاش خواهد کرد برای تصحیح عدم توازن که به خاطر تبلیغات اشباع کننده مجاهدین ایجاد شده است، بخشهای مهمی را درباره مجاهدین که آنها آگاهانه در جزوات شیک خود از قلم می اندازند، ارائه کند.

فاکت شیت مجاهدین

* مجاهدین توسط سازمان آزادیبخش فلسطین آموزش دیده اند و مغرورانه مسئولیت قتل ۶ تبعه و مستشار نظامی آمریکایی که در ایران به انجام وظیفه مشغول بودند پذیرفتند.

* از زمان سقوط شاه فقید (فوریه ۱۹۷۹) تا زمان قطع رابطه شان در ژوئیه ۱۹۸۱، آنها با رژیم اسلامی تنگاتنگ کار کردند و در حرف و در عمل نشان دادند که با حقوق بشر و دموکراسی مخالفند.

* آنها هر کسی را که فکر می کردند «بروژا» است مورد اذیت و آزار قرار دادند و مسئول دستگیری و قتل خودسرانه شمار زیادی از افسران سابق نیروهای مسلح ایران هستند. از سال ۱۹۸۱، آنها مسئولیت ترورها و تروریسم زیادی علیه اعضای دولت اسلامی برعهده گرفته اند.

* رهبر آنها مسعود رجوی، قبل از انقلاب به جرم قتل دستگیر و به اعدام محکوم شد. حکم او به خاطر تلاشهای خانواده اش، توسط شاه فقید کاهش یافت و وی در نهایت در کادر عفو به همه زندانیان سیاسی در اواخر سال ۱۹۷۸ آزاد شد.

* آنها سفارت آمریکا را در تهران در نوامبر ۱۹۷۹ غارت کردند و بسیاری از اسناد و مدارک محرمانه را به کشورهای اروپای شرقی تحویل دادند.

فصل پنجم – طرح مشترک سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و وزارت اطلاعات

طرح مشترک «سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی» و «وزارت اطلاعات» برای مقابله با مجاهدین و مقاومت ایران در خارج کشور

سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی برای پیشبرد طرحهای خود علیه مجاهدین و مقاومت ایران در خارج کشور باید از «رسانه های اپوزیسیون» و بریده مزدوران استفاده می کرد. مسئولیت «رسانه های اپوزیسیون» و بریده مزدوران در خارج کشور به عهده وزارت اطلاعات است بر این اساس «طرح مشترک» برای بکارگیری «رسانه های اپوزیسیون» تحت نفوذ وزارت اطلاعات و بریده مزدوران توسط نمایندگان این دو ارگان تهیه شده است.

هدفهای این طرح عبارتند از:

- خنثی کردن فعالیتهای مجاهدین در زمینه حقوق بشر و فعالیتهای دیپلماتیک
- خرید اطلاعات و جذب نیروهای بریده به منظور «تبلیغ غیرمستقیم سیاستهای نظام»
- به خدمت گرفتن رسانه ها و نشریات به اصطلاح اپوزیسیون و بریده مزدوران برای لجن پراکنی علیه مجاهدین
- تشکیل و تقویت گروهها و انجمنهای سیاسی و فرهنگی برای نفوذ در مجامع ایرانیان در خارج کشور و مقابله با مجاهدین
- اجرای مراسم، برپایی نمایشگاههای فرهنگی و هنری

مهمترین اقلام بودجه طرح مشترک :

- ۱۱ میلیون و ۴۶۰ هزار دلار هزینه یکی از طرحهای مشترک «وزارت اطلاعات» و «سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی»
- برخی از اقلام این هزینه عبارتند از:
- ۵۰۰ هزار پوند و ۴۵۰ هزار دلار برای به خدمت گرفتن نشریات فارسی زبان
- ۳۲۵ هزار دلار و ۱۰۰ میلیون تومان برای خرید اطلاعات بریده مزدوران و جذب آنان برای «تبلیغ غیرمستقیم» سیاستهای رژیم
- ۳۶۰ هزار دلار برای ایجاد گروهها و انجمنهای ایرانی
- ۵۰۰ هزار دلار و ۸۰ میلیون تومان برای فعالیتهای هنری و فرهنگی

سند شماره ۴

نامه هادی بهرامی به علی جنتی، قائم مقام سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی پیرامون «طرح مشترك» این سازمان و وزارت اطلاعات:

سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

اداره کل فعالیتهای ویژه

تاریخ: ۷۴/۶/۸

جناب آقای جنتی، قائم مقام محترم سازمان

با سلام

احتراماً، همان گونه که مستحضريد فشار سنگين تبليغاتي در جهان عليه جمهوري اسلامي وجود دارد كه ضرورت اتخاذ روشهاي مناسب مقابله را مسلم كرده است. با توجه به اين ضرورت، طرح مشتركی توسط این اداره كل و وزارت اطلاعات تهيه شده است كه تقدیم می گردد. براساس این طرح با استفاده از تعداد زیادی از نیروهای وابسته به این اداره كل و وزارت اطلاعات، می توان جریان تبليغي مناسبی را همسو با اهداف نظام برای مقابله با ضدانقلاب سازماندهی كرد و با تغذیه این جریان، يك جریان فرهنگی نهادینه شده كه پوشش مناسب علمی و فرهنگی نیز دارد، فراهم خواهد شد. ویژگی این طرح، انعكاس مطالب مورد نظر نظام از زبان افراد مستقل است. لطفاً از راهنمایی دریغ نفرمایید.

هادی بهرامی

سند شماره ۵

« طرح مشترک وزارت اطلاعات و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی »

طرح تعمیق، توسعه و ارتباط فرهنگی ایرانیان خارج با رویدادهای داخلی

ضرورت مسأله:

حضور چند میلیون ایرانی مقیم خارج از کشور، نیازمند تأملی همه جانبه و کار هماهنگ و فراگیر است. چند بعدی بودن امور فرهنگی ایرانیان خارج از کشور و پیچیدگی مربوط به آن موجب می گردد تا هر تحلیلگری از عجله در تصمیم گیری خودداری کند. متأسفانه در خلأ فعالیتهای فرهنگی ما، دشمنان و معاندین از این امکان به نحو مطلوبی بهره برداری کرده و جریانات ضدانقلابی و مهاجمی را برای ارائه چهره دگرگون شده و منفی از ج.ا.ا در اذهان جهانیان، به ویژه با سوءاستفاده از حربه حقوق بشر سازماندهی کرده اند. این جریانات ضدانقلابی علاوه بر آثار مخربی که در روابط بین المللی ج.ا.ا برجا می گذارند، مسائل داخل کشور را نیز زیر پوشش خود قرار می دهند. «طرح تعمیق، توسعه و ارتباط فرهنگی ایرانیان مقیم خارج» پاسخی به این ضرورت تلقی می گردد.

اهداف طرح:

ایجاد ارتباط و حفظ تعلقات فرهنگی، عاطفی، جلوگیری از استحاله فرهنگی، بهره مندی و استفاده بهینه از توان و نیروهای ایرانیان به عنوان پشتوانه ها و نیروهای کشور، تعمیق هویت ملی، مذهبی، نشان دادن امنیت و آرامش حاکم بر جامعه ایران، افشای ماهیت ضدانقلاب و عملکرد ضد ملی آنان و جلوگیری از نیروگیری آنان در میان ایرانیان خارج کشور و خنثی نمودن تمهیدات منافقین در استفاده از حربه حقوق بشر و ارائه تصویر مناسب از نظام ج.ا.ا. در افکار مجامع حقوق بشری، اهداف قابل پیگیری در برخورد با ایرانیان خارج از کشور تلقی می گردد.

سیاستها:

- ۱- ایجاد امنیت خاطر نسبت به سیاستهای کلان و مردمی کشور
- ۲- تقویت و تعمیق حس ملی و حوزه تعلق ایرانیان
- ۳- شناساندن و انتقال وضع واقعی موجود داخل کشور
- ۴- ارائه اطلاعات دقیق و صحیح از وضعیت منافقین
- ۵- جلب مشارکت در طرحهای ملی با استفاده از تخصصهای موجود

- ۶ - استفاده از حضور ایرانیان به عنوان قطبهای مؤثر بر سیاستهای کشورهای محل سکونت
- ۷ - جلب مشارکت نیروهای بریده از ضدانقلاب
- ۸ - ارائه اطلاعات مناسب و شکستن حصار اطلاع‌رسانی انحصاری منافقین به مجامع حقوق بشری
- ۹ - جلب مشارکت رسانه‌های فارسی زبان

وضعیت موجود:

اقامت طولانی چندمیلیون ایرانی در خارج از مرزهای ج.ا.ا علاوه بر عوارض سیاسی - اقتصادی به تدریج موجب پدید آمدن معضلات و بحرانهای فرهنگی - اجتماعی در میان آنان گردیده است. شایان ذکر است که دست‌اندرکاران نشریات فرهنگی سیاسی و رسانه‌های صوتی تصویری ضدانقلاب با توجه به دیدگاه منفی خود تصویر خاصی از مشکلات فرهنگی ایرانیان ارائه می‌دهند. طبعاً به اقتضای دیدگاهشان، راه‌حلهای آنها، هم جهت با نظریات منحرفشان بوده و به پیچیدگی و تشدید مشکلات می‌افزاید. خصوصاً این که بسیاری از ایرانیان از طریق همین منابع تغذیه فکری می‌شوند و از طرف دیگر امکانات ج.ا.ا برای تأثیرگذاری تبلیغاتی بر افکار خارج نشینان و مقابله با آثار سوء تبلیغات ضدانقلاب محدود است.

بررسی و مطالعاتی که بر روی ایرانیان مقیم خارج صورت گرفته نشان می‌دهد که ایرانیان مقیم خارج از کشور به سه گروه تقسیم می‌شوند.

گروه اول: شامل ایرانیانی که از ج.ا.ا به صورت قانونی خارج شده‌اند. اکثریت این گروه را تجار، دانشجویان، توریستها و کارگران تشکیل می‌دهند.

گروه دوم: در بردارنده ۷۰ درصد از ایرانیان خارج کشور است. که به دلیل شرایطی از قبیل پناهندگی به علت مشکلات در اقامت، نداشتن مدرک قانونی، تحویل پاسپورت ایرانی خود و... دچار مشکل هستند. اکثر این افراد دارای تحصیلات بالا و متخصص هستند.

گروه سوم: افراد و گروههایی که به سبب فعالیتهای سیاسی علیه نظام ج.ا.ا، مجبور به اقامت در کشورهای خارجی شده‌اند.

در مورد پراکندگی ایرانیان در خارج کشور از نظر تعداد، آمار کاملاً دقیق در دست نیست، ولی ارقام تخمینی حدود ۴ میلیون نفر را دربر می‌گیرد. عمده ایرانیان به ترتیب کثرت حضور در کشورهای زیر پراکنده هستند:

آمریکا، آلمان، انگلیس، فرانسه، ترکیه، کانادا، هند، پاکستان، کشورهای اسکاندیناوی، امارات حوزه خلیج فارس، ژاپن و سایر کشورهای اروپایی از جمله اسپانیا و اتریش و جنوب شرقی آسیا. برآورد فوق تقریبی و قابل اصلاح است.

پراکندگی شغلی طبق بررسیهای تخمینی حدود ۴۶ درصد (در اروپا و آمریکا) دارای تحصیلات عالی و ۵۴ درصد باقیمانده به عنوان گروه متفرقه شامل صاحب حرفه و سرمایه و شاغل در امور فرهنگی و خدماتی می‌باشند. طبق برآوردی که از رسانه‌های نوشتاری آمریکا و اروپا به دست آمده، بیش از ۱۰۰ عنوان نشریه و روزنامه فارسی زبان در این کشورها چاپ و توزیع می‌گردد و بیش از ۳۶ شبکه تصویری در آمریکا به زبان فارسی برنامه پخش می‌کند که بسیاری از آنان ادعا می‌کنند که در پی حفظ و گسترش فرهنگ ملی هستند.

در حال حاضر با توجه به گستره نفوذ رسانه‌های تصویری امکانات زیر از ناحیه اداره کل فعالیتهای ویژه جهت تغذیه فرهنگی ایرانیان خارج از کشور ایجاد شده است.

۱. تأسیس، راه اندازی و تغذیه شبکه سراسری آفتاب برای بیش از ۲ میلیون ایرانی مقیم آمریکا

۲. تأسیس، راه اندازی و تغذیه شبکه نور و نوا برای ایرانیان مقیم کانادا

۳. تأسیس، راه اندازی و تغذیه شبکه سیمای نور برای ایرانیان مقیم آلمان

۴. ایجاد و ارتباط و تغذیه شبکه مینیاتور برای ایرانیان مقیم سوئد و کشورهای اسکاندیناوی

۵. ایجاد ارتباط و تغذیه شبکه مستقر در دانمارک

۶. ایجاد ارتباط و تغذیه شبکه پیک در آمریکا

۷. راه اندازی مراکز اطلاع رسانی وابسته

هم چنین از ناحیه مراکز و ارگانهای دیگر امکانات زیر در دسترس می باشد:

۱. ارتباط با رسانه‌های اپوزیسیون تحت نفوذ وزارت اطلاعات

۲. ارسال مجلات و نشریات به خصوص اطلاعات بین الملل و کیهان هوایی

۳. انتشار ویژه نامه از ناحیه رایزنیهای فرهنگی و مراکز دیگر

۴. برپایی و برگزاری سمینارها و جشنها و ...

برنامه‌های آینده:

وجود تعداد وسیع شبکه‌های تلویزیونی و تعدد انتشارات فارسی زبان برای ایرانیان مقیم خارج از کشور دلیل بر آن است که دست اندرکاران آنها به ارزش وجودی جمعیت کثیر ایرانیان مقیم خارج و استفاده‌ها و سودهای کلانی که از آنها می‌توان کسب کرد، پی برده‌اند. از یک سو وجود نشریات و شبکه‌های رادیو و تلویزیونی سیاسی قابلیت استفاده بهینه‌ی از وجود ایرانیان را نشان می‌دهد. در واقع این گروهها نسبت به قابلیت‌هایی که در میان ایرانیان وجود دارد، کاملاً واقف بوده و دست به فعالیتهای متنوعی زده‌اند.

چنان که تجربه نشان داده تعدادی از گروههای سیاسی برای مقابله با نظام ج.ا.ا.

دست به انتشار نشریات و پخش برنامه‌های تلویزیونی و تشکیل انجمنها و برگزاری گردهمایی و تظاهرات و جوسازی در جهت همراهی افکار عمومی با خویش و علیه ج.ا.ا زده‌اند و از نارضایتی بین ایرانیان در جهت منافع خویش استفاده لازم را می‌نمایند و آنها را علیه ج.ا.ا تحریک و چهره دگرگون شده و منفی از ج.ا.ا در انظار جهانیان ترسیم می‌کنند.

باتوجه به توضیحات فوق جهت تعمیق هرچه بیشتر ارتباط با رویدادهای داخلی اولویتهای اداره کل فعالیتهای ویژه را می‌توان بدین گونه برشمرد:

- ۱- حفظ هویت ملی
- ۲- حفظ هویت فرهنگی و اسلامی
- ۳- افشای ماهیت ضدانقلاب
- ۴- آشنایی با تحولات داخل کشور

در عین حال این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که هویت اسلامی و پایگاه مردمی انقلاب و جمهوری اسلامی باعث فعالیت شدید روانی- تبلیغاتی دشمن در جهت انحراف افکار عمومی مردم جهان، خاصه ایرانیان برون مرزی گردید. از ابزارهای مهم منافقین برای انحراف افکار عمومی مردم جهان، در اختیار گرفتن رسانه‌های گروهی ایرانی خارج کشور و هم‌چنین رسانه‌های امپریالیستی و جذب دولت مردان و پارلمانترها و سازمانهای حقوق بشری است.

عامل مهمی که موجب تسهیل فعالیتهای ضدانقلاب در میان ایرانیان مهاجر و حتی افکار عمومی کشورها، رسانه‌های خبری و پارلمانها و مراکز تصمیم‌گیری دولتهای غربی و سازمانهای دولتی و حقوق بشری و جلب حمایت آنها شده، عدم حضور مؤثر و مناسب جمهوری اسلامی در این صحنه‌هاست. البته این فقدان حضور به معنای نداشتن تبلیغات و ارتباطات رسمی نیست. بلکه تبلیغات و ارتباطات موجود به لحاظ کشف و عیان بودن ارتباط با نظام، کارایی و برد مؤثری ندارد، چرا که:

اولاً: در حال حاضر ۹۹ درصد حجم تبلیغات ما دولتی است که صرفاً تبلیغ نظام حاکم را القا می‌کند و برخورد مردم و سازمانهای بین‌المللی نیز با آن بدبینانه است. ثانیاً: استفاده صحیح از روشهای تبلیغی امروزی به خوبی صورت نمی‌گیرد و مبلغان حرفه‌یی برای به تصویر کشاندن نقاط مثبت و قوت خود نداریم.

ثالثاً: برد آن محدود است و تعداد اندکی از ایرانیان مقیم و بعضی از کشورهای اسلامی و سازمانهای بین‌المللی را در برمی‌گیرد. لذا باتوجه به اولویتهای فوق برنامه‌های این اداره کل در دراز مدت در پوشش قرار دادن تبلیغاتی اهداف و عملکردهای مثبت دولت جمهوری اسلامی به‌خصوص در خارج از کشور، مقابله و کاهش فشارهای تبلیغاتی غرب و سازمانهای حقوق بشری و منافقین از طریق نیروهای بریده و سایر گروههای اپوزیسیون، مقابله با جریان یک‌سویه اطلاعات و اخبار،

انعکاس صحیح و مطلوب اخبار و رویدادهای جمهوری اسلامی در خارج از کشور از یک موضع کاملاً مستقل و بی طرف و حتی از موضع مخالف می باشد. این مهم از طریق استفاده از خبرگزاریهای رسمی، شبکه‌های رادیو و تلویزیونی، انجمنها، نشریات، سمینارها و گردهماییهای غیردولتی و بی طرف و مخالف انجام خواهد پذیرفت.

لازم به ذکر است که تجارب گذشته ج.ا.ا به‌ویژه در جذب و استفاده از نیروهای بریده ضدانقلاب و جلب همکاری برخی رسانه‌های مخالف نظام برای تبلیغ غیرمستقیم سیاستهای نظام، حاکی از موفقیت این شیوه برای مقابله با ضدانقلاب و مجامع بین‌المللی بوده است.

در چارچوب اولویتهای فوق‌الذکر می‌توان قابلیت‌های زیر را برای استفاده از جمعیت ایرانیان مقیم خارج با امکانات مورد نیاز برشمرد

۱. تقویت شبکه‌های تلویزیونی موجود
 ۲. راه‌اندازی شبکه‌های رادیو تلویزیونی سراسری در آمریکا و اروپا
 ۳. توسعه و حمایت از نشریات فارسی به منظور تبلیغ غیرمستقیم سیاستهای نظام
 ۴. گسترش مراکز اطلاعات رسانی در دو حوزه اروپا، آمریکا
 ۵. تشکیل گروهها و جامعه‌های ایرانی در ۳ حوزه اروپا، آمریکا و آسیا
 ۶. خرید اطلاعات و جذب نیروهای بریده به منظور تبلیغ غیرمستقیم سیاستهای نظام و افشای ماهیت ضدانقلاب
 ۷. اجرای مراسم، برپایی نمایشگاههای فرهنگی و هنری، سمینار، جشن و کنسرت‌های موسیقی، نمایش فیلم و اجرای تئاتر، تهیه و تولید تصاویر سیاحتی، هنری در قالب عکس و پوستر و تقویم و ...
- امکانات مورد نیاز:
- برآورد هزینه تأمین برنامه به این صورت است:

جدول تعیین هزینه ها

ردیف	موضوع	هزینه به ریال	هزینه به دلار	هزینه به یوند
۱	تقویت شبکه های تلویزیونی	۳۱۳۱۷۸۰۰۰	۱۱۴۰۰۰۰	
۲	راه اندازی شبکه های تلویزیونی سراسری در آمریکا و اروپا	۱۰۰۰۰۰۰۰	۲۱۳۰۰۰۰	
۳	راه اندازی شبکه های رادیو در آمریکا و اروپا	۱۰۰۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰	۱۴۰۰۰۰
۴	توسعه و حمایت از نشریات فارسی		۴۵۰۰۰۰	۵۰۰۰۰۰
۵	گسترش مراکز اطلاعات رسانی در حوزه اروپا، آمریکا و آسیا		۲۲۰۰۰۰	
۶	تشکیل گروه ها و جامعه های ایرانی در اروپا، آمریکا و آسیا		۳۶۰۰۰۰	
۷	خرید اطلاعات و جذب نیروهای بریده به منظور تبلیغ غیرمستقیم سیاست های نظام	۱۰۰۰۰۰۰۰۰	۳۲۵۰۰۰	
۸	توسعه و گسترش زبان فارسی	۲۴۰۱۲۵۰۰۰	۱۵۰۰۰۰	
۹	اجرای مراسم، برپایی نمایشگاه های فرهنگی و هنری، سمینار، جشن و کنسرت های موسیقی، نمایش فیلم و اجرای تئاتر، تهیه و تولید تصاویر، سیاحتی، هنری در قالب عکس و پوستر و تقویم	۸۰۰۰۰۰۰۰۰	۵۰۰۰۰۰	
جمع کل هزینه		۵۳۷۱۹۰۵۰۰۰	۷۲۷۵۰۰۰	۶۴۰۰۰۰

توضیحات کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورا پیرامون جدول هزینه ها:

در این جدول هر ردیف شامل هزینه های ریالی و دلاری و پوند است که هر کدام جداگانه محاسبه می شود. به عنوان مثال: هزینه بریده مزدوران و به کارگیری آنها علیه مقاومت شامل ۱۰۰ میلیون تومان و ۳۲۵ هزار دلار در نظر گرفته شده است. با توجه به این که دلار برای سیستم های دولتی، به قیمت رسمی ۱۷۰ تومان محاسبه می شود، مجموع هزینه بریده مزدوران حدود ۹۱۵ هزار دلار می باشد.

بنابراین: مجموع هزینه این طرح شامل ۷ میلیون و ۲۷۵ هزار دلار و ۶۴۰ هزار پوند و نزدیک به ۵۴۰ میلیون تومان می باشد که اگر همه اینها را به دلار حساب کنیم (با احتساب قیمت رسمی هر دلار ۱۷۰ تومان) چیزی در حدود ۱۱ میلیون و ۴۶۰ هزار دلار می باشد. این طرح در فاصله کوتاهی مورد تصویب شورای عالی سیاستگذاری «سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی» قرار گرفت و بلافاصله بودجه آن تأمین شد و طرح به مورد اجرا گذاشته شد.

ایجاد تسهیلات قانونی و مالی برای ارتباط با «اپوزیسیون» و «مطبوعات» خارج از کشور

کارگردانان سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به منظور پیشبرد طرح مشترك با وزارت اطلاعات و برقراری ارتباط با برخی اشخاص و محافل سیاسی ایرانی مقیم اروپا و آمریکا که ظاهراً در موضع «اپوزیسیون» رژیم بودند، اقدام به تهیه اسنادی نمودند تا براساس آن «موانع» قانونی ارتباط با «اپوزیسیون» و پرداخت پول به آنان را از سر راه بردارند و به این ارتباطات و پرداختها صورت «قانونی» بدهند. در این فصل، متن نامه اداره کل فعالیتهای ویژه به علی جنتی، قائم مقام سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی (سند شماره ۶) و نامه علی جنتی به آخوند تسخیری، رئیس این سازمان (سند شماره ۷) را ملاحظه خواهید کرد.

سند شماره ۶

تسهیلات قانونی و مالی برای ارتباط با «اپوزیسیون» و «مطبوعات» خارج از کشور

سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
اداره کل فعالیتهای ویژه

جناب آقای جنتی - قائم مقام محترم سازمان

سلام علیکم

احتراماً، آن جناب مستحضرد که در شرایط کنونی به کارگیری کلیه امکانات غیررسمی در خارج از کشور، به منظور تحقق اهداف نظام اجتناب ناپذیر است. در این شرایط که هجوم بی کم و کاست جهان غرب علیه منافع نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بر کسی پوشیده نیست و غرب با بهره گیری از کلیه امکانات خود در صدد است تا با جنگ روانی، جمهوری اسلامی ایران را به زانو درآورد، ضروری است تا با استفاده از امکانات و مقدرات در حد توان، در برنامه های دشمنان اسلام، خلل وارد ساخته و حتی المقدور حضوری فعالانه در تمام عرصه های این نبرد نابرابر داشت. این اداره کل با اتکا به خداوند متعال و فعال ساختن تمام مقدرات خویش، بیش از هر چیز خود را نیازمند پشتیبانی مادی و معنوی مسئولان نظام می بیند تا بدون دغدغه، در این وانفسای کار، حضوری جدی داشته باشد. با توجه به تجربیات کاری و موانع موجود، موارد زیر را که جهت تسهیل در فرایند تصمیم گیری و اقدام ضروری است، تدوین و جهت اتخاذ تصمیم تقدیم می دارد. امید است با تأیید خداوند تبارک و تعالی و دعای سروران گرامی، تحقق اهداف امکان پذیر گردد.

۱- به منظور انجام فعالیتهای پوششی اداره کل فعالیتهای ویژه، مدیرکل فعالیتهای ویژه مجاز است تا ضمن هماهنگی با وزارت اطلاعات، با مراکز، سازمانها و یا افرادی که به نحوی در تحقق برنامه های این اداره کل امکانی فراهم می سازند، تماس گرفته و یا برنامه های مشترکی را به اجرا درآورد.

۲- سازماندهی فعالیتهای رسانه ای پوششی در خارج از کشور، به عهده اداره کل فعالیتهای ویژه است. در این خصوص آقای بهرامی مجاز است تا با استفاده از امکانات داخلی و خارجی، به نحو مطلوب این مهم را به انجام رسانده و موضوع را پیگیری نماید.

۳- ایجاد ارتباط با ایرانیان خارج از کشور، به ویژه بهره گیری از افرادی که امکاناتی در خارج از کشور داشته و قادرند تا به نوعی در تحقق هدفها و سیاستها، سازمان را یاری نمایند، از اختیارات آقای بهرامی است و مشارالیه با انجام کار کارشناسی مجاز به ارتباط، سازماندهی و بهره برداری از ایرانیان، سازمانها، تشکیلات و رسانه های وابسته به آنهاست.

۴- آقای بهرامی مجاز است به منظور تحقق اهداف سازمان، اجرای برنامه ها و سناریوهای عملیات روانی، برگزاری مراسم ویژه توسط ایرانیان یا هواداران انقلاب اسلامی در خارج از

کشور را پیگیری نموده و از مجاری غیر رسمی هزینه‌های مربوطه را پرداخت نماید.

۵- آقای بهرامی مجاز است تا در چارچوب اهداف سازمان، به عقد قرارداد با افراد، مؤسسات داخلی و خارجی مبادرت کرده و در چارچوب فعالیتهای بخش خصوصی طرحهای خود را پیگیری نماید.

۶- با توجه به حساسیت کارهای در دست اقدام و پرداختهای خارج از سیستم اداره کل فعالیتهای ویژه، چارچوب زیر جهت عقد قرارداد و یا پرداختهای این اداره کل به تصویب می‌رسد:

الف - قراردادهای تنظیمی از سوی اداره کل فعالیتهای ویژه از شمول تشریفات قانونی معاف است.

ب - یک‌چهارم از بودجه ریالی سالانه اداره کل مستقیماً در اختیار مدیرکل قرار گرفته و با گزارش مدیرکل قابل تسویه است.

ج - کل بودجه ارزی اداره کل مشمول ماده ۱۷ بوده و از شمول تشریفات قانونی معاف است.

سند شماره ۷

حضرت حجت الاسلام والمسلمین تسخیری - ریاست محترم سازمان

سلام علیکم

احتراماً، با توجه به نوع فعالیتهای «اداره کل فعالیتهای ویژه» و ضرورت تنظیم روشی به منظور تسهیل در انجام مأموریتها و عقد قراردادها، بودجه این اداره کل از اعتبارات غیرقابل شمول است. با این توصیف لطفاً دستور فرمایید تا قراردادهای اداره کل از تشریفات ترك مناقصه معاف گردد.

علی جنتی قائم مقام سازمان

«برگرداندن برگ حقوق بشر» یک توطئه شکست خورده علیه مجاهدین

حضور فعال مجاهدین و مقاومت ایران در صحنه بین المللی و پشتیبانی گسترده ایرانیان مقیم خارج کشور از مقاومت، همواره به عنوان تهدیدی جدی برای «امنیت» آخوندها به حساب می آید. از همین رو رژیم از سال ۷۰، هم زمان با تشکیل «کمیته فرهنگی شورایی امنیت»، طرحهای متعددی را برای «جذب» و «بازگشت» ایرانیان، و مقابله با مجاهدین و مقاومت ایران به مورد اجرا گذاشته است. با انتخاب رئیس جمهور مریم رجوی و گسترش فعالیتهای سیاسی و فرهنگی مقاومت در خارج کشور، طرحهای رژیم در رابطه با ایرانیان با شکست مواجه گردید. «سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی» که مسئولیت امور ایرانیان خارج کشور و مقابله با مقاومت را به عهده دارد، پس از یک بررسی کارشناسی از وضعیت ایرانیان مقیم خارج و فعالیتهای مقاومت و اقدامات رژیم، به این شکست اعتراف کرد. این جمع بندی درونی، که برای ارائه به سران رژیم تهیه شده، در فصل آخر همین کتاب آمده است. یکی از نتایج این جمع بندی اعتراف به موفقیت مقاومت ایران در افشای ماهیت ضد بشری آخوندها بود که در ۳۴ بار محکومیت رژیم (تا سال ۷۴) در ارگانهای مختلف ملل متحد، و معرفی رژیم به عنوان یک رژیم خونخوار در افکار عمومی جهانی خود را نشان می داد. مهمترین نتیجه این جمع بندی ضرورت استفاده از رسانه ها و گروههای به اصطلاح اپوزیسیون و بریده مزدوران، برای مقابله با مجاهدین و مقاومت ایران بود. این نتیجه گیری همان طور که در «طرح مشترک» نیز به آن اشاره شده مبتنی بر «تجارب قبلی» آخوندها در زمینه استفاده از اضداد مقاومت است، که ویژگی آن «انعکاس مطالب مورد نظر نظام از زبان افراد مستقل است».

یکی از اقدامات رژیم در چارچوب طرح مشترک وزارت اطلاعات و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، توطئه شکست خورده «برگرداندن برگ حقوق بشر» علیه مجاهدین است. یادآوری می شود که برای اولین بار طرح «برگرداندن برگ حقوق بشر» در دیماه ۷۴ در نشریه ایران زمین شماره ۷۸ افشا شد.

در این افشاگری «کمیسیون امنیت و ضد تروریسم» شورای ملی مقاومت، فاش کرد که شورایی امنیت رژیم به ریاست رفسنجانی، در روز ۱۶ آبان ۷۴، تصمیم گرفت که از «برگرداندن برگ حقوق بشر، توسط جدا شده های آنها در مقابل نمایندگان مجلس و سازمانهای حقوق بشری غربی با طرح مسأله زندان و شکنجه در عراق، اردوگاه رمادی و از هم پاشیدن خانواده ها و به طور خاص سرنوشت کودکان که غرب روی آن حساسیت زیادی دارد»، استفاده نماید. در این مورد شورایی امنیت رژیم، مجدداً تأکید کرد که «طرح باید کاملاً روی جدا شده ها سوار شود که به هیچ وجه به عنوان تبلیغات نظام تلقی نشود». شورایی امنیت رژیم سپس نتیجه گیری می کند که «در این صورت دعوت از گزارشگران ملل متحد به طور حساب شده، در اساس، مثبت ارزیابی می شود». زیرا «بر فرض که گزارش این باز دیده ها صد درصد به نفع ما نباشد»، اما نفس این دعوتها «یک علامت مثبت از جانب ما» تلقی می شود و از وضع کنونی بهتر است.

در ضمن به وزارت اطلاعات مأموریت داده می شود که با کمک وزارت خارجه تا قبل از ورود

گزارشگران به ایران، هیأتی را در خارج کشور به نزد آنها بفرستد تا دربارهٔ «زندان، شکنجه و اعدام در درون مجاهدین و ارتش آزادیبخش» شهادت بدهند. هم چنین گزارشگران را در جریان «وضعیت خانواده ها و به خصوص کودکان» مجاهدین قرار دهند. با تأکید بر این که هیأتها «نباید از طرف جمهوری اسلامی یا در رابطه با آن باشند»، برعکس، بایستی «به عنوان مخالفان نظام» که در خارج کشور پناهنده هستند، شناخته شوند. مهم این است که اگر بشود نام یا حتی اشاره ای به آنها (مجاهدین) در یکی از این قطعنامه های حقوق بشر بیاید.

ناصر خواجه نوری مأمور وزارت اطلاعات

و گردانندهٔ پشت صحنهٔ طرح «برگرداندن برگ حقوق بشر»

در اواخر آبانماه ۷۴ وزارت اطلاعات رژیم به یکی از عوامل خود در آمریکا، به نام ناصر خواجه نوری، مأموریت می دهد که با انجام مسافرتی به اروپا و تماس با بریده مزدوران، آنها را از یک سو برای فعالیت علیه مجاهدین در اروپا و از سوی دیگر برای مسافرت به آمریکا و ادای شهادت در محافل سیاسی و حقوق بشری علیه مجاهدین آماده و توجیه نماید.

خواجه نوری در نیمهٔ دوم آبان ۷۴، به مدت ده روز به اروپا مسافرت می کند و با بیش از ده نفر از بریده مزدوران و پاسداران سیاسی رژیم در آلمان و هلند، دیدار می نماید. هدف از این مسافرت، سازمان دادن و انجام هماهنگیهای لازم برای مسافرت «شهود» و تنظیم برنامه ها و حل ارتباطات مربوطه بوده است. از جمله، وی در آلمان با سعید شاهسوندی، علی رضوانی و نادره افشاری و سپس در هلند با شمس حائری و کریم حقی دیدار می کند. وی هم چنین با خانابانتهرانی در آلمان تماس گرفته و برنامهٔ خود را به طور مشروح با وی در میان می گذارد. خواجه نوری، پس از تکمیل این دیدارها و تماسهایش در اروپا، در تاریخ ۳۰ آبان برای فراهم نمودن مقدمات کار به آمریکا بازمی گردد. وزارت اطلاعات دست او را برای «پرداخت قیمت سرعت طرح» باز گذاشته بود. هزینهٔ این «طرح» به طور کامل توسط وزارت اطلاعات تأمین شده است. هدف از مسافرت و بردن بریده مزدوران به آمریکا این بود که بتوانند علیه سازمان مجاهدین در مقابل اعضای کنگره و سازمانهای حقوق بشری شهادت بدهند. اما با افشای این طرح توسط کمیسیون امنیت شورای ملی مقاومت، طرح وزارت اطلاعات سوخت و سفر مزدوران به آمریکا متغی شد (ایران زمین، ۱۸ دی ۷۴).

ملاقات مزدوران وزارت اطلاعات با کاپیتورن

روز سه شنبه ۲۶ دی، شمس حائری، کریم حقی و نادره افشاری همراه با چند بریده مزدور دیگر برای تکرار لجن پراکنیهای رژیم در مورد نقض حقوق بشر توسط مجاهدین و جلوگیری از محکوم شدن جنایات و خونریزیهای بی دریغ آخوندها، به ژنو، نزد گزارشگر ویژه رفتند. این ملاقات توسط ناصر خواجه نوری، از دوماه قبل برنامه ریزی شده بود. خواجه نوری مطابق طرح پیش بینی شده، وقت این ملاقات را تحت عنوان «افرادی از اپوزیسیون رژیم در خارج کشور که

می خواهند دربارهٔ موارد نقض حقوق بشر توسط رژیم شهادت بدهند»، گرفته بود. آنها برای جلوگیری از روشن شدن ارتباطشان با رژیم در نزد گزارشگر ویژه، تصمیم می گیرند که هر کدام حتماً مطلب کوتاهی را علیه رژیم مطرح کنند. علاوه بر این، به این نتیجه می رسند که با توجه به لورفتگی کامل ارتباطات شاهسوندی با وزارت اطلاعات، قرار ملاقات تعیین شده وی با گزارشگر را متفی نمایند. قرار بود شاهسوندی در این ملاقات به اتفاق رضوانی، گیلانی و تعداد دیگری از بریده مزدوران در آلمان، شرکت کنند. وزارت اطلاعات مبلغ ۶۰ هزار دلار بابت هزینه اجرای این طرح در اختیار خواجه نوری گذاشته بود.

کریم حقی یکی از پادوهای وزارت اطلاعات در اجرای طرح مشترک

نام و مشخصات کریم حقی که یکی از مزدوران شناخته شده وزارت اطلاعات در هلند است، در لیست ۸۰ تن از مزدوران وزارت اطلاعات (مندرج در مجاهد شماره ۳۷۱)، با شماره ۵۵ آمده است.

کریم حقی در فروردین ۷۴ از طریق مقصودی، در کنسولگری رژیم در هلند، با وزارت اطلاعات رابطه برقرار کرد. مقصودی مسئولیت شبکه جاسوسی رژیم و بریده مزدوران را در هلند به عهده دارد

«کمیسیون امنیت و ضد تروریسم» شورای ملی مقاومت در باره مأموریت مزدور کریم حقی در نشریه مجاهد شماره ۳۷۳ (۲۲ دیماه ۷۶) می نویسد: وزارت اطلاعات رژیم آخوندی در راستای تلاشهای مفتضحانه اش برای برگرداندن برگ حقوق بشر علیه مجاهدین، به مزدور کریم حقی مأموریت داده است تا با مراجعه به سازمانهای حقوق بشری بین المللی ادعا کند: «وقتی با مجاهدین بودم به من مأموریت می دادند که افراد بیگناه را به قتل برسانم». در گزارش کمیسیون هم چنین آمده است که براساس دستورالعملهای وزارت اطلاعات، کریم حقی طی سال جاری (۷۶) کوشیده است تا با استفاده از همین سناریو، مجاهدین را نزد سازمانهای بین المللی متهم کند. براساس این گزارش، وی هنگامی که به همراه چند مزدور دیگر از جمله علی رضوانی و علی اکبر راستگو طی روزهای ششم و هفتم تیرماه، در شهر فرانکفورت آلمان، نزد نماینده عفو بین الملل رفته بود، همین ادعای ساخته و پرداخته وزارت اطلاعات را مطرح کرد. گزارش کمیسیون می افزاید: ادعای «قتل افراد بیگناه» که کریم حقی مأموریت یافته آن را نزد سازمانهای بین المللی مطرح کند، در ادامه و شبیه همان ادعاهای رسوا شده بی است که از سال ۷۲ رژیم برای نسبت دادن جنایتهای خودش به مجاهدین مطرح ساخته است. در آن سال دستگاههای اطلاعاتی رژیم پس از به قتل رساندن سه مقام سرشناس روحانی مسیحی، از جمله اسقف هوسپیان مهر، کوشیدند تا این قتلها را به مجاهدین نسبت بدهند. آخوندها هم چنین تلاش کردند تا مجاهدین را به انفجار در حرم امام رضا متهم کنند. رژیم برای اثبات این اتهامات دست به اجرای نمایشهایی نیز زد. تشکیل دادگاه متهمان به قتل روحانیان مسیحی که پرده بی از همین نمایشها بود، به قدری مسخره و پرتناقض اجرا شد، که دست آخوندها را بیش از پیش برای جهانیان رو کرد.

مزدور کریم حقی بارها در رادیو ۲۴ ساعته، که فضااحت تبلیغاتش برای آخوندها حتی حال شنوندگانش را نیز به هم زده، به هرزه درآیی علیه مجاهدین پرداخته است. وی در یکی از این مصاحبه ها، در تاریخ سوم شهریور ۷۴، با تعزیه گردانی مانوک خدابخشیان، مأمور شناخته شده وزارت اطلاعات در این رادیو، گفت: «بعد از جنگ عراق و کویت، در شورشهای داخلی عراق دوباره مجاهدین فرصتی پیدا کردند و در سرکوب کردها به فرمان عراق شرکت کردند و عملیاتی موسوم به مروارید برای سرکوب کردها انجام دادند».

بخشهایی از مصاحبه مانوک خدابخشیان با کریم حقی، یک روز بعد از ملاقات با کاپیتورن (۲۷ دی ۷۴)

مانوک خدابخشیان: الان یک عصیان فراگیری صورت گرفته، شما خانواده ها را از یکدیگر جدا می کنید، یک نوع فروپاشی در خانواده به وجود می آورید، چگونه آقای رجوی باور داره که با این عناصری که همیشه با یک نوع بدبینی به او نگاه می کنند ایشون به یک قدرتی برسه؟ یا به یک پیروزی برسه؟ دیگر چیزی برای ایشان نمانده من فکر می کنم.

کریم حقی: ما به کشتار بی رحمانه مردم کردستان عراق توسط نیروهای سازمان همدوش گارد ریاست جمهوری عراق اعتراض کردیم. ما خواهان رسیدگی به علت زندانی شدن خود بوده و بدان اعتراض داشتیم و ماهها در زندانهای عمومی و انفرادی سازمان مجاهدین در قرارگاه اشرف به سر می بردیم.

ملاقات مزدوران وزارت اطلاعات با نماینده «دیدبان حقوق بشر» در آلمان (بهمن ماه ۷۵)

آخوندها، سیاست «برگرداندن برگ حقوق بشر» را که در طرح مشترک «وزارت اطلاعات» و «سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی»، به نام «حریه حقوق بشر» به آن اشاره شده، بار دیگر در بهمن ۷۵، فعال کردند و خواهه نوری را مأمور نمودند تعدادی از بریده مزدوران را به نزد نماینده سازمان آمریکایی «دیدبان حقوق بشر» بفرستند. این ملاقات در روز ۱۵ بهمن ۷۵، با نماینده این سازمان که به کلن (آلمان) آمده بود، انجام شد و کریم حقی، شمس حائری، مهدی خوشحال و شمار دیگری از مزدوران در این ملاقات شرکت داده شدند. مزدوران مزبور در مأموریت محوله جعلیات دروغین نظیر زندان، شکنجه و اعدام توسط مجاهدین و کردکشی و ... را سرهم کرده و به «نماینده دیدبان» تحویل دادند.

ملاقات مزدوران با نماینده «عفو بین الملل» در فرانکفورت (تیر ماه ۷۶)

«کمیسون امنیت و ضدتروریسم» شورای ملی مقاومت در اطلاعیه یی به تاریخ ۱۵ تیر ۷۶ اعلام کرد: به وزارت اطلاعات مأموریت داده شده بود که یک بار دیگر طرح شکست خورده «برگرداندن برگ حقوق بشر» را با سازمانهای مدافع حقوق بشر از جمله عفو بین الملل، به اجرا بگذارد. اجرای این طرح در وزارت اطلاعات به یک اداره کل به نام «مدیریت ویژه» — که به منظور به کار گرفتن

بریده مزدوران و دیگر عوامل وزارت اطلاعات در خارج کشور علیه مجاهدین و مقاومت ایران تشکیل شده است، سپرده شد. اداره کل مزبور بر آن بود که حتی المقدور مهره ها و عوامل لونیفته را در اجرای این طرح به کارگیرد، اما از آنجا که جز همان مهره های سوخته و سناریو شکست خورده قبلی چیزی در چنته نداشت، این بار نیز اساساً همان مهره های سوخته را به صحنه فرستاد. طی روزهای ششم و هفتم تیرماه جاری، نوروزعلی رضوانی، کریم حق، علی اکبر راستگو و یکی دونفر دیگر از بریده مزدوران در شهر فرانکفورت آلمان با نمایندگان عفو بین الملل ملاقات کردند. قرار بود که در این جلسه تعداد دیگری از مزدوران وزارت اطلاعات، از جمله شمس حائری، نیز شرکت کنند، که به دلیل اختلافهای درونی بین این مزدوران، از حاضر شدن در جلسه خودداری کردند و لذا تعداد شرکت کنندگان به نفرات ذکر شده منحصر شد. این بریده مزدوران پیشاپیش توسط «مدیریت ویژه» برای چنین ملاقاتی توجیه شده بودند. از جمله سناریوهای مختلفی برای هر کدام از آنها تنظیم شده بود تا ادعاها و یاوه های قبلی رژیم درباره زندان، شکنجه، اعدام، تلافیهای اجباری و ... در درون مجاهدین و ارتش آزادیبخش توسط بریده مزدوران مطرح شود.

اعتراف وزیر اطلاعات به حمایت از بریده مزدوران

سران وزارت اطلاعات بارها به استفاده این ارگان از بریده مزدوران علیه مجاهدین اعتراف کرده اند. در اینجا آخرین نمونه از این اعترافها را ملاحظه می کنید:

خبرگزاری ایرنا ۷۷/۹/۱۳:

«حجت الاسلام دری نجف آبادی که پنجشنبه شب در جمع دانشجویان هرمزگان سخن می گفت، در پاسخ به سئوالی گفت: ... وزارت اطلاعات عناصر بریده از منافقین را حمایت می کند».

انعکاس خبر ملاقات بریده مزدوران با گزارشگر ویژه در ارگانهای وزارت اطلاعات

روزنامه کیهان ۷۴/۱۱/۱۷

«عده یی از اعضای جدا شده از (سازمان مجاهدین) در مقر اروپایی سازمان ملل متحد نزد موریس کاپیتورن گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر رسماً به نقض حقوق بشر در (سازمان مجاهدین) شهادت دادند. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی یک روزنامه فارسی زبان چاپ لندن در شماره اخیر خود نوشت: «در تاریخ سیاسی ایران این نخستین بار است که گروهی از یک سازمان سیاسی علیه نقض حقوق بشر در سازمان خود نزد بالاترین مسئولان سازمان ملل متحد شهادت می دهند. روزنامه نیمروز که توسط مخالفان دولت ایران در لندن منتشر می شود از قول خبرنگار ویژه خود نوشت به رغم موانعی که (مجاهدین) از طریق تبلیغات ایجاد راهبندان و حضور در مقابل درب اصلی سازمان ملل به وجود آورده بودند، این ملاقات روز سه شنبه صورت پذیرفت و سه ساعت و نیم به طول انجامید ...».

کیهان هوایی ۷۴/۱۱/۲۵

گزارشگر سازمان ملل به ایران رسید

«تهران - گزارشگر ویژه سازمان ملل روز شنبه برای یک سفر یک هفته‌ای وارد تهران شد تا وضعیت حقوق بشر در ایران را مورد بررسی قرار دهد... در این میان چند تن از اعضای سابق گروه تروریستی مجاهدین خلق **ی. ل. ل.** که در عراق مستقر هستند، در دفتر سازمان ملل در ژنو به حضور کاپیتورن رسیدند و شهادت دادند که نقض حقوق بشر در این گروه غیرقانونی به شدت جریان دارد. این افراد هم چنین پذیرفتند که نامشان در گزارش گزارشگر آورده شود. آنها گواهی دادند که مخالفین در درون این گروه در اردوگاه التاش در رمادی عراق مورد شکنجه قرار گرفته‌اند. شهادت وابستگان گریان این قربانیان موجب شد که وقتی کاپیتورن از نحوه رفتار **ی. ل. ل.** با مخالفینش مطلع شد، اشک بر چشمانش جاری شود».

رسانه‌های خودفروخته وظیفه جوسازی پیرامون «نقض حقوق بشر»

توسط مجاهدین را به عهده می‌گیرند

مطابق «طرح مشترك سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی» و «وزارت اطلاعات» وظیفه جوسازی پیرامون یاهو‌های آخوندی درباره نقض حقوق بشر توسط مجاهدین و زندان و شکنجه و کردکشی به وسیله مجاهدین، به عهده رسانه‌های خودفروخته به اصطلاح «اپوزیسیون» گذاشته شد. چرا که «ویژگی این طرح، انعکاس مطالب مورد نظر نظام از زبان افراد مستقل است». نشریه نیمروز و رادیو ۲۴ ساعته به صحنه جنگ روانی رژیم با مجاهدین در خدمت تاکتیک «حربه حقوق بشر» آخوندی تبدیل شدند. این رسانه‌ها با تبلیغات و جوسازی روی این توطئه و مصاحبه با بریده مزدوران تا آن جا که توانستند، در تنور این جنگ روانی دمیدند و ماهیت کثیف و درون متعفن خود را بیرون ریختند. (کلیشه‌ها در صفحه بعد)

استفاده رژیم از جملیات نیمروز برای فشار روی مجامع بین‌المللی علیه مجاهدین

در طرح مشترك وزارت اطلاعات و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، به «تجارب گذشته ج. ا. ا. به ویژه در جذب و استفاده از نیروهای بریده ضدانقلاب و جلب همکاری برخی رسانه‌های مخالف نظام برای تبلیغ غیر مستقیم سیاستهای نظام» اشاره شده است. یکی از این «تجارب قبلی» استفاده از نشریه نیمروز برای درج یاهو‌های وزارت اطلاعات توسط نوروزعلی رضوانی است. نوروزعلی رضوانی، مهره سوخته وزارت اطلاعات است که دادن اطلاعات مشترك با شاگرد جلال توسط او باعث شد که حتی سایر بریده مزدوران نیز از برقراری رابطه علنی با او سر باز زنند. کتابهای این مزدور به تعداد بسیار زیاد به طور مستقیم توسط وزارت اطلاعات چاپ و توزیع شده است که گزارشهای آن پیش از این در ایران زمین چاپ شده است (ایران زمین ۱۴۷، ۱۶ تیر ۷۶).

وزارت اطلاعات از یک طرف با خریدن این مزدور او را به لجن پراکنی اندر باب وجود زندان و

«تبلیغ غیر مستقیم سیاستهای نظام» از طریق نیمروز

شماره ۳۵۰ (سال هفتم) جمعه ۲۹ دی ماه ۱۳۷۴ خبرهای ایران	P3	نیمروز
در حضور کاپیتورن گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر جدا شدگان از مجاهدین، به نقض حقوق بشر در این سازمان شهادت دادند سازمان ملل شدند. هنگام خروج جدا شدگان نیز آن عده قصد ایجاد درگیری داشتند که با دخالت مأموران سوییسی از ایجاد درگیری جلوگیری شد. توانستند به سلامت از مقر اروپایی سازمان ملل و زون خارج شوند. جدا شدگان فیلم دوربین مجاهدین را که با تله از آنان عکس می گرفت، تحویل مأموران سوییسی دادند. گزارشگر ویژه موارد نقض حقوق بشر در سازمان مجاهدین را به دقت هنگام توضیح زندان ها و شکنجه ها و حال و روزی که در اردوگاه التاش در شهر مادی عراق داشته اند، به شدت می گریستند و کاپیتورن نیز که به شدت متأثر شده بود چند بار همراه آنان گریست. این شهود از نمایندده ویژه دبیرکل سازمان ملل برای نجات آن عده از جدا شدگان که هنوز در شرایط طاقت فرسانی در اردوگاه التاش باقی مانده اند، طلب استمداد کردند. پیش، ضمن اقدام به تبلیغات وسیعی علیه جدا شدگان سعی کرد از طریق انجام ملاقات هایی در نیویورک و ژنو، مقامات مسئول سازمان ملل را قانع کند که جدا شدگان از مسعود رجوی، مأموران رژیم جمهوری اسلامی بوده و از طرف وزارت اطلاعات و وزارت خارج رژیم برای انجام این ملاقات و شهادت رسمی سازماندهی شده اند. علیرغم این تبلیغات شهادت جدا شدگان که اکثراً پیش از انتقال به عده ای از اعضای جدا شده از مجاهدین خلق، که از هلند، آلمان و نقاط دیگر خود را به سوییسی رسانده بودند، روز سه شنبه در مقر اروپایی سازمان ملل متحد، نزد «موریس دال» بی کاپیتورن» گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر در سازمان مجاهدین، رسماً شهادت دادند. این در تاریخ سیاسی ایران این نخستین بار است که گروهی از یک سازمان سیاسی علیه نقض حقوق بشر		

روژه خوانی نوری زاده برای مزدوران وزارت اطلاعات

جمعه ۲۲ بهمن ماه ۱۳۷۴	نیمروز
کاری که برادران زجر کشیده و آزاده ما دو هفته پیش کردند، هر مستبد ضد آزادی را به جنون و هذیان گوئی می کشاند. این آدمهای صادق، کریم حق و هادی شمس و امیرالله ابراهیمی و دیگر یارانشان، با کمک فریدون گیلانی که از صدها کیلومتر فاصله و از پشت تلفن ناله های آنها را برای نمایندده ویژه دبیرکل سازمان ملل ترجمه میکرد، پرده از دردناک ترین تراژدی انسان معاصر ایرانی برداشته بودند و دکان تزویر شعیده باز بغداد را بی رونق کرده بودند.	

نمونه هایی از جلیات وزارت اطلاعات که از زبان نوروز علی رضوانی در نیمروز درج شده است

۲۶ شماره ۳۲۱ (سال هفتم) جمعه ۹ تیر ماه ۱۳۷۴

شکنج در زندانهای مجاهدین در عراق

۴

نوروز علی رضوانی
عضو سابق شورای مرکزی
سازمان مجاهدین خلق

■ اسرا در زندان مجاهدین باید روزها و ماه ها بدون هرگونه امکانات زندگی، در سوله های انفرادی بسر برده، همه روزه شلاق بخورند، تا بالاخره در برابر خواست زندانبانان تمکین کرده و اطلاعات نظامی را در اختیار آنان بگذارند

● اقدام های مجاهدین

زندان دس در فاصله ۲۵ تا ۳۰ کیلومتری غرب شهر کرکوک قرار دارد. اسیران زندان دارای چهار مجموعه است که مجموعه های A و B و C و D خوانده می شود و در اینجا آنها را که در مورد قسمت هایی از این زندان دیده ام و می دانم برای شما گزارش می کنم. رئیس زندانبانان آقای محسن رشایی، عضو مرکزیت سازمان و سخنگوی شورای ملی مقاومت به رهبری رجوی است. خانمی به نام سهیلا صادق رهبری کتیبه اسیران زندانها را از صفحه سازه یادگار های تلافی تا تکت زند زندانبانان و انواع شکنجه های جسمی و روانی، سر برمی سیم می کشد. سواب

کلاسهای اینتلولژیک سازمان اجباری بود و آنها چاره ای نداشتند جز اینکه در این کلاسها اینتلولژی سازمان را بپذیرند تا شاید مورد «عفو رهبری» قرار گیرند. در اینجا روشهای برخورد با اسیران جنگی را تشریح می کنم.

ابتدا، فرد اسیر را تحت شکنجه های جسمی، شامل کتک و لگد، قرار می دادند و سپس او را به سلول انفرادی منتقل می نمودند. بهانه آنها این بود که وی حاضر به ارائه اطلاعات نظامی خود به زندان انفرادی اسیر جنگی همه روزه شلاق می خورد. با کابل و مشت و لگد و سر اسیر زندانی می زدند تا افکار خمینی گونه از سر او خارج شود و به رهبری مجاهدین «ایمان» مبارز را جیره غذایی او

سازمان نیروهای سپاه پاسداران و بسیج نیروهای وفادار بر رژیم خمینی تلقی می شوند و نیروهای

۲۶ شماره ۳۱۸ (سال هفتم) جمعه ۱۹ خرداد ماه ۱۳۷۴

شکنج در زندانهای مجاهدین در عراق

نوروز علی رضوانی
عضو سابق شورای مرکزی
سازمان مجاهدین خلق

رژیم خمینی در زمانی تشدید شد که سرمد ایران درگیر جنگ خونینی با دولت متحایز عراق بودند. داعیه های تریسمه طلبانه صدام حسین که در سالیهای اخیر کشور کویت را آماج تجاوز و تخریب خود قرار داد و بحرین خلیج فارس را پدید ساخت، داعیه های چندیدی نیست. صدام حسین از سالها پیش به همسایگان خود چشم طمع داشت. در سال ۱۹۸۱ به دلیل وقوع انقلاب ایران، او تصور کرد که می

نوروز علی رضوانی از اعضای سابق سازمان مجاهدین خلق ایران است که بدلیل پی بردن به نیات فاشیستی رهبری مجاهدین و مخالفت با طرحهای جنگ طلبانه و ویرانگر او علیه متافع ملت ایران، با این سازمان از در مخالفت دو آمد و مدتی را در زندانهای مجاهدین خلق در عراق محبوس و زیر شکنجه گذراند. ۳۰ آوروز علی رضوانی به تناسیب ۳۰ خرداد سالهای زندانی و شکنجه شدن خود را در زندانهای مجاهدین خلق در عراق در اختیار نیمروز قرار داده است تا برای شناخت بیشتر ماهیت سازمان

را در سر دلت، فسر رسید وبا شکست سیم و فطیعت بار سران سازمان پان دلی، ولی به چه بهایی؟ به بهای خون هزاران جوان ایرانی که قرب شمارهای رجوی را خورده بودند.

من مسئولیت فاجعه خرداد ۱۳۶۰ و ترد بیسی حاکم بر ایران پس از این مقطع را فقط متوجه رژیم خمینی نمی دانم. به اعتقاد من که در دوران این حولات محضور داشته ام، در این فاجعه مسئولیت سنگینی نیز به عهده آقای رجوی و سران سازمان مجاهدین خلق ایران می باشد که سراسر است لصراب سبیلایی و مگرایی ایران را قربانی طرح های

یکی از نامه های انصاری، کاردار رژیم به مجامع حقوق بشری
در باره جعلیات وزارت اطلاعات در نیمروز



Tel: 0171-225 3000
Fax: 0171-589 4440

16 Prince's Gate
London SW7 1PT

Embassy of the Islamic Republic of Iran

In the Name of Almighty

Since you are interested in matters relating to the Promotion and Protection of Human Rights, please find attached evidence relating to "acts of torture practiced in the Mojahedin-E-Khalgh Organisation's (MKO/NCR) prisons in Iraq" which demonstrates this terrorist organisation's proclivity to acts of violence and terror, for your consideration and any appropriate action to cease the practice of violence and violation of Human Rights by the Iraqi-based terrorist group.

Nowrooz Ali Rezvani, a disaffected and former member of MKO in Iraq, together with other like-minded MKO members spent a considerable period in MKO's prisons for opposing and protesting at the activities of MKO/NCR. During their captivity, he and other prisoners were subjected to severe and routine acts of torture. His experiences have been made into a series of articles published in the "Nimrooz", a London-based Persian language weekly (belonging to an Iranian opposition group), extracts of which are given below. (Copies of the articles are also attached.)

London-based Iranian weekly, Nimrooz, 09-06-1995, page 26:

Torture in Mojahedin's prisons in Iraq

"I am Nowrooz Ali Rezvani, son of Heydar Ali. I am presently a refugee in Germany my last position of responsibility was commander of a unit belonging to the organisation's liberation army, based in Iraq Mr Rajavi and the leadership of the Mojahedin-E-Khalgh preached an intensification of violence, and called on their forces to kill, destroy buildings and assassinate dignitaries and religious leaders of the Islamic Republic Among the organisation's acts of terrorism that

committing suicide and freeing oneself from the grip of torture in the organisation's solitary cells, it was formally declared at the organisation's internal sittings that four prisoners had committed suicide.... The method of torture was also rather intriguing: beating of the prisoner on the head with a cable. Rajavi's explicit order was to beat the prisoner on the head until he either goes crazy, or accepts the 'principle of Imam'!... To conceal their dependence on the Iraqi regime, the Mojahedin Organisation renamed this base after one of their own martyrs, the 'Asgari-Zadeh Base', and prisoners were transferred there during the night."

It is appropriate to assure you that the regular receipt of AI's reports by this Embassy, will provide the grounds for better cooperation of the Iranian media.

Yours sincerely,

Gholamreza Ansari
Chargé d'Affaires
EMBASSY OF THE ISLAMIC REPUBLIC OF IRAN

شکنجه در قرارگاههای مجاهدین واداشت و از سوی دیگر این جعلیات را در نشریهٔ نیمروز، ارگان غیررسمی وزارت اطلاعات، به نام او درج می کرد. یکی از کاربردهای این جعلیات این بود که انصاری، کاردار رژیم در لندن، آنها را به زبان انگلیسی ترجمه می کرد و به عنوان «افشاگری اپوزیسیون رژیم در یک نشریهٔ مخالف نظام، علیه زندان و شکنجه و اعدام در درون مجاهدین»، برای مراجع بین المللی حقوق بشری می فرستاد. (کلیشه ها در صفحات ۸۳ و ۸۴)

نمونهٔ دیگری از جعلیات وزارت اطلاعات در نیمروز

یکی از نمونه هایی که براساس طرح مشترک وزارت اطلاعات و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی علیه مجاهدین به کار افتاد و به مدت یک سال ادامه داشت، مربوط به مزدوری به نام حسن خلیج است. نیمروز سراسر سال ۷۵ صفحات خود را برای این طرح در اختیار وزارت اطلاعات گذاشت.

حسن خلیج، به قصد نفوذ در ارتش آزادیبخش، در خرداد ۷۲ وارد عراق شد. وزارت اطلاعات از سال ۷۱، او را برای انجام مأموریت آماده می کرد. حسن خلیج کمتر از یک سال پس از ورود به ارتش آزادیبخش، با توجه به رفتار مشکوکش، اخراج شد و به اردوگاه پناهندگان در رمادی عراق رفت. در آن جا با سفارت رژیم در بغداد تماس گرفت و یک بار هم در آبان ۷۳ در ورودی سفارت توسط پلیس عراق دستگیر و به خاطر جاسوسی زندانی شد. پس از آزادی از زندان، وزارت اطلاعات او را از طریق ترکیه به ایران برد و به انتشار سلسله مقالاتی تحت عنوان «خاطرات تکان دهندهٔ یک مجاهد خلق، حسن خلیج» در روزنامهٔ معلوم الحال نیمروز پرداخت. (کلیشه در صفحه ۸۷)

انهام قتل اعضای ناراضی یکی دیگر از تاکتیکهای

برگرداندن برگ حقوق بشر علیه مجاهدین

یکی دیگر از تاکتیکهای رژیم برای اجرای طرح «برگرداندن برگ حقوق بشر» علیه مجاهدین، متهم کردن آنان به قتل اعضای خود می باشد.

از جمله مواردی که رژیم مجاهدین را به قتل اعضای خود متهم کرده و از طریق «عوامل همکار در اروپا و آمریکا» نیز آن را منعکس کرده است، شهادت مجاهد قهرمان زهرا رجبی، شهید بزرگ دفاع از حقوق پناهندگان و علی مرادی است. مقایسه دو خبر زیر نشان می دهد که کیهان هوایی و رادیو ۲۴ ساعته که یکی ارگان رسمی و دیگری جزو «عوامل همکار در آمریکا» است، در زمینهٔ برگرداندن برگ حقوق بشر، خطوط کارشان را از یک منبع دریافت می کنند، به ویژه آن جا که هر دو به یاوه های بریده مزدوران در این زمینه استناد می کنند.

رژیم از طریق کیهان هوایی خط برخورد در مورد ترور مجاهد شهید زهرا رجبی را به مزدوران می دهد

کیهان هوایی، ۲۳ اسفند ۷۴: روزنامه ملیت چاپ استانبول: عضو ترور شده گروهک رجوی برای انجام مأموریتی محرمانه به ترکیه اعزام شده بود «روزنامه ملیت، در شماره اخیر خود نوشت شعبه مبارزه با ترور شهرانی ترکیه از این سه زن همراه زهرا رجبی که نامشان فاش نشد بازجویی به عمل آورد. سه زن یادشده... به طور مخفیانه ترکیه را ترك کردند... رسانه های ترکیه به مشکوک بودن ترور زهرا رجبی و دست داشتن احتمالی عوامل گروه رجوی در این ترور اشاره کرده اند.

علاوه بر این، بسیاری از بریده های سازمان نیز این گونه ترورهای کور را نتیجه تصفیه های درون گروهی دانسته و با ارسال نامه هایی برای سازمانهای بین المللی، خواستار برخورد با سرکردگان سازمان مجاهدین برای متوقف کردن این گونه ترورها شدند.

رادیو ۲۴ ساعته ۱۰ اسفند ۷۴، ضمن اعلام خبر ترور مجاهد شهید زهرا رجبی و علی مرادی می گوید «مجاهدین اعلامیه می دهند که این کار توسط مأموران جمهوری اسلامی انجام شده... سفارت جمهوری اسلامی هم در آنکارا اعلامیه داده و گفته که خود این مجاهدین اختلافاتی در داخلشان هست و برای پنهان نگاه داشتن اختلافات داخلی خودشان این اتهامات را به ما وارد کردند... بعید نیست که قتل این دو نفر هم کار جمهوری اسلامی باشد. در عین حال اطلاعاتی هم هست که خود مجاهدین هم باهم اختلافاتی دارند و بعضی کسان هم آمده اند بیرون و شهادتهایی می دهند که حالا چه حد درست است بنده خبر ندارم...»

شهادت سه مجاهد خلق در اثر سانحه رانندگی بهانه یی برای هرزه درایی علیه مجاهدین

مورد دیگر شهادت سه خواهر مجاهد در تیرماه ۷۶، در اثر سانحه رانندگی در منطقه مرزی است. مزدور کریم حقی از جانب وزارت اطلاعات مأموریت می یابد که از این مورد نیز یک خبر جعلی درست کرده و آن را، به عنوان قتل اعضای ناراضی، مبنای جنگ روانی قرار دهد.

نوری زاده برای شهدای مجاهدین اشک تمساح می ریزد

نوری زاده، مزدور اجاره یی و روضه خوان بددهنی که هر هفته در ازای لجنهایی که در کیهان لندن نشخوار می کند، «پولهای طیب و طاهر»ش را دریافت می نماید، با اشک تمساح ریختن برای شهدای سازمان در پی رها کردن گریبان رژیم از عقوبت خلق، شهادت آنها را کشته شدن نامیده و خون آنها را به گردن مجاهدین می اندازد. این هم راهی برای پول گرفتن از آخوندهاست. (کلیشه در صفحه مقابل)

نیروز

شماره ۳۱۲ (سال هشتم) جمعه ۲۰ شهریور ۱۳۷۵

**معجور ها، قلعه هائی بودند که مثل اتاق های
اوین، ورود و خروج نداشتند!**

نیروز

شماره ۳۴۱ (سال هشتم) جمعه ۹ شهریور ۱۳۷۵

خاطرات نکلان دهند: یک مجاهد - حسن خلیج

**حتی رژیم جنایتکار آخوندی هم با
سربازانش مثل مجاهدین رفتار نمی کند**

نیروز

شماره ۳۹۳ (سال هشتم) جمعه ۲ آذر ماه ۱۳۷۵

**میخواستند مرابه عنوان جاسوس و مبلغ به اردوگاه رمادیه بفرستند
زندانیان قرارگاه اشرف، با نام مستعار مهمانسرا، قلعه ای هولناک بود**

نیروز

شماره ۳۴۵ (سال هشتم) جمعه ۶ مهر ۱۳۷۵

**تعقیب و مراقبت و تهدید در قرارگاه
اشرف، عین زندان اوین است**

کیمسان

صفحه ۴ - Page 4 - شماره ۷۱۵
پنجشنبه ۲۵ تیر ۱۳۷۷ خورشیدی

اخلاق و فرهنگی که اینها با خود آورده اند اعتباری برای عشق و دوستی و رابطه پدر و فرزندی و مهر مادری و بستگی خواهر و برادر قائل نیست. در این ضد فرهنگ مادر برای جلب رضایت ولی فقیه و گرفتن جایزه فرزندش را لوم می دهد و پدر برای حفظ مقام خود پسر گریزش را به جنون متهم می کند. خیلی از ماها به این ضد فرهنگ مبتلا هستیم من وقتی روزهای پسین زندگی فرزانه اندیشمند معاصر، دکتر شمس الدین جزایری را به یاد می آورم که شعبده باز مقیم عراق فرزندش را از او جدا کرد و وقتی فرزند با آگاه شدن از فریب بزرگ مقاومت قصد بازگشت به سوی پدر را داشت او را کشتند و خبر مرگش را به دکتر دادند

چاپ ورق پاره ها و کتابهای مختلف به نام بریده مزدوران و ترجمه آنها به زبانهای مختلف و انتشار در کشورهای عربی

یکی از اقدامات «فرهنگی» رژیم در چارچوب طرح مشترک وزارت اطلاعات و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، برای مقابله با مجاهدین، تولید و چاپ جزوات و کتابهای مختلف حاوی اراجیف آخوندی- ساواکی علیه مجاهدین است که به نام بریده مزدوران چاپ و به طور مجانی توسط پست به آدرس ایرانیان ارسال می شود. عناوین برخی از این کتابها و جزوات قبلاً در مجاهد افشا شده است. مزدورانی از قبیل علی فراستی، سعید شاهسوندی، کریم حق، علی اکبر راستگو، شمس حائری، مهدی خوشحال و نوروز علی رضوانی، در این پروژه فعال می باشند. رژیم این کتابها را به زبانهای مختلف ترجمه و چاپ کرده و در کشورهای عربی برای محافل روشنفکری و مطبوعاتی و سفارتخانه ها به صورت مجانی ارسال می کند. برخی از دریافت کنندگان این قبیل ورق پاره ها در تماس با دفتر مجاهدین و مقاومت ایران در کشورهای مختلف نسبت به ارسال این لجن نامه ها از سوی رژیم اظهار نفرت و بیزاری کرده و بلاهت آخوندها را به خاطر این قبیل اقدامات «فرهنگی» برای بی اعتبار نمودن مجاهدین، مورد تمسخر قرار داده اند.

همین جزوات در خانه های امن و شکنجه گاههای وزارت اطلاعات و دادستانی انقلاب اسلامی به عنوان «فرهنگ و ارتباطات» آخوندی، به صورت مکمل وسائل شکنجه، برای درهم شکستن اسیران مورد استفاده درخیمان قرار می گیرد. (کلیشه در صفحه مقابل)

توطئه های رژیم در زمینه برگرداندن برگ حقوق بشر، در مراحل مختلف با افشاگری کمیسیون امنیت و ضد تروریسم شورای ملی مقاومت، به شکست و رسوایی انجامید. تلاشهای رژیم و صرف بودجه کلان برای آن که ارگانهای حقوق بشری از مجاهدین به اتهام نقض حقوق بشر نام ببرند، با شکست مواجه شد. تبلیغات رژیم در این زمینه آن قدر رسوا بود که هر ناظر بی طرف وقتی به این یاهوها گوش می داد، رسوایی رژیم و تبلیغاتچهای مزدوری را که به آلت دست ارگانهای جاسوسی رژیم تبدیل شده اند، به روشنی تشخیص می داد. نشریات و رسانه های نظیر نیمروز و ۲۴ ساعته که در ازای پوندها و دلارهای کثیف آخوندها، در این توطئه پادویی وزارت اطلاعات را برعهده داشتند، تنها خود را رسوا کردند. حال با افشای «دستهای پشت پرده و روابط آلوده» روسیاهی برای مزدوران و پادوهای وزارت اطلاعات باقی می ماند که باید پاسخگوی خیانتهای خود باشند. مردم ایران حساب همه این پولها را ریال به ریال و سنت به سنت و پنس به پنس، از آنها خواهند کشید.

ایجاد جبهه یی از پاسداران سیاسی علیه مجاهدین

وزارت اطلاعات در چارچوب طرح مشترک با سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، تشکیل جبهه یی از پاسداران سیاسی و عناصر منفرد «اپوزیسیون» خارج کشور علیه مجاهدین و مقاومت ایران را در دستور کار قرار داد. مسعود بهنود و مهدی خانبابا تهرانی مأمور اجرای این طرح شدند.



تبلیغ ارگان وزارت اطلاعات رژیم برای باوه های بریده مزدوران

۲۴ تیر
کیهان
سازمان انتشارات کیهان منتشر کرده است
در اردوگاههای مرگ چه می گذرد؟

این بیست و شش نفر
کسی نبود



این کتاب شما را با حقایق وحشتناک
که پشت پرده نفاق می گذرد آشنا می سازد
برای دریافت کتاب با سازمان انتشارات مکاتبه فرمایید.
فاکس و تلفن ۳۰۶۹۹۱

بهنود در رژیم شاه از روزنامه نگاران ساواکی و جیره خوار دفتر فرح پهلوی بود که بعد از پیروزی انقلاب ضدسلطنتی به خدمت آخوندها و سپس به خدمت وزارت اطلاعات درآمد. وزارت اطلاعات، مسعود بهنود را به عنوان مأمور مطبوعاتی این وزارتخانه برای مأموریت های مختلف اطلاعاتی و مطبوعاتی از جمله برای به خدمت گرفتن برخی روزنامه نگاران یا کنترل آنها به کار می گیرد. هم چنین مسعود بهنود برای پیشبرد خط وزارت اطلاعات جهت وصل کردن محافل روشنفکری داخل کشور به رژیم و عضوگیری از میان آنها برای وزارت اطلاعات با این تحلیل و ترنند نقش خائنانه خود را ایفا می نمود که «در نظام ۲ جناح وجود دارد و وزارت اطلاعات جزء جناحی است که موافق سخت گیری نسبت به روشنفکران نیست»، یا «در وزارت اطلاعات نیروهای ملی و مردمی هم وجود دارند»، اما همه کسانی که با این توجیهات به خدمت وزارت اطلاعات درآمدند، به خوبی می دانستند که بهنود مأمور وزارت اطلاعات و پیش برنده خط این وزارتخانه است.

مسعود بهنود عامل وزارت اطلاعات در مطبوعات

برای آشنایی بیشتر با نقش مسعود بهنود، کافست سخنان فرج سرکوهی را در مصاحبه با روزنامه آلمانی فرانکفورتر روند شاو ۷۷/۸/۸ مورد توجه قرار دهیم:

فرانکفورتر روند شاو: آیا روزنامه آدینه که شما مسئولیت سردبیری آن را به عهده داشتید بخشی از جنبش چهارم است که شما وصف کردید (جنبش گرایش برای دموکراسی)؟

سرکوهی: من سعی کرده ام که روزنامه این طور تنظیم بشود. اگر در ایران یک روزنامه را خواسته باشند به چاپ برسانند، باید از یک طرف وزارتخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی موافقت کند، از طرف دیگر پلیس مخفی. این هر دو ارگان به هیچکس که به جنبش چهارم متعلق باشد جواز نخواهد داد. نه فقط آدینه، بلکه هیچ روزنامه یی در ایران متعلق به این جنبش نیست. کسی که اجازه به دست می آورد، در عین حال به سانسور روزنامه هم می پردازد. محل سرمقاله در آدینه در اختیار یک طرفدار رفسنجانی بود و آن شرط دادن جواز بوده است. بخش فرهنگی و ادبی روزنامه در اختیار من بود.

(سرمقاله نویس مورد اشاره، مسعود بهنود، مأمور شناخته شده وزارت اطلاعات بود)

مسعود بهنود هم چنین یکی از عوامل تبلیغات چپ وزارت اطلاعات برای تفسیر و تحلیل سیاسی استحاله گرایانه مسائل رژیم از طریق بخش فارسی رادیو بی. بی. سی است. او در دوران ۸ ساله ریاست جمهوری رفسنجانی یکی از به اصطلاح خبرنگاران همیشه در صحنه بی. بی. سی بود که به بهانه های مختلف پای خط آورده می شد تا فواید رفسنجانی و سیاست های «میانة روانه» او را برای شنوندگان این رادیو شرح دهد و متقابلاً از مخالفتها و مزاحمت های محافظه کاران برای رفسنجانی شکوه و شکایت کند. و بنا به صلاح دید وزارت اطلاعات در مقاطعی هم لجن پراکنی های رژیم علیه مجاهدین و مقاومت را از طریق بی. بی. سی رله نماید.

بهنود در اجرای همین خط پس از عملیات انهدام دادستانی و خمپاره باران مرکز ستاد فرماندهی

سپاه و مرکز مهمات‌سازی سپاه توسط واحدهای عملیاتی مجاهدین در تهران، در روز ۱۳ خرداد ۷۷، در مصاحبه با رادیو آمریکا، از رحیم صفوی، فرمانده جنایتکار سپاه دعوت کرد که سرکوب مجاهدین و آزادیخواهان را در دستور کار بگذارد. وی گفت: «ما خودمون رو کنار خواهیم کشید تا آقای رحیم صفوی و دوستانشون تکلیف این موضوع رو حل کنند و بدون شک حل هم خواهند کرد. ما اگر لازم باشه که سکوت بکنیم، سکوت می‌کنیم و نمی‌گذاریم که اون اتفاقی که ازش پرهیز کرده‌ایم در کشور بیفتد».

وزارت اطلاعات هم چنین مسعود بهنود را مأمور ارتباط با «روشنفکران» و عناصر منفرد «اپوزیسیون» و نشریات فارسی‌زبان در خارج از کشور، و به کارگرفتن آنها علیه مجاهدین نمود. بهنود این مأموریت را طی سفرهای متعددی به خارج و ملاقات با افراد مختلف به انجام می‌رساند.

خانباتا تهرانی مأمور لانسه کردن بهنود

مسعود بهنود به عنوان یک روزنامه‌نگار ساواکی و وابسته به دفتر فرح پهلوی، چهره منفوری در میان روشنفکران داشته و کارآیی و اعتبار لازم را برای پیشبرد خطوط وزارت اطلاعات در خارج از کشور، در میان «روشنفکران» و «مطبوعات» نداشت. از این رو وزارت اطلاعات برای اعتبار بخشیدن به وی و لانسه کردن او در میان پاسداران سیاسی و مدعیان «اپوزیسیون»، در خارج از کشور، پروژه‌یی را در چارچوب طرح مشترک با سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، تحت عنوان «سازندگان» به اجرا گذاشت. در این رابطه وزارت اطلاعات بهنود را به سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی معرفی کرد تا او را نسبت به «امکانات» این سازمان در خارج از کشور توجیه نمایند.

در این طرح مأموریت لانسه کردن مسعود بهنود به عهده مهدی خانباتا تهرانی گذاشته شد. در ابتدای این پروژه، در تابستان ۷۶، مسعود بهنود در خانه خانباتا تهرانی در آلمان مستقر شد و خانباتا تهرانی از طریق برگزاری جلسات خصوصی، ارتباطات بهنود را با برخی از پاسداران سیاسی رژیم و مدعیان «اپوزیسیون» که مبلغ خط سازش و تسلیم در برابر آخوندها بودند، برقرار نمود. در این جلسات مسعود بهنود طرح وزارت اطلاعات را، تحت عنوان «سازندگان» برای جذب روزنامه‌نگاران پیش می‌برد. پس از آن بهنود و خانباتا، به اتفاق به انگلستان رفته و در آن‌جا، خانباتا تهرانی، به کمک علیرضا نوری‌زاده، راه بهنود را در محافل به اصطلاح «اپوزیسیون» و مطبوعاتی مقیم لندن نیز باز کرد. در چارچوب همین پروژه، نشریه نهمروز طی ۵ شماره مجموعه مصاحبه‌های مشترک این زوج مأمور و معذور را به چاپ رساند که در آن ضمن لانسه کردن بهنود، به تبلیغ خطوط وزارت اطلاعات مبنی بر شکست اپوزیسیون و ضرورت سازش و بازگشت پرداختند. نگاهی به این مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که بهنود و خانباتا همه تلاش خود را برای رساندن پیام وزارت اطلاعات از طریق ارگان «نیمروز»ی این وزارتخانه به کار بردند. (کلیشه‌های صفحات ۹۲ و ۹۳ را ملاحظه کنید)

تبلیغات «نیمروز» برای لانسه کردن بهنود

نیمروز

شماره ۴۲۶ (سال نهم) جمعه ۳ مرداد ۱۳۷۶

عذرخواهی از رجال و پادشاهان ایران

مسعود بهنود روزنامه نویس مقیم ایران و مهدی خانبابا تهرانی مبارز سیاسی قدیمی و مشهور، در سفری همزمان به لندن، به مناظره ای درباره ایران نشستند. با همه اختلاف نظری که بین آن دو وجود داشت، در مواردی به توافق رسیدند.

مهدی خانبابا تهرانی نه فقط می پذیرد که جناح چپ یک عذرخواهی به تاریخ بدهکار است، بلکه اضافه میکند که بعضی از شاهان ایران نیز خدماتی به ایران کرده اند و رضا شاه را مثال می آورد.

نیمروز

شماره ۴۲۷ (سال نهم) جمعه ۱۰ مرداد ۱۳۷۶

انتخابات اخیر ریاست جمهوری نقطه عطفی در تاریخ تحولات سیاسی ایران بود

تهرانی:

این انتخابات نشان داد که مردم ما هنوز حضور دارند و سرنوشت خود را رقم خواهند زد

بهنود:

اگر به احزاب داخلی مثل جبهه ملی و نهضت آزادی هم اجازه فعالیت داده میشد عملاً نتیجه همان میشد که الان پیش آمده است

نیمروز

شماره ۴۲۸ (سال نهم) جمعه ۱۷ مرداد ۱۳۷۶

نظر به قدرت سیاسی داشتن مشکل اپوزیسیون است

تهرانی: اپوزیسیون باید از چشم داشتن به قدرت صرف نظر کند و مجموعه نهادهای اپوزیسیون و اپوزیسیون بر سر یک نکته معین وحدت پیدا کنند تا بتوان در ایران دمکراسی برقرار کرد.

بهنود: رهبر این انقلاب همواره در دو مورد هشدار می داد، یکی «تعجر» و یکی «خودباختگی»، پس از مرگ او دیدیم که نیروی تعجر قدرت گرفت و متعجران خودنمایی کردند. این انتخابات در واقع گفته های او را روشن کرد.

تبلیغات «نیمروز» برای لایسه کردن بهنود

نیمروز

شماره ۴۳۰ (سال نهم) جمعه ۳۱ مرداد ۱۳۷۶

اعتقاد به قهر و ستیز برای رسیدن
به قدرت سیاسی باید از میان برود

تهرانی:

- تبعیدی سیاسی حق دارد هر زمان که مناسب تشخیص دهد به کشور باز گردد

بهنود:

- نسل جوال ایران هیچ یک از اشتباهات ما را تکرار نخواهد کرد.

نیمروز

شماره ۴۲۹ (سال نهم) جمعه ۲۴ مرداد ۱۳۷۶

تهرانی: یکی از نقص‌های اپوزیسیون ایرانی این است که همزاد
حاکمیت استبدادی بوده و «تمام خواه» می باشد، اپوزیسیون همواره
در صدد نفی حاکمیت بوده و خود را کاندید حاکمیت کرده است.

تور تبلیغاتی خانباتهرانی برای بهنود

خانباتهرانی بار دیگر در مرداد ۷۷، یک تور تبلیغاتی برای بهنود در آلمان، سوئد و فرانسه، ترتیب داد و یکسری جلسات علنی برای تبلیغ سیاستهای رژیم برگزار کرد. هم چنین جلسات مخفی با حضور برخی پاسداران سیاسی رژیم و عناصر استحاله چی و تسلیم طلب، برای برقراری ارتباط بین این عناصر با وزارت اطلاعات و پیشبرد خطوط طرح مشترک وزارت اطلاعات و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، تشکیل داد.

به رغم تلاشهای مستمر خانباتهرانی برای جاانداختن این مهره وزارت اطلاعات به عنوان یک چهره اپوزیسیون، ایرانیان آزاده با آگاهی نسبت به ترفندهای رژیم، جلسات بهنود را که برای تبلیغ رژیم تشکیل شده بود، به صحنه افشاگری علیه مزدوران رژیم تبدیل کردند. به نحوی که گردانندگان این خیمه شب بازی رسوا مجبور شدند برنامه های خود را نیمه کاره رها کرده و از خیر برگزاری باقیمانده جلسات بگذرند.

جلسه مخفی وزارت اطلاعات در پاریس

بهنود در این سفر در تاریخ ۲۳ شهریور به پاریس رفت و در یک جلسه مخفی با حضور تعدادی از همپالکیهای خارج کشوریش شرکت کرد. این جلسه برای توجیه پاسداران سیاسی مقیم فرانسه نسبت به وظایف و مأموریتهایشان برای پیشبرد خط وزارت اطلاعات تشکیل گردید. بهنود در این جلسه از همپالکیهایش خواست تا درباره «فضای باز سیاسی» و «آزادی مطبوعات» در ایران تبلیغ کنند و فعالیتهایی برای مقابله با مجاهدین خلق و زدن برچسبهای «تروریست» و «غیردموکراتیک» به آنها سازمان دهند. از جمله شرکت کنندگان در این جلسه مهدی ممکن و بابک امیرخسروی بوده اند. مهدی ممکن در خوش رقصی برای مأمور وزارت اطلاعات، تا آن جا پیش رفت که خاتمی را مصدق دوم نامید.

پروژه شکست خورده وزارت اطلاعات

در چارچوب «طرح مشترک» برای ایجاد جبهه ای از پاسداران سیاسی، کریم حق در شهریورماه ۷۷ به دستور وزارت اطلاعات، اقدام به جمع آوری مصاحبه از تعدادی از پاسداران سیاسی رژیم برای لحن پراکنی علیه مجاهدین و شورای ملی مقاومت نمود. مصاحبه ها در جزوه بی به نام «پیوند» که به خرج وزارت اطلاعات چاپ و به طور مجانی برای افراد پست و توزیع می شود، درج شده است. مصاحبه شوندگان که نقش سخنگویان وزارت اطلاعات و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی را در این پروژه مشترک علیه شورای ملی مقاومت ایران به عهده دارند، عبارتند از: ابوالحسن بنی صدر، علی اصغر حاج سیدجواد، مهدی خانباتهرانی، کامبیز روستا، هادی شمس حائری، داریوش مجلسی، مهدی ممکن، حسن ماسالی و بهمن نیرومند. اسامی مأموران شناخته شده وزارت اطلاعات در بین عناصر فوق الذکر دیده می شود.

قرار دیدار با وزارت اطلاعات

سابقه ارتباطات مهدی خانباباته‌رانی با وزارت اطلاعات به قبل از سال ۷۵ می‌رسد. اما وی از تابستان ۷۵، با اعلام کشف «عناصر ملی و مردمی در وزارت اطلاعات»، به زمینه سازی برای علنی کردن این ارتباطات پرداخت. وی در ۵ شهریور ۷۵، در مصاحبه‌یی با رادیو ۲۴ ساعته، ضمن تعریف و تمجید از «عناصر ملی و مردمی در وزارت اطلاعات» گفت: «در داخل وزارت اطلاعات رژیم هم عناصر راست نفوذ کرده‌اند و تصفیه عناصر ملی و مردمی بیشتر صورت می‌گیرد!» در دیماه ۷۵ به دنبال ملاقات سران باندهای سلطنت طلب (مهرداد خوانساری و ...) با وزارت اطلاعات، فاش شد که تعدادی از استحاله چیان و پاسداران سیاسی خارجه نشین، نظیر خانباباته‌رانی و بابک امیرخسروی و ... همراه با مهرداد خوانساری قرار ملاقاتی با مأموران وزارت اطلاعات رژیم داشته‌اند، اما به دلیل برملا شدن خبر ملاقات قبلی خوانساری با مأموران وزارت اطلاعات و بازتاب گسترده این رسوایی در میان ایرانیان، خانباباته‌رانی و همدستانش که حتی بلیت خود را برای سفر به لندن و شرکت در این ملاقات دریافت کرده بودند، از انجام این سفر عقب نشینی کرده و به رفع و رجوع این فضیحت پرداختند و مدعی شدند که گویا از اهداف این ملاقات بی خبر بوده و گول مهرداد خوانساری را خورده‌اند. (کلیشه صفحه بعد را ملاحظه کنید) قرار بود خانباباته‌رانی و همپالکهای وی در این جلسه شکست مبارزات هفده ساله «اپوزیسیون» را اعلام نموده و خواهان مذاکره و سازش با رژیم شوند و راه «بازگشت» را هموار نمایند. نشریه ایران زمین قرار ملاقات این باند با مأموران وزارت اطلاعات را افشا کرد (ایران زمین - شماره ۱۲۵ - اول بهمن ۷۵).

لازم به یادآوری است که همین حضرات که عنوان «تلاشگران جامعه باز» را به خود داده بودند، دو سه هفته قبل از این ماجرا در جلسه و میزگردی در دانشگاه فرانکفورت در روز ۲۴ آذر ۷۵، به تبلیغ سیاست سازش با رژیم و بازگشت به ایران تحت حاکمیت آخوندها پرداختند. در این میزگرد، بابک امیرخسروی (توده نفتی سابق و همکار پیگیر دستگاه سرکوب رژیم علیه مقاومت)، گفت: «ما باید دست به مبارزه مسالمت آمیز بزنیم و بتوانیم و کوشش کنیم که به آزادیهای معینی در همین جمهوری اسلامی دست یابیم ...» خانباباته‌رانی سخنان دیگر این جلسه نیز ضمن لجن پراکنی هیستریک علیه مجاهدین به تبلیغ سیاست سازش با رژیم پرداخت. «روزنامه ایران» وابسته به خبرگزاری رژیم به تعریف و تمجید از این «میزگرد» و موضعگیری «تلاشگران جامعه باز» پرداخت و به نقل از گردانندگان این میزگرد، مدعی فقدان آزادی در مجاهدین شد و نوشت: «... دبیر "همایش تلاشگران جامعه باز" در پاسخ به سؤال رادیو آمریکا گفت: "ما با سازمان مجاهدین خلق، اصولاً تماس نگرفتیم چون باور به این داریم که برای شرکت در یک جریان دموکراتیک و شرکت در ابتکار برای این دموکراسی و آزادی باید به یکسری مبانی اساسی دموکراسی و آزادی و روابط دموکراتیک اعتقاد داشت. متأسفانه، سازمان مجاهدین خلق، فاقد این مبانی، که به نظر ما مبانی حداقل هستند، می باشد"» (روزنامه ایران، ۲۴ دی ۷۵).

۳۰ آذر ۱۳۷۵

صبح
پنجم آذرماه

هفته گذشته خبری داشتیم در رابطه با مذاکرات آقای مهرداد خوانساری مسئول سازمان مشروطه خواهان خط مقدم با نماینده جمهوری اسلامی در آلمان، که قرار بود جلسه بعدی با حضور تعدادی از رهبران اپوزیسیون در اروپا دنبال شود که همه آنها پس از توقف از ماجرای گفتگو و سازش با جمهوری اسلامی، بلیط های خود را پس دادند و حاضر نشدند در چنین جلسه ای حضور یابند. انتشار این خبر بازتاب گسترده ای در محافل سیاسی ایرانی پیدا کرد. حتی در محافل آمریکایی در واشنگتن نیز مورد توجه قرار گرفت. عنوان چنین تماسی، شکست فعالیت های سیاسی اپوزیسیون در طول ۱۷ سال گذشته و ضرورت برقراری دیالوگ با جمهوری اسلامی جهت ایجاد تغییراتی در چهره کنونی حکومت در ایران اعلام شد.

شنیده ایم که در این رابطه آقای مهرداد خوانساری با آقایان حسن نژاد، شریعتمداری، جعفرودی، شاهین فاطمی، دکتر مجیدی، خان بابا تهرانی، بابک امیرخسروی، بطور جداگانه صحبت کرده و با آنها توجیه کرده بود که شاهزاده رضا پهلوی نیز با طرح برقراری دیالوگ با جمهوری اسلامی موافقت کرده اند. که گفتیم همه آنها پس از بررسی مسئله و اطلاع از واقعیت امر، وعدم صحت خبر، حاضر نشدند به لندن بروند و در چنین اجلاسی شرکت کنند. ما معتقد هستیم که خود آقای مهرداد خوانساری نیز در نشست و مذاکره با نماینده وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در آلمان مرتکب اشتباه بزرگ سیاسی شده است، زیرا جمهوری اسلامی از این طریق افراد فعال اپوزیسیون را به مهره های سوخته تبدیل میکند که ایشان هم در آینده نزدیک، متوجه چنین شرایطی خواهد شد!

فصل ششم – تشکیل کانونها و انجمنهای فرهنگی برای نفوذ در میان ایرانیان مقیم خارج از کشور

تشکیل کانونها و انجمنهای فرهنگی برای نفوذ در میان ایرانیان مقیم خارج از کشور

اسنادی که در این فصل ملاحظه می‌کنید عبارتند از «شرح وظایف اداره کل فعالیتهای ویژه» و فعالیتهای اطلاعاتی و جاسوسی رژیم در خارج از کشور، تحت عنوان فعالیتهای فرهنگی، هنری و تخصصی و تشکیل کانونها و انجمنهای مختلف به منظور نفوذ در میان ایرانیان خارج از کشور و تشویق آنان به رابطه با رژیم و بازگشت به ایران تحت حاکمیت آخوندها.

سند شماره ۸

نامه مدیر کل «اداره فعالیتهای ویژه» به جنتی

با سلام
احتراماً، پیرو مذاکره به پیوست آخرین وضعیت انجمن فرهنگی ایرانیان که هم‌اینک زیر نظر معاونت محترم سیاحتی و زیارتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مشغول به کار است تقدیم می‌گردد. از آن‌جا که ضروری است تا انجمنی با همین چارچوب برای ایرانیان طراحی گردد، لطفاً نظر خود را اعلام فرمایید. با توجه به مذاکرات به عمل آمده با مسئولان محترم معاونت سیاحتی، اجمالاً اعلام می‌گردد که این انجمن دارای وظایف و مأموریتهای خاصی است که تعیین تکلیف این مهم، در حیطه اختیارات جنابعالی است. پیشنهاد می‌شود که با آقای مهندس طاهری مذاکره یا مکاتبه شده و در این خصوص تعیین تکلیف شود.

سند شماره ۹

شرح وظایف اداره کل فعالیتهای ویژه مصوب سازمان امور اداری و استخدامی کشور

- الف - اداره کل فعالیتهای ویژه وابسته به معاونت انتشارات و تبلیغات سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی بوده و در چارچوب شرح وظایف محوله زیر عمل می کند:
 - ۱- سازماندهی و حمایت از جریانهای فرهنگی و رسانه ای خارج از کشور.
 - ۲- ایجاد تسهیلات و حمایت از اقدامات مثبت فرهنگی و مطبوعاتی علاقمندان و طرفداران فرهنگ انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور با هماهنگی مراجع ذیربط.
 - ۳- تأمین مواد رسانه ای مورد نیاز برای رسانه های مرتبط و یا قابل بهره برداری.
 - ۴- انجام مطالعات و بررسیهای لازم و طراحی و پیشنهاد شیوه های تبلیغی مناسب برای اشاعه و صدور فرهنگ اصیل اسلام و انقلاب در خارج از کشور.
 - ۵- اجرای سناریوها و طرحهای تبلیغاتی و تبلیغات روانی علیه منافقین.
 - ۶- انجام امور رسانه ای پوششی تحت عنوان مؤسسات خصوصی.
 - ۷- تهیه متون، مقالات و گزارشهای مناسب جهت درج و انتشار در مطبوعات و رسانه های خارج به منظور نشر و گسترش فرهنگ و سیاستهای نظام و پاسخگویی به القائات و شبهات با همکاری سایر واحدهای ذیربط.
 - ۸- حمایت، هدایت و پشتیبانی از تبلیغات غیررسمی در کشورهای مهاجرپذیر ایرانی و دفع تبلیغات مسموم منافقین از طریق تماسهای فردی، گردهماییها، ارتباط با رسانه ها و مطبوعات اپوزیسیون و سایر ابزارها و روشهای مناسب.
 - ۹- ایجاد ارتباط فعال با صاحبان قلم و مدیران مؤسسه های رسانه ای.
 - ۱۰- اعزام گروههای هنری یا کمک به اعزام گروههای هنری مستقل.
 - ۱۱- انجام مطالعات و بررسیهای آماری لازم در خصوص جمعیت، وضعیت اقامت و کار و زندگی ایرانیان مهاجر و مقیم سایر کشورها با همکاری واحدهای ذیربط.
 - ۱۲- بررسی، تجزیه و تحلیل و طبقه بندی وضعیت ایرانیان مهاجر و ارائه طرحهایی در خصوص جذب آنان به میهن اسلامی.
 - ۱۳- تلاش در جهت شناسایی ایرانیان متخصص، تحصیل کرده و ذیصلاح مقیم خارج از کشور و رشد گرایشات علمی، فکری و عاطفی آنها در جهت تشویق و جذب آنها به کشور.

۱۴- ارسال و انتقال دستاوردهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور از طرق مناسب به ایرانیان خارج از کشور به منظور حفظ وابستگی فرهنگی و ملی و جلوگیری از انحطاط اخلاقی و سیاسی آنان.

۱۵- فراهم آوردن تسهیلات لازم برای برقراری ارتباطات محققین، متفکرین و ایرانیان ذیصلاح مقیم خارج از کشور با مراکز و مراجع مربوطه در داخل کشور.

۱۶- مقابله با تبلیغات منفی منتشره در میان ایرانیان خارج از کشور توسط استکبار جهانی و منافقین، دربارهٔ انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از طریق انعکاس اخبار و رویدادها و پیشرفتهای کشور در زمینه‌های مختلف.

ب- وظایف رایزنیهای فرهنگی در کشورها:

۱- داشتن ارتباط فعال با کانونها و انجمنهای ایرانی

۲- جمع‌آوری و ارسال اطلاعات در خصوص جریانهای فرهنگی معاند در حوزهٔ مأموریت خود.

۳- ارسال اطلاعات در خصوص تحولات فرهنگی حوزهٔ مأموریت که به نوعی با نظام اسلامی در ارتباط است.

۴- شناسایی و ایجاد ارتباط فعال با مراکز رسانه‌یی هوادار و یا خشی (قابل بهره‌برداری).

۵- ارسال اطلاعات دقیق و کارشناسی شده دربارهٔ جریانهای هوادار و افراد فرهنگی (قابل بهره‌برداری).

۶- معرفی جریانهای فرهنگی همسو با نظام و یا افراد بی‌طرف (قابل بهره‌برداری) به منظور حمایت مادی و معنوی.

۷- تهیه و ارسال گزارشهای مربوط به اقدامات و فعالیتهای انجام‌شدهٔ مشترک.

۸- برگزاری مراسم خاص با توجه به شرایط غیرمنتظره به منظور ایجاد جریانهای فرهنگی و تبلیغی.

فعالیت‌های اطلاعاتی رژیم برای شناسایی و نفوذ در انجمن‌های ایرانیان و رسانه‌های خارج از کشور

مطابق آن‌چه در شرح وظایف اداره کل فعالیت‌های ویژه دیدیم، یکی از وظایف این اداره، انجام فعالیت‌های اطلاعاتی برای شناسایی ایرانیان و رسانه‌های خارج از کشور می‌باشد. این وظیفه اساساً به عهده ریزان فرهنگی که در کشور مورد نظر مستقر هستند، می‌باشد. اما اداره کل فعالیت‌های ویژه در تهران نیز در ارتباط با سایر ادارات، اقداماتی برای شناسایی ایرانیان خارج از کشور، انجام می‌دهد. در این جا دو نمونه از این اقدامات را ملاحظه می‌کنید:

سند شماره ۱۰

جناب آقای دکتر افشار

مدیرکل محترم بورسهای دانشجویان خارج از کشور و وزارت فرهنگ و آموزش عالی

با سلام و احترام

استکبار جهانی در مبارزه و رویارویی با فرهنگ اسلامی، که بر پایه شیوه‌های تبلیغاتی استوار است سعی در تغییر ساختار شخصیتی و فرهنگی افراد و جوامع دارد. در این بین ایرانیان مقیم خارج از کشور و به ویژه دانشجویان در معرض تهدید بیشتری قرار دارند. بی تردید مقابله با ترفندهای تبلیغاتی دشمنان امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود که سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی این هدف را تعقیب می‌نماید. این مهم در جلسات شورایی عالی تبلیغات خارجی و نیز شورایی عالی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها مورد تأکید قرار گرفته است.

این اداره کل جهت سازماندهی و برنامه‌ریزی، نیاز به اطلاعاتی در خصوص اقدامات آن وزارتخانه و نیز آمار دقیق دانشجویان خارج از کشور دارد. لذا خواهشمند است دستور فرمایید در خصوص ارائه اطلاعات لازم و نیز فهرست دانشجویان شاغل به تحصیل اعم از بورسیه و غیربورسیه اقدام لازم انجام و نتیجه به این اداره کل منعکس گردد.

سند شماره ۱۱

جناب آقای درگاهی مدیرکل محترم اروپا-آمریکا

سلام علیکم
احتراماً، بازگشت به نامه ۲۹۴/۵۳ - ح/م مورخ ۷۵/۵/۲۴ و با تشکر از اقدام حضرتعالی در تهیه موارد درخواستی این اداره کل، به آگاهی می رساند اطلاعات مذکور عمدتاً کلی و مجمل بیان شده و لذا قابلیت کاربرد و بهره برداری از آنها وجود ندارد.
از آن جا که هدف، شناسایی دقیق و سازماندهی مطبوعات و نشریات هوادار بوده است، اطلاعاتی از قبیل مشخصات نشریه، تاریخچه، مواضع سیاسی و فکری، میزان هواداری، میزان حمایت های قبلی و یا چنان چه درخواست حمایت را داشته اند، مورد نیاز می باشد.
با توجه به موارد فوق بدین وسیله آقایان نیری و رسولی معرفی می گردند. لطفاً ترتیبی اتخاذ فرمایید تا اطلاعات خواسته شده در اختیار ایشان قرار گیرد.

طراحی کانونها و انجمنهای فرهنگی ایرانیان

رژیم آخوندی حضور چند میلیون ایرانی مقیم کشورهای خارجی و حمایت آنان از مقاومت ایران را همواره به عنوان تهدیدی جدی برای خود به حساب می آورد. از نظر آخوندها، هر ایرانی گریخته از جهنم خمینی، در هر نقطه از جهان، تهدیدی برای رژیم محسوب می شود و باید برای کنترل و خنثی نمودن و یا سربسته کردنش چاره یی اندیشید. همان طور که در فصل اول ذکر کردیم، شورای عالی امنیت رژیم از سال ۷۰، با تشکیل «کمیته فرهنگی» به ریاست آخوند خاتمی، با طرحهای اطلاعاتی-امنیتی، در زیر زورق و پوشش «فرهنگی»، در پی مقابله با این «تهدید» بوده است.

«اداره کل فعالیتهای ویژه» در سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، با شرح وظایفی که در سند شماره ۹ ملاحظه می کنید، مسئول پیشبرد همین طرحهاست. این اداره در سال ۷۵، به «اداره کل امور رسانه ها» تغییر نام داد تا با عادی سازی بیشتر و پوشش «فرهنگی»، طرحهای اطلاعاتی-امنیتی و «فعالتهای ویژه» خود را پیش ببرد.

فعالتهای فرهنگی رژیم در خارج از کشور در قالب انجمنها، کانونهای فرهنگی و رسانه ها، به دو صورت انجام می شود:

الف. انجمنها و کانونها و رسانه هایی که به طور رسمی و علنی وابسته به رژیم هستند و رسماً سیاستهای رژیم را تبلیغ می کنند.

ب. فعالتهایی که تحت پوشش انجمنها و کانونهای مختلف فرهنگی، هنری و تخصصی و رسانه های به ظاهر مستقل انجام می شود. برخی از این انجمنها و رسانه ها، از ابتدا توسط عوامل رژیم و با پول رژیم تأسیس می شود. برخی دیگر، تشکلهای رسانه هایی هستند که به طور مستقل تأسیس شده اما نمایندگان مخفی رژیم، در پروسه فعالتهای آنان با آنها ارتباط برقرار کرده و از طریق تأمین مالی این تشکلهای رسانه ها، خطوط و سیاستهای خود را با آنها پیش می برند. در این گزارش به نمونه های مختلفی از هر یک از این دو دسته می پردازیم.

شبکه های تلویزیونی و خانه های فرهنگ

یکی از فعالتهای رسمی و علنی رژیم در خارج از کشور تبلیغات رسمی از طریق شبکه های تلویزیونی وابسته به رژیم در اروپا و آمریکا است. مهمترین شبکه های تلویزیونی که رژیم در خارج از کشور ایجاد کرده، عبارتند از:

۱- شبکه تلویزیونی آفتاب در آمریکا

۲- شبکه نور و نوا در کانادا

۳- شبکه سیمای نور در آلمان

۴- ایجاد ارتباط و تغذیه شبکه مینیاتور در سوئد و کشورهای اسکاندیناوی

۵- شبکه پیک در آمریکا

علاوه بر شبکه های تلویزیونی، کلیه خانه های فرهنگ رژیم در کشورهای مختلف در پوش

برنامه‌های هفتگی، سیاستهای تروریستی و بنیادگرایانه خود را پیش می‌برند. در فصل بعدی، گزارشی از کارکرد یکی از این شبکه‌های تلویزیونی به نام «شبکه آفتاب» را که توسط «کارشناسان» سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی تنظیم شده است، ملاحظه می‌کنید. به دلیل عدم کارایی رسانه‌ها و نهادهای رسمی وابسته به رژیم «کارشناسان» امنیتی رژیم در سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، به این نتیجه رسیدند که برای پیشبرد سیاستهای خود در میان ایرانیان خارج از کشور باید به شیوه‌های غیرمستقیم و استفاده از انجمنها و کانونهای «مستقل»! متوسل شوند.

بخشهایی از سخنان جنتی در سمینار رایزنان فرهنگی

علی جنتی، قائم مقام سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی (۱) در جلسه‌یی که پس از رسیدن خاتمی به ریاست جمهوری، برای توجیه رایزنان فرهنگی نسبت به خطوط جدید این سازمان تشکیل شده بود، وظایف جدید رایزنان فرهنگی را به آنان ابلاغ کرد. جنتی در این جلسه، از جمله درباره ضرورت تشکیل کانونها و انجمنهای فرهنگی و متخصصین، یا جذب کانونها و انجمنهای موجود، به منظور نفوذ در میان ایرانیان صحبت کرد. جنتی درباره نحوه تأسیس این انجمنها می‌گوید: «به صورت خصوصی با چند شخصیت حقیقی و یک اساسنامه می‌توانید این انجمن را درست کنید. ممکن است دولت هم به آن کمک بکند ولی این انجمنها نباید تحت نام دولتی کار کنند. وقتی خصوصی باشد کاربردش بیشتر است. پیشنهاد عملی ما این است که سه تا چهار نفر که بیشتر در کار فرهنگی فعال بوده‌اند سازماندهی شوند و یک مؤسسه را تأسیس کنند دولت هم می‌تواند از محلهای دولتی به صورت «هدیه» به آنها کمک کند. در چارچوب بودجه چنین چیزی داریم همین کمکهایی که در بودجه هست برای مؤسسات خصوصی است نه برای مؤسسات دولتی. مؤسسات دولتی نمی‌توانند کمک بگیر باشند. نقطه قوت این روش این است که ۴، ۵ نفری که دور هم می‌نشینند، با یک انگیزه مستقل کار می‌کنند و این موجب تداوم آنها می‌شود و سازماندهیش محکمتر و متداومتر است، تا این که دولتی باشد و هر روز با مشکلاتی که در قسمتهای مدیریت وجود دارد و هر روز یک مدیر عوض می‌شود، مواجه شود. چون این کارها کارهایی است که طول می‌کشد و در دراز مدت جواب می‌دهد. بنابراین شما باید با انجمنها و کانونهای موجود، یک ارتباطی پیدا کنید و اعتمادشان را جلب کنید. در پروسه فعالیتهای فرهنگی به آنها کمک کنید. به این ترتیب بعد از مدتی رابطه‌تان با آنها محکم می‌شود.

پانویس

۱- علی جنتی تا سال ۷۴، ریاست معاونت امور بین الملل وزارت ارشاد را به عهده داشت. در سال ۷۴ با تشکیل سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و انتقال امور ایرانیان خارج از کشور از وزارت ارشاد به سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، به این سازمان منتقل شد و به عنوان قائم مقام این سازمان و مسئول رایزنان فرهنگی، مسئول پیش برد طرحها و توطئه‌های اطلاعاتی- امنیتی این سازمان در خارج کشور بود. علی جنتی اخیراً به عنوان سفیر رژیم به یک کشور همسایه فرستاده شده است.

انجمنهایی که می توانند یک مؤسسه پویایی بشوند. این افراد می توانند یک دفتر تهیه کنند اگر این به عنوان یک هدف ملی تلقی بشود از همان خانه های دولتی می توان در اختیار اینها گذاشت اما نباید سندش را به نام آنها بکنید ولی می توانید در اختیارشان بگذارید. اگر پایه و اساس کارتان را روی مؤسسات و انجمنهای موجود بگذارید، این مؤسسات و انجمنها فراوان هستند، در هر کشور و شهری بروید، جاهایی که مدنظر ما هستند و ایرانی در آن زیاد است، آن جا قطعاً مؤسسات متعددی می توان پیدا کرد که از میان آنها می توان گلچین کرد و در پروسه انجام یک برنامه هنری خودبه خود به آنها متصل خواهید شد. به این ترتیب با کمترین هزینه می توان سرانگشتان جمهوری اسلامی را با کارهای فرهنگی و هنری، در کشورهای مختلف به حرکت درآورد. و در کنار آن می توانیم بهره برداری خودمان را بکنیم ولی این کار باید در بستر هنری و فرهنگی باشد».

جنتی در ادامه افزود: «بعضی از این انجمنها نشریه دارند بعضی ها تصویر دارند و ... این کار باید طوری سازماندهی شود که به طور مستقل کار کنند و زیاد وابسته نباشد و حمایت شوند تا بتوانند پاسخگو باشند. به این ترتیب بیش از آن چه که به آنها کمک می شود، آنها می تواند منافع ملی را در این زمینه تأمین بکنند. ارزش نتایج این کار، با کمکی که دولت می کند، قابل قیاس نیست».

یکی از راینزان فرهنگی در این جلسه گفت: «ما خودمان مراکز فرهنگی ایرانیان در خارج از کشور داریم، ما در این مراکز عکس حضرت امام و آیت الله خامنه ای را می زنیم. وقتی ما این طور وارد صحنه می شویم، از همان اول ایرانیان جلوی ما جبهه گیری می کنند، حالا اگر ما در قالب مؤسسات خصوصی وارد شویم و غیرمستقیم همان تفکرات امام و ایده های ایشان را به آنها تفهیم کنیم خیلی مؤثرتر است. وقتی کسی از طرف دولت می رود، می گویند این نوکر جمهوری اسلامی است، پول گرفته تبلیغ کند، اما اگر در قالب تجارت یا انجمنهای خصوصی وارد شویم خیلی مؤثرتر خواهد بود. ما حتی انجمن ایرانیان خارج از کشور داریم که از طریق ایجاد نمایشگاهها و تئاتر و ... به راحتی ایرانیان را جذب می کنند، یعنی همزمان با نمایش فیلم و برنامه های روحی خودمان، ارزشهای ایرانی و اسلامی را مطرح می کنند. یکی از برادران که در یکی از همین انجمنهای ایرانی در کانادا کار می کند، یک سپاهی (پاسدار) است و ایشان سالها در جبهه بوده، می گفت اگر ایرانیهای این جا بفهمند من سپاهی بودم خفه ام می کنند، من به اینها نگفتم سپاهی بودم، با ایرانیها گرم گرفتم و یک جوری اینها را توی راه آوردم».

جنتی در ادامه توضیحات خود درباره شگردهای اداره کل فعالیتهای ویژه می گوید:

«بخشی از مسئولیتهای این سازمان، اعزام یا حداقل کمک به اعزام گروههای هنری از ایران، برپایی کنسرتها و نمایشگاهها و ارتباط با مراکز فروش کتاب، ارتباط با نشریات و نویسندگان است. شیوه کار ما این است که نشان ندهیم دولتی هستیم. مثلاً در یکی از کشورها یک تئاتری که از طریق نمایندگی ما به صحنه می آمد، ۴۰-۳۰ نفر بیشتر تماشاچی نداشت، اما از طریق این انجمنها که اجرا می کنیم خیلی بیشتر می آیند».

نظارت «وزارت اطلاعات» بر فعالیتهای فرهنگی

مسئولیت نشریات با وزارت اطلاعات است

جنتی درباره نحوه نظارت وزارت اطلاعات بر کارکرد نشریات و انجمنهای «مستقل» می گوید: «کار با نشریات به عهده خود وزارت اطلاعات است چون سیاسی هستند، اما برای امورات انجمنها، در جلساتی که در اداره فعالیتهای ویژه برای مطالعه وضعیت این انجمنها تشکیل می شود، حجت الاسلام رحمانی از وزارت اطلاعات، شرکت دارند. ایشان به خاطر سیاسی کردن مسأله می آیند».

نفوذ در نشریات

جنتی درباره نحوه نفوذ و کنترل رسانه ها توسط رژیم در خارج از کشور می گوید: «در اساس وزارت اطلاعات روی نشریات کار می کند. در خارج نیاز نیست ما نشریه دایر کنیم، در این نشریات می شود نفوذ کرد و به آنها خط داد. بعضاً با یک کمک ۵۰۰ دلاری به مدیر مسئول نشریه و دعوت به جشن و مهمانی جو عوض می شود».

«رستورانهای سستی»: مراکز جدید برای نفوذ

جنتی درباره تاکتیکهای مختلف برای نفوذ در میان ایرانیان به «رستورانهای سستی» اشاره کرده و می گوید: «در خیلی از شهرها می توانید رستورانهای سستی را که پاتوق ایرانیان هست پیدا بکنید رستورانهایی که مثل تهران درست کرده اند. از همین فضا، یعنی رستوان سستی، به عنوان یک مرکز جذب جدید استفاده کنید. آن جا می شود کلی کارهای فرهنگی کرد».

جنتی در ادامه صحبتهای خود در این جلسه تأکید کرد که «فعالیتهای فرهنگی، به خصوص در دوران آقای خاتمی، که زمینه های مناسبی در بسیاری گروههای مخالف به وجود آمده، باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد».

شناسایی انجمنها

جنتی در بخش دیگری از توضیحات خود ضمن اشاره به وظایف رایزنان فرهنگی گفت: «خوشبختانه رایزنها شناسایی خوبی نسبت به انجمنها و کانونهای ایرانی داده اند. به طوری که می شود در یک کشور یا یک شهر، به هر انجمن نمره داد. مثلاً در فلان شهر اروپایی که ده انجمن هست، کدام یک از همه بهتر است و دوم کدام است و الی آخر و حتی الان در بسیاری از کشورها ما اعضای انجمنها را می شناسیم اما این اطلاعات باید مرتب به روز شود».

جنتی هم چنین تصریح کرد: «رایزنان فرهنگی با دفتر ریاست جمهوری هماهنگی داشته باشند. یعنی نهادی که از زمان آقای هاشمی رفسنجانی در هماهنگی با وزارت اطلاعات برای ارتباط با برخی ایرانیان در خارج کشور عمل می کند. اطلاعات را وزارت اطلاعات می دهد و اینها

ارتباطش را برقرار می کنند».

انجمنها و کانونهای فرهنگی و تخصصی مرتبط با رژیم

بخشی از اسناد سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به گزارش شناسایی عوامل این سازمان از اشخاص، گروهها، انجمنها و رسانه ها اختصاص یافته است. هدف از این شناساییها، نفوذ در میان این انجمنها و به کارگیری آنها در خدمت رژیم است. در برخی از این موارد، همان طور که در پروسه دادگاه میکنونوس دیدیم، در انتهای این خط، عوامل تروریست رژیم به کمین نشسته اند. به عبارت دیگر مزدوران وزارت اطلاعات از طریق روابط آلوده و بی مرزی که تحت عنوان فعالیتهای فرهنگی شکل گرفته، نفوذ می کنند تا به شناسایی مخالفین بپردازند و به اطلاعاتی که برای اجرای طرحهای تروریستی مورد نیاز است دست یابند.

کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورای ملی مقاومت، بنا بر وظیفه انقلابی و ملی، خود را موظف به افشای این روابط و مناسبات آلوده می داند. تا آن دسته از هموطنان که نادانسته در معرض چنین روابطی قرار گرفته اند، خود را از آن جدا نمایند، تا سلامت روابط و مناسبات ایرانیان خارج از کشور، بیش از پیش تضمین شود. بر این اساس بخشهایی از گزارشها و اسناد سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی را که مربوط به فعالیت تعدادی از انجمنهای مرتبط با رژیم است، جهت اطلاع خوانندگان می آوریم:

سند شماره ۱۲

از اسناد سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

آمریکا

برخی از ایرانیان مقیم آمریکا طی دهه گذشته با تشکیل انجمنها و سازمانهای اجتماعی، فرهنگی و تخصصی سعی در برقراری و حفظ ارتباط با جامعه ایرانی مقیم آمریکا نموده‌اند. تاکنون ۳۰۸۰ سازمان فرهنگی، مذهبی، تخصصی و اقتصادی مربوط به ایرانیان در آمریکا شناسایی شده است.

در حال حاضر، در زمینه‌های تخصصی تعداد زیادی انجمن تشکیل شده است که تاکنون ۱۵ انجمن با دفتر نمایندگی ج. ۱.۱. تماس برقرار نموده و اعضای آنها جهت همکاری علمی و فنی به ایران رفت و آمد دارند. تعدادی از این انجمنها عبارتند از:

جامعه شیمیدانان ایرانی: این جامعه دارای ۲۰۰ عضو است، رئیس هیأت مدیره این جامعه به ایران سفر کرده تا زمینه‌های همکاری آن را با سازمانهای ذیربط فراهم سازد.

جامعه مهندسين و معماران: ۶ نفر از اعضای هیأت مدیره این جامعه به ایران سفر نموده‌اند تا توان علمی و فنی جامعه ایرانی را معرفی نمایند.

جامعه متخصصین ایرانی: تعدادی از اعضای این جامعه با دفتر نمایندگی ج. ۱.۱. ارتباط نزدیک دارند.

جامعه متخصصین ایرانی جهت بازسازی ایران: اعضای هیأت مدیره این جامعه چند مرتبه با مسئولین دفتر در تماس بوده و ملاقات داشته‌اند.

انجمن پزشکان کالیفرنیا: رئیس هیأت مدیره این انجمن تماس نزدیکی با دفتر نمایندگی دارد و در حال برنامه‌ریزی یک سمینار در ایران است.

انجمن ایرانیان دانشگاه کلمبیا: مسئولان این انجمن با دفتر نمایندگی ج. ۱.۱. در تماس هستند.

دکتر مسعود خاتمی در نیویورک: وی سالی یکی دو بار به ایران رفت و آمد دارد و کنفرانس می‌گذارد، انجمنهای متعددی دارد، مرکزی هم درست کرده به نام ~~شخصی که در ایران تشویق~~ که اطبا را به مسافرت و کنفرانس دادن در ایران تشویق

می کند. یک کنفرانس در آبان ۷۵ در تهران داشتند. علاوه بر کنفرانس، تور دور ایران می دهد و اطبا و همسرانشان را به ایران می آورد. وی به طور مستمر با دفتر نمایندگی جمهوری اسلامی در تماس است. آقایان جزینی و فریدزاده با وی در رابطه هستند (۱). وی قرار است در آذرماه گروهی از اطبا را برای یک کنفرانس در مشهد به ایران بیاورد (۲).

دکتر مسعود خاتمی با برخی از نمایندگان کنگره و سناتورهای لابی منافقین هستند تماس داشته تا روی آنها تأثیر بگذارد که از حمایت منافقین دست بردارند. برای برداشتن تحریم آمریکا روی شرکت هایی که با ایران معامله می کنند، وی تماس های متعددی با طرف های آمریکایی داشته است. وی هم چنین روی برخی نمایندگان کار می کند و آنها را تشویق به مسافرت به ایران می نماید.

سایر کشورها

در مونیخ نیک اندیش و گروه فرهنگی مولانا با ما همکاری دارد. در پاریس خانه ایران را داریم که آقای فتورچی مسئول آن است. زرین شجری که انجمن ارکیده را دارد. در طول جنگ با عراق، در زمینه تهیه سلاح همکاری می کرد (۳).

در تانزانیا مرتضی راشد در دارالسلام است. ایشان یکی دوبار به دفتر ما آمده و فردی مذهبی است. بیشتر کار تجاری می کند و به کار فرهنگی هم علاقمند است. در کنیا و لندن دفتری دارد به نام دفتر تجاری.

در کانادا یک مؤسسه نور هست که تعدادی از کارکنان سفارت در زمان لواسانی آن را راه انداختند به نام مؤسسه فرهنگی خوشنام که مورد تأیید و موافقت سفارت هم هست کارهای تهیه فیلم و پوستر را انجام می دهد

پانویس

۱ - مهدی فریدزاده سفیر فرهنگی در دفتر نمایندگی رژیم در نیویورک است، وی از سال ۶۶ مدیرکل تولید صدا و سیما بوده و در سال ۶۷ مدیر شبکه اول تلویزیون رژیم بود، در سال ۷۲ از طرف خامنه ای به عضویت شورای سیاست گذاری صدا و سیما منصوب گردید. مدتی هم به عنوان رایزن فرهنگی به خارج فرستاده شد. بعد از انتخابات ریاست جمهوری رژیم و انتقال صادق خرازی از سازمان ملل متحد، فریدزاده به وزارت خارجه منتقل شد و به عنوان سفیر فرهنگی رژیم در دفتر نیویورک به آمریکا اعزام شده است.

۲ - آخرین اطلاعات رسیده حاکیست که این مزدور برای اجرای این تور و کنفرانس نمایشی، با صرف هزینه هنگفت و تبلیغ برای این سفر، از حدود ۵۰ نفر برای این تور ثبت نام کرد. اما در آخرین مرحله بیش از نیمی از آنان پس از پی بردن به ماهیت این به اصطلاح تور، اعلام انصراف کردند و تنها ۱۰، ۱۲ دکتر همراه همسران و فرزندان شان راهی این تور شدند. در این سفر، علاوه بر انجام کنفرانس مزبور، مسعود خاتمی قرار است این اطبا را به دیدار آخوند طبسی نماینده جنایتکار خامنه ای در مشهد ببرد.

۳ - این انجمن در نشریه شماره ۳۸۶ - ۸ اردیبهشت ۷۷ افشا گردید

سایر انجمنها و کانونهای مرتبط با رژیم

علاوه بر انجمنهایی که از اسناد سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی نقل کردیم، کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورای ملی مقاومت، طی سالهای گذشته تعدادی از انجمنها و گروههای به اصطلاح فرهنگی را که توسط وزارت اطلاعات یا سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی تشکیل شده اند، شناسایی و بعضاً افشا کرده است. این انجمنها عبارتند از:

«انجمن حقوق بشر اسلامی» در لندن

مسعود شجره رئیس «انجمن حقوق بشر اسلامی» در لندن قبلاً از رؤسای «مسلم پارلمان» در انگلستان بوده که رژیم از او و جمعیت مربوطه به عنوان پوشش فعالیتهايش از جمله علیه مجاهدین استفاده می کرد. مسعود شجره به توصیه رژیم در سال ۷۶، اقدام به تشکیل انجمنی به نام «انجمن حقوق بشر اسلامی» در انگلیس نمود.

مسعود شجره در جریان گردهمایی بزرگ ایرانیان در ارلزکورت لندن در خرداد ۷۵، در محافل مطبوعاتی انگلستان علیه مجاهدین لجن پراکنی می کرد.

«بنیاد ایمان» در لس آنجلس

«بنیاد ایمان» در سال ۷۵ به سرپرستی نمازیخواه در لس آنجلس تأسیس شد.

نمازیخواه بنیانگذار این بنیاد با رژیم در ارتباط است و به راحتی به ایران تردد می نماید.

البته با توجه به لورفته بودن مواضع و هویت تشکیل دهندگان این بنیاد، بسیاری از ایرانیان مقیم لس آنجلس از آغاز این بنیاد را به عنوان ارگان وابسته به رژیم شناخته اند.

بنیاد ایمان توسط ناصر خواجه نوری، مأمور شناخته شده وزارت اطلاعات، حمایت و پشتیبانی می شود. در سال ۷۶، رژیم درصدد بود به کمک وی یک رادیو **۱۰۰** به نام این بنیاد راه اندازی کند که موفق نشد. مطابق اخبار دریافتی در سفری که در فروردین ۷۷ نژادحسینیان به لس آنجلس رفته بود، با پادرمیانی او ۳۰۰ هزار دلار برای بنیاد ایمان کمک مالی تأمین! شد.

در اسفندماه سال ۷۶ وقتی رادیو ۲۴ ساعته در لس آنجلس، برای تبلیغ «بنیاد ایمان» و لانسه کردن نمازیخواه، او را به صحنه آورد، با اعتراض شنوندگانش مواجه شد. نمازیخواه در توجیه جنایتها و قساوت رژیم با بیانی شمشیرکننده درباره سنگسار زنان گفت: «... اگر کتابهای مذهبی دیگر را هم بخوانید، سنگسار چیزی نیست که با اسلام شروع شده باشد. سنگسار در یهودیت هم بوده، در مسیحیت هم بوده».

انجمن آکادمیسینهای اسلامی در آمریکا:

این انجمن توسط صادق خرازی (برادر زاده کمال خرازی) تأسیس شده و هدف آن جذب متخصصین ایرانی برای پیشبرد سیاستهای رژیم در آمریکا است.

مرکز تحقیقات و اطلاعات اسلامی

مرکز تحقیقات و اطلاعات اسلامی یکی از ارگانهای مبلغ سیاستهای رژیم در آمریکا است که در شهرهای واشنگتن، نیویورک و میشیگان نمایندگی دارد. ریاست این مرکز با نهاندیان است که با هیأت نمایندگی رژیم در ملل متحد ارتباط دارد.

مرکز تحقیقات و اطلاعات اسلامی وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی (یکی از ارگانهای سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی) است. سازمان تبلیغات در آمریکا توسط یکسری مؤسسات و مراکز که به ظاهر و به طور رسمی مستقل هستند اهداف خود را دنبال می کند که یکی از این مؤسسات مرکز تحقیقات و اطلاعات اسلامی است.

بنیاد فرهنگی بوعلی سینا:

این بنیاد توسط علی راستبین یک عضو وزارت اطلاعات در فرانسه تشکیل شد. یکی از اقدامات این «بنیاد» برگزاری «سمینار جهانی خلیج فارس» بود که توسط سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی طراحی شده بود.

سازمان دفاع از تمامیت و استقلال ایران:

این انجمن نیز توسط علی راستبین، تشکیل شد. وی در تیرماه ۷۵، در جریان سمیناری که با بوجه و طرح رژیم تشکیل شده بود، این انجمن را اعلام کرد. مطابق اسناد افشاشده، یکی از هدفهای برگزاری این سمینار «ایجاد یک جریان فکری دفاع از منافع ملی در درون نیروهای اپوزیسیون با تعیین خط قرمز دشمنی با ج.ا.ا» بود. اعلام تشکیل این انجمن در راستای همین هدف بود و در عمل تنها فعالیت آن لجن پراکنی علیه مجاهدین و مقاومت ایران بوده است.

انجمن فرهنگی ایرانیان فرانسه:

پس از شکستهای پی در پی راستبین در تشکیل انجمنها و بنیادها و ... وزارت اطلاعات این بار تصمیم گرفت یک کانون تحت عنوان «کانون فرهنگی ایرانیان فرانسه» اعلام نماید. پس از چند بار آگهی و تبلیغات در نیمروز و رادیو فارسی زبان فرانسه، جلسه مجمع این «کانون» در تاریخ ۱۴ فروردین ۷۷ با شرکت ۱۵ نفر در پاریس تشکیل شد. این کانون در همان جلسه تأسیس به دلیل هشیاری ایرانیان آزاده، افشا شد و طرح وزارت اطلاعات، این بارهم با شکست مواجه گردید.

شورای ایران و آمریکا در نیوجرسی :

توسط هوشنگ امیراحمدی تشکیل شده و هدف آن تبلیغ دلالتی برای رژیم در آمریکا است .

مرکز گفت و شنود جهانی در قبرس :

توسط هوشنگ امیراحمدی در قبرس تشکیل شده است . تدارك دیدار عبدی-روزن یکی از اقدامات این مرکز بود . هوشنگ امیراحمدی در مصاحبه با رادیو ۲۴ساعته در روز ۱۵ مرداد ۷۷، گفت : « من کمک کردم به بنیانگذار اصلی آن که آقای حسین علی خانی است ایشان یک بازرگان است که در قبرس زندگی می کند، با ایران به اصطلاح تجارت می کند و حدود یکسال پیش از من خواست که به او کمک کنم برای تأسیس این مرکز و اولین کنفرانس هم که در رابطه با اسلام و غرب بود من گذاشتم و آقای عبدالکریم سروش و ... تعداد بسیار زیادی را از ایران و آمریکا جمع کردیم و یک کنفرانس بسیار عظیم و مفصلی شد» .

انجمن بررسیهای ایران معاصر :

این انجمن توسط پیروز مجتهدزاده در سال ۷۳، در لندن تشکیل شد . اولین اقدام این انجمن برگزاری یک کنفرانس در دانشگاه لندن در روزهای ۲۸ و ۲۹ دیماه ۷۳ بود . در این کنفرانس از کاردار رژیم در لندن دعوت شده بود . انجمن مذکور، در این کنفرانس، از کاردار رژیم خواست ریاست جلسه افتتاحیه آن را به عهده بگیرد . هم چنین در این کنفرانس یکی از مأموران رژیم به عنوان یکی از اعضای شرکت نفت رژیم در لندن به سخنرانی پرداخت . این انجمن در جستجوی افرادی بود که به عنوان لابی رژیم در خارج از کشور به ویژه در انگلستان فعالیت کنند و اهداف رژیم را تحت عنوان محقق پیش ببرند .

نکته مهم = گزارش‌های درونی درباره اعتلای مقاومت ایران و

شکست تبلیغات رژیم، پس از معرفی رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت

گزارشهای درونی درباره اعتلای مقاومت ایران و شکست تبلیغات رژیم، پس از معرفی رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت

اسنادی که در این فصل ملاحظه می‌کنید مربوط به یک «بررسی کارشناسی» است که توسط سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی درباره کارکردهای تبلیغاتی رژیم و مقاومت ایران طی سالهای ۷۲ تا ۷۵ در خارج کشور، انجام شده است.

لازم به یادآوری است که سالهای ۷۲ تا ۷۵، مقارن با حضور رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت خانم مریم رجوی در فرانسه بود. پشتیبانی ایرانیان مقیم خارج کشور از رئیس‌جمهور مریم رجوی، که در گردهماییهای بزرگ این سالها، ازجمله گردهمایی ۲۵ هزار نفری پشتیبانان مقاومت در ۳۰ خرداد ۷۵، در ارلزکورت لندن خود را نشان می‌داد، سران رژیم را نسبت به گسترش بی‌سابقه مقاومت در خارج کشور به وحشت انداخت و آنان را به بررسی علل شکست خود در برابر مقاومت ایران واداشت. اسناد ضمیمه در قالب بررسی عملکرد رسانه‌های تبلیغاتی رژیم از یکسو و بررسی «سیمای آزادی»، برنامه تلویزیونی مقاومت در کشورهای اروپایی و آمریکا، به تجزیه و تحلیل علل این شکست، پرداخته است.

سند شماره ۱۳

نامه مدیر کل «اداره فعالیت های ویژه» به وزارت ارشاد

وزارت ارشاد

جناب آقای اشعری

معاونت محترم مطبوعاتی و تبلیغاتی

سلام علیکم

احتراماً، عطف به نامه ۱۲/۶۷۷ م مورخ ۷۵/۵/۱۴ در خصوص بررسی «هشدار مقام معظم رهبری در خصوص جنگ روانی استکبار علیه ج.ا.ا» به استحضار می رساند که بررسی ارسالی، پس از بیان چکیده بررسی های مختلفی که در این اداره کل و مراکز پژوهشی دیگر، همانند اداره تحقیقات دفاعی معاونت فرهنگی و تبلیغات ستاد کل نیروهای مسلح، دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی معظم کل قوا، گروه تحلیل و پژوهش های خبری خبرگزاری ج.ا.ا، اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی صورت گرفته است، به یک جمع بندی از نتایج این بررسی ها و بیان ارتباط آنها با هشدار مقام معظم رهبری، مبادرت ورزیده است.

بر این پایه آن چه در این بررسی ملاحظه می فرمایید، تحلیل محتوای رسانه ها نیست، بلکه جمع بندی پژوهش های مختلف برای عطف توجه به تبلیغات خارجی است. امید است که این مطلب را به عنوان یک هشدار جدی در عرصه تبلیغات ارزیابی کرده و کاستی های آن را با مناعت طبع خود قابل چشم پوشی ببینید. / ص

هادی بهرامی

سند شماره ۱۴

بررسی شبکه تلویزیونی آفتاب

سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

ملاحظه: بررسی شبکه تلویزیونی آفتاب به عنوان یک مورد از شبکه های تلویزیونی مرتبط در خارج کشور انجام می شود.

شبکه تلویزیونی آفتاب یکی از شبکه های مرتبط فارسی زبان در آمریکاست. «شبکه آفتاب» عنوان غیر تخصصی و قابل تعمیم کانال تلویزیونی ویژه یی است، که از ۵ سال پیش در تعدادی از ایالات آمریکا راه اندازی شده است و در بعضی از ایالات نیز از سیستم کیبل برای ارتباط با مخاطبان استفاده می کند.

این شبکه در طول ۵ سال فعالیت خود توانسته پخش خود را از شش ایستگاه محلی به بیش از ۲۰۰ کیبل و ایستگاه شهری و دو ماهواره سراسری در آمریکا گسترش دهد. برنامه های این شبکه با زیرنویس انگلیسی ضمن حرفه یی جلوه دادن شبکه آفتاب، امکان استفاده از کانالهای رایگان و آموزشی را بیشتر می سازد.

۱ - آمار تماشاگران آفتاب: به علت سنگینی بررسی آماری دقیق در همه ایالات آمریکا، آمار دقیقی از شمار تماشاگران برنامه آفتاب وجود ندارد.

۲ - برنامه های آفتاب: از آن جا که تلویزیون آفتاب براساس اصول و اهدافی ویژه به وجود آمده است، در تولید و اجرای برنامه های خویش پاره یی از این سیاستها و اهداف را به نمایش گذاشته و آنها را به مخاطبان انتقال می دهد. اهداف در قالبها و برنامه های متنوع به اجرا درمی آیند، عمده ترین برنامه های شبکه آفتاب در زیر آمده است:

۱. برنامه کودکان و نوجوانان.

۲. گزارشهای مستند.

۳. موسیقی و ساز و سخن.

۴. نمایشهای سریالی (فیلم و سریال).

۵. سخن هفته.

۶. اخبار

گزارشهای سیاسی: در برنامه های آفتاب گزارشهای سیاسی انگشت شمار هستند و شبکه بیشتر از موضوعات سیاسی دوری می گیرند. اولین گزارش سیاسی از آزادسازی خرمشهر با متنی قوی نمایش داده شد و اثرات مطلوبی در پی داشته است. گزارشات سیاسی در واقعی نمودن و امروزی کردن برنامه ها نقش مهمی دارند. شبکه آفتاب به خاطر محافظه کاری، از مسائل سیاسی دوری می کند درحالی که شبکه های

دیگر به این موضوع بسیار می پردازند.

ایرانگردی: نمایش فیلمهای مستند و هنری از شهرها و نقاط دیدنی کشور برای تشویق هموطنان مقیم خارج از کشور، به سفر به ایران و هم چنین به منظور آگاه ساختن آنها از آخرین پیشرفتهای، از بخشهای موفق برنامه های «شبکه آفتاب» است. در تولید این فیلمها که ویژه «شبکه آفتاب» در ایران تهیه شده اند، سلیقه ایرانیان مقیم خارج از کشور و اهداف کلی شبکه آفتاب رعایت می شود، تاکنون چهره بیش از ۳۰ شهر و ناحیه مختلف تصویر شده است. علاوه بر ایران گردی هدف از این فیلمها نشان دادن زندگی در شهرستانهای مختلف کشور و یادآوری زادگاه به ایرانیانی است که سالها از وطن دور بوده اند. صحنه های عاطفی و تکان دهنده در میان این فیلمها کم نیست اما به عنوان نمونه می توان به صحنه یی از یک فیلم کوتاه از گردش در بازارهای جدید و زیبای مشهد یاد کرد که در آن یک مرد قوچانی به زبان محلی با دایی خود که در آمریکا زندگی می کند به درددل پرداخت و گفت که هر روز آرزوی بازگشت او را دارد. بسیاری از تماشاگران از تماشای گفته های صمیمانه این قوچانی اشک به چشم آوردند.

فیلم و سریال: فیلم و سریال در اکثر جوامع یکی از پرطرفدارترین برنامه های آن کشور است، شبکه آفتاب در مدت کوتاه فعالیت خود بیش از ۵۰ فیلم سینمایی از آثار بهترین و مجرب ترین کارگردانان ایرانی را با زیرنویس انگلیسی در آمریکا پخش کرده است. از تحقیقی بر روی فیلمها و نمایشهای آفتاب، یافته های زیر به دست آمده است:

جامعه ساخته شده توسط آفتاب، جامعه یی بیمار و نامتعادل می باشد، جامعه یی که بر سر دوراهی قرار گرفته است و دل و زبان، هر یک به سویی می رود.

آداب و رسوم سنتی، ملی و دینی در جامعه جایگاه خوبی دارند و اکثر افراد به آن احترام می گذارند.

۳ - سازمان شبکه آفتاب:

- بخش محلی

شرکت سینا طی ۵ سال گذشته شبکه یی گسترده و فراگیر متشکل از بیش از ۲۰۰ ایستگاه تلویزیونی و کابلی بزرگ و کوچک ایجاد کرده است که اکثریت ایرانیان برون مرزی در بهترین ساعات روزهای تعطیل به این برنامه دسترسی دارند.

- شیوه های پخش:

۱. ایستگاههای تلویزیونی
۲. شرکتهای کابلی
۳. کانالهای محلی کابلی
۴. ماهواره
۵. اشتراک ویدئویی

۴- تحلیل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی برنامه‌های شبکه‌ آفتاب :

الف. تحلیل برنامه‌ها و کارکردهای شبکه‌ آفتاب.

نقاط مثبت :

- شبکه‌ آفتاب توانسته اوقات فراغت افراد را پر کند.
- آفتاب بیشتر درصدد آشتی دادن ایرانیان مقیم آمریکا با هویت ایرانی و ملی آنهاست.
- روح کلی شرقی بر تمامی برنامه‌های آفتاب سایه گسترده است.
- آفتاب افراد را به بازشناسی و حفظ هویت ایرانی می‌خواند و افراد را تشویق به حفظ چنین هویتی می‌نماید.

نقاط منفی :

- در برنامه‌ها گسیختگی نسبی وجود دارد.
- آفتاب نتوانسته فضای جدیدی از ایران را نشان دهد و حداقل نتوانسته به‌طور کامل آن را توصیف نماید.
- برنامه‌ها روند کند دارند که با فضای سریع و تند آمریکا سازگار نیست.
- آفتاب در برنامه‌ها محافظه‌کار است.
- تصویر ایران آن‌چنان‌که واقعاً هست نشان داده نمی‌شود، بلکه آن‌چنان‌که خوشایند ایرانیان مقیم آمریکا است به تصویر کشیده می‌شود.
- شبکه‌ آفتاب به‌عنوان رسانه‌ی جمعی در خصوص نقش خبری بسیار ضعیف عمل کرده است.
- آگاه‌سازی آفتاب در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در حد پایین صورت می‌گیرد.

ب- جامعه و انسان ایرانی مطرح در آفتاب :

آفتاب در معرفی جامعه‌ی ایران آن را جامعه‌ی بی‌می‌داند که ریشه در تاریخ کهن دارد و اصالت آن را مربوط به دنیای جدید نمی‌داند. این جامعه به سیاست و اقتصاد توجهی ندارد و در صورت لزوم اقتصاد سرمایه‌داری را برمی‌گزیند.

ج- نظرات افراد و مطبوعات پیرامون آفتاب :

تعدادی از نشریات، آفتاب را عامل ایران در آمریکا دانسته و تعدادی نیز اعتقاد دارند که گردانندگان آن به‌خاطر دریافت پول و امکانات، منادی ایران شده‌اند. تبلیغات شدید طرفداران گروه‌های مخالف ج.ا.ا عمدتاً مبنی بر این بود که آفتاب جاده صاف کن عوامل رژیم در آمریکاست.

به‌طرز محسوسی احساس می‌شود که اقدامات جدی‌تر در پشت پرده در شرف انجام است. به‌طوری‌که چندین کانال از جمله «اسکولا» تصمیم به قطع شبکه‌ آفتاب گرفته بودند که پس از مذاکراتی این تصمیم ملغی شد و علت این تصمیمات درج مقالات در مجلاتی چون «ریدرز دایجست» است که توسط منافقین در اختیار مسئولان

کانال قرار گرفته است. هم چنین کانال ۱۸ (قضایا) به واسطه فشار مخالفان از ارائه وقت به «شبکه آفتاب» خودداری کرد.

در سال ۱۹۹۳، در اثر فعالیتهایی که با سازماندهی منافقین انجام شد، کانال مذکور به طور ناگهانی اقدام به قطع پخش «شبکه آفتاب» نمود و مذاکرات طولانی شرکت سینا با مقامات این کانال برای تأمین پخش مجدد برنامه نتیجه نبخشید و به همین سبب، پخش برنامه «شبکه آفتاب» در ناحیه واشینگتن - ویرجینیا و مریلند از کانال ۵۶، به کانال ۳۸، منتقل شد و پس از ۴ ماه وقفه، پخش «شبکه آفتاب» در این منطقه نیز ادامه پیدا کرد.

ویژگی این دوره نوشتن مقاله در مورد آفتاب در نشریات فارسی است.

دستاوردهای ۵ ساله آفتاب از زبان آفتاب:

- ایجاد رابطه عاطفی با ایرانیان برون مرزی با پخش فیلمهای مستند و برنامه‌های تلویزیونی از دیدنیهای ایران امروز

- ضد تبلیغات در فضایی که آکنده از تبلیغات منفی درباره اوضاع جمهوری اسلامی است، با ارائه تصویری متفاوت از فضای ایران، اوضاع هنرمندان و فرهنگیان و هم چنین آزادیها و فعالیتهای زنان.

- اشاعه ایرانگردی با پخش فیلم گستره سبز که جاذبه‌های توریستی ایران را از طریق فیلمهای مستند به ایرانیان خارج کشور یادآوری می‌کند و آنها را به سفر به ایران و تجدید دیدار با وطن و اقوام تشویق می‌کند.

- جلب تخصص و سرمایه با نشان دادن موقعیت حرفه‌یی و خانوادگی ایرانیان متخصص و صاحب سرمایه که برای مشارکت در بازسازی کشور به وطن مراجعت کرده‌اند.

- توان آفتاب در ایجاد نگرش:

یک پیام که توسط وسایل ارتباط جمعی، القا می‌گردد، باید به گونه‌یی ارائه شود که مخاطب، دلالت‌های القایی آن (افکار القایی توسط پیام) را به طور ناخودآگاه بپذیرد و نسبت به آن جهت‌گیری و عمل مناسب (گرایش یا اجتناب) را نشان دهد. شبکه آفتاب از این نقطه نظر، یعنی توانایی آن در ایجاد تأثیر و نفوذ در مخاطب و قدرت ایجاد نگرشهای جدید در آنها، مورد مطالعه قرار گرفت، با این فرض اساسی که آفتاب اصولاً در پی رسیدن به نتیجه‌یی (بازگشت به وطن و حفظ الگوهای ایرانی) در قالب این فرآیند است. اگر مراحل فوق به خوبی اجرا گردد آفتاب به نتیجه‌یی خواهد رسید که آن گرایش مثبت مخاطبین است. با تظاهرات عینی از قبیل بازگشت به وطن و استقبال از برنامه‌ها و حفظ الگوهای ایرانی، با توجه به این مسأله برنامه‌های آفتاب مورد بررسی روانشناختی قرار گرفت که نتایج آن به شرح زیر است:

۱- **قدرت ایجاد توجه:** برنامه‌های این شبکه در جذب و جلب تمامی اقشار مؤثر

نمی باشد و تنها قابل استفاده افراد به خصوصی است. با توجه به این که این شبکه بیشتر تلاش و کوشش اش می بایست مبنی بر جذب و جلب توجه جوانان باشد، متأسفانه در این امر به طور کامل موفق نبوده است، مصادیق این موضوع را می توان در موارد مختلف جستجو کرد.

الف. پخش موسیقی و اشعار عرفانی، این برنامه مربوط به اقلیت خاص قومی و قشری می باشد و قدرت جذب بیننده در سطح وسیع تر را از آفتاب سلب می کند.

ب. پخش فیلم گستره سبز که متأسفانه در پخش این برنامه، تنها نوع خاصی از اماکن و ابنیه تاریخی به نمایش گذاشته می شود و با ریتمی کند توأم است و از این رو جذابیت لازم جهت ایجاد توجه را از دست می دهد.

۲- قدرت ایجاد درك: استفاده از لغات و اصطلاحات غامض و پیچیده در برنامه ها درك افراد را از مطالب و مفاهیم کاهش می دهد.

۳- قدرت ایجاد پذیرش: آفتاب به دنبال القای حس وطن پرستی در ایرانیان دور از وطن است. از آن جا که آفتاب در مرحله ایجاد درك از نظر وزن تأثیر، در سطح پایین قرار دارد، لذا توان تحریک علقه های وطن خواهی و وطن پذیری نیز چندان بالا نمی باشد. این توان اندك تحریک، بر فرآیند القایی آفتاب (القای مفهوم وطن دوستی، القای مفهوم پیوند وطنی...) تأثیر گذاشته و مانع از به ثمر نشستن آن در حد مطلوب می شود.

۴- قدرت ایجاد عمل: در برنامه های آفتاب القای احساس وطن خواهی به عنوان یک اصل نهایی دنبال می شود، اما توان آفتاب در ایجاد این احساس و دستیابی به نتیجه فوق (بازگشت به وطن) کمتر است. زیرا بیشتر برنامه های آفتاب مونتژی از برنامه های سیمای جمهوری اسلامی ایران است که اهداف ملحوظ در آنها کاملاً متفاوت است.

۵- برنامه ریزی اجرایی شبکه آفتاب:

۱- خلأهای تبلیغاتی در آمریکا و نیازها

۲- اهداف

۳- جدول تولید و هزینه برنامه های سال ۷۶-۷۵

۱- خلأهای تبلیغاتی در آمریکا و نیازها:

تعداد ایرانیان مقیم آمریکا را بالغ بر یک میلیون نفر ذکر کرده اند. براساس آمار سازمان ملل ۲۴۰ هزار ایرانی در آمریکا از تحصیلات عالی برخوردارند. این رقم یک چهارم کل ایرانیان مقیم آمریکا را شامل می شود که بسیار جای تعمق است. تعداد کثیری نیز که از تحصیلات متوسطی برخوردارند دارای مراکز تجاری و اقتصادی می باشند.

با توجه به توضیحات فوق می توان قابلیتهایی را برای استفاده از جمعیت ایرانیان مقیم آمریکا برشمرد:

- انتشار نشریات فارسی زبان

- تقویت شبکهٔ تلویزیونی فارسی آفتاب
- کمک به ایجاد و افزایش مراکز فرهنگی و هنری
- ایجاد سفرهایی برای ایرانیان جهت دیدار از ایران و انجام سایر اقدامات فرهنگی از قبیل:
- اجرای کنسرت های موسیقی، شب شعر، سمینارهای ادبی - فرهنگی و ...
- اجرای برنامه های فوق باید در راستای تأمین اهداف زیر باشد:
- تحکیم و گسترش ارتباطات ایرانیان با ج.ا.ا.
- خنثی کردن تبلیغات منفی علیه ج.ا.ا.
- تشویق به بازگشت به میهن اسلامی
- ایجاد احساس امنیت
- حضور مستمر جمهوری اسلامی ایران از طریق افزایش فعالیتهای فرهنگی، اجتماعی، احساس امنیت بیشتری در جامعهٔ ایرانی مقیم خارج کشور پدید می آورد.
- ایجاد احساس امنیت روانی - اجتماعی در بین ایرانیان، راهگشای نفوذ در میان آنهاست. ایجاد انجمنهای دارای اقتدار و نفوذ در جامعهٔ ایرانیان، می تواند جوابگوی نیاز جامعهٔ ایرانی برای احساس امنیت باشد.

۲-اهداف:

- حفظ و تحکیم هویت ایرانی و مذهبی ایرانیان مقیم آمریکا.
- طرح دیدگاههای اسلامی و شکستن تبلیغات مغرضانهٔ شبکه های انحصاری غرب
- ایجاد موانع در تبلیغات منافقین.
- ایجاد نگرشهای مثبت در ایرانیان مقیم آمریکا نسبت به ج.ا.ا.
- اصلاح تصویر مخدوش شده از ایران اسلامی که توسط وسایل ارتباط جمعی غرب و منافقین ایجاد شده است.
- ارائهٔ دستاوردهای فرهنگی واصل و ملی کشور به صورتی که ظاهر تبلیغاتی و شعارگونه نداشته باشد.
- فراهم ساختن جوی برای آشتی ایرانیانی که سالها از ایران به دور مانده اند و تبدیل شدن به پل ارتباطی بین آنها و وطنشان.

۳-جدول تولید و هزینهٔ برنامه های سال ۷۶-۷۵:

شبکهٔ آفتاب برای ایرانیان مقیم آمریکا در هفته ۲ ساعت برنامه پخش می کند که مجموعهٔ ساعات پخش آن در طی یک سال ۱۰۴ ساعت می باشد که در کل سال ۵۲ برنامه ۲ ساعته خواهد داشت، لذا جدول زیر براساس برنامه، به زمانبندی برای هر برنامه پرداخته است. در مجموع دقایق و ساعات در طول سال به اضافهٔ هزینهٔ تولیدی هر برنامه براساس دقیقه یی ۴۰۰,۰۰۰ ریال به صورت جدولی که ملاحظه می کنید ارائه می شود.

جدول تولید و هزینه برنامه های آفتاب (سال ۷۶-۷۵)

ردیف	موضوع تعداد	دقیقه	جمع	ساعت	هزینه به ریال	درصد تولید
۱	برنامه کودکان و نوجوانان	۵۲	۱۵	۷۸۰	۱۳	۳۱۲,۰۰۰,۰۰۰
۲	گزارشهای مستند	۵۲	۱۵	۷۸۰	۱۳	۳۱۲,۰۰۰,۰۰۰
۳	موسیقی و ساز و سخن	۵۲	۱۵	۷۸۰	۱۳	۳۱۲,۰۰۰,۰۰۰
۴	نمایشهای سریالی	۵۲	۱۵	۷۸۰	۱۳	۳۱۲,۰۰۰,۰۰۰
۵	سخن هفته	۵۲	۱۵	۷۸۰	۱۳	۳۱۲,۰۰۰,۰۰۰
۶	اخبار	۵۲	۱۰	۵۲۰	۸/۴	۲۰۸,۰۰۰,۰۰۰
۷	سایر برنامه ها	۵۲	۳۵	۱۸۲۰	۳۰/۲	۷۲۸,۰۰۰,۰۰۰
	جمع		۱۲۰	۶۲۴۰	۱۰۴	۲,۴۹۶,۰۰۰,۰۰۰

*کل هزینه ها براساس بودجه ریالی مصوبه برای سال ۷۶-۷۵ تنظیم گردیده است.

هزینه ارزی:

۷۰٪ هزینه ارزی شبکه آفتاب را هزینه پخش تشکیل می دهد. به عنوان نمونه، هزینه پخش از یکی از ایستگاههای تلویزیونی به نام تلویزیون **فضیلا** که ایستگاهی مستقل است و خود را یک «شبکه بین المللی» می خواند، بستگی به زمان پخش و شبکه پخش کننده از ساعتی ۶۰۰ تا ۳۵۰۰ دلار در نوسان است.

پخش آگهی: در جریان یکی از جلسات جمع بندی، آقای آزمندیان (رئیس شبکه) در توضیحات خود گفت: «آفتاب درآمدی از طریق پخش آگهی ندارد. بدین لحاظ برای تأمین هزینه های خود، ۱۰۰ درصد به بودجه تصویب شده، وابسته است. جهت اطلاع، آگهیها را غالباً مجانی پخش می کنیم چون دشمنان بسیاری داریم، هر آگهی نیز حتی حقوقی برابر دستمزد یک مانیتور را هم نمی دهد».

جمع بندی کارکرد آفتاب

آفتاب با تمامی اهدافی که بر شمرده شد، از حدود ۵ سال پیش فعالیت فرهنگی خود را در آمریکا شروع کرده است. بنا بر رسالتی که برای خود قائل است، بدنبال پوشش خلأ فرهنگی و آشتی ایرانیان مقیم آمریکا با ایران امروز است. با تحلیل برنامه ها، مشخص می گردد که آفتاب در دستیابی به این اهداف چندان موفق نبوده است، اهم نکات را می توان به شرح زیر خلاصه نمود:

- ۱- آفتاب در پاره یی از برنامه ها، راه افراط را پیش گرفته است.
- ۲- شبکه آفتاب بیشتر به غربت و احساس غربی مخاطبین خود توجه کرده است و از این طریق سعی بر همراهی بینندگان با خود را دارد. ولی عدم طرح کامل مسائل جامعه امروزی ایران در ایجاد یا به دست آوردن این همراهی اثر منفی دارد.

- ۳- آفتاب پیش از آن که به حال و آینده نظر داشته باشد و ایرانیان مقیم را به آینده ایران و حال آن متوجه سازد، گذشته گرامی باشد.
- ۴- جامعه ایرانی مقیم خارج کشور بیش از هر اقلیت دیگری یک جامعه فرهنگی - سیاسی است و نادیده گرفتن بعد سیاسی توسط آفتاب، از دست دادن یکی از جنبه های ارتباطی با مخاطبین خود است.
- ۵- برنامه های آفتاب، ایران را به گونه یی مطرح می سازد که گویا در حاشیه جریانهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی در بعد جهانی قرار گرفته است و این عکس آن چیزی است که اکنون احساس می شود.
- ۶- برنامه های کنونی آفتاب، ایران را به گونه ای مطرح می سازد که گویا کشوری است انفعالی و همواره تغییرات را می پذیرد.
- ۷- آفتاب انسانی ایرانی را ترسیم می کند که آینده یی مبهم دارد و این نه تنها بر غربت و عدم هم حسی با مخاطبین اثر منفی دارد، بلکه هرگونه روشن نگری نسبت به آینده را از مخاطبین سلب می کند.
- ۸- آفتاب در تمام برنامه های خود حتی به ارائه یک نماد (چهره یی که الگوی یک ایرانی با ارزشهای سستی - مذهبی باشد) نپرداخته است. عدم ترسیم یک چهره مشخص در برنامه ها مصداق بارز ضعف این شبکه است.

توضیحات کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورا :

از آن جا که رژیم با آمریکا رابطه دیپلماتیک ندارد، نمی تواند در این کشور، رایزن فرهنگی و در نتیجه فعالیت فرهنگی رسمی داشته باشد، با این حال نفر دوم هیأت نمایندگی رژیم در سازمان ملل متحد، همواره فعالیتهای بنیادگرایی و توطئه های «فرهنگی» رژیم را در آمریکا سازمان می دهد. صادق خرازی (برادرزاده کمال خرازی، نماینده سابق رژیم در ملل متحد)، سالها در موضع نفر دوم هیأت نمایندگی رژیم در ملل متحد، با پشتوانه سرمایه ها و اموال بنیاد مستضعفان (۱) در آمریکا، همین وظایف را انجام می داد. یکی از این فعالیتها، اداره شبکه تلویزیونی آفتاب در نیویورک است. صادق خرازی، آزمندیان را به عنوان رئیس این شبکه تعیین کرده است. صادق خرازی ماهانه ۳۰۰ هزار دلار از درآمدهای بنیاد مستضعفان را به این شبکه می پردازد (۲).

پانویس

- ۱- بنیاد مستضعفان به دلیل پشتیبانی از فعالیتهای تروریستی، رسماً در آمریکا غیرقانونی است. به همین دلیل، رژیم فعالیتهای این بنیاد را تحت نام «بنیاد علوی» در آمریکا دنبال می کند.
- ۲- صادق خرازی پس از انتصاب کمال خرازی به وزارت خارجه، در مرداد ۷۷ به معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت خارجه منصوب شد.

این گزارش (سند شماره ۱۵) توسط سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی دربارهٔ عملکرد «سیمای آزادی» تهیه شده و مضمونی متفاوت از تبلیغات رسمی رایج در رسانه‌های رژیم علیه مقاومت، دارد. تهیه‌کنندهٔ گزارش در پاسخ به کسانی که نسبت به اعترافات آشکار موجود در این گزارش، درباره جایگاه مجاهدین انتقاد دارند، می‌نویسد: «شاید، در بادی امر و در پرتو درخشش ارادهٔ مردم مسلمان ایران، فعالیت این افراد و سازمانها کمرنگ جلوه کند و منتقدین را علیه این گفتار برانگیزد، اما هنگامی که قرار است مسائل پویای انقلاب اسلامی بعد از پیروزی در ابعاد مختلف و نیز در موارد «ویژه»، مورد توجه موشکافانهٔ علمی قرار گیرد، ناچاریم نقش هر یک از سازمانها و افراد را مورد تجزیه و تحلیل دقیق قرار دهیم». در این گزارش که در قالب تحلیل تصاویر «سیمای آزادی»، تنظیم شده، ضمن بررسی پیشرفتهای مقاومت طی سالهای پس از بحران کویت، به‌ویژه پس از انتخاب و معرفی رئیس‌جمهور مریم رجوی و شروع دور جدیدی از فعالیتهای مقاومت در خارج کشور، به حضور و «ثبیت» ارتش آزادیبخش و قدرت و اعتلای آن اعتراف شده است. در این بررسی به‌ویژه بر موقعیت والای زنان مجاهد در ارتش آزادیبخش انگشت گذاشته و حسرت رژیم را نسبت به مرتبت آنان به‌نمایش می‌گذارد. این گزارش در نتیجه‌گیری خود با اعتراف به مقبولیت داخلی و اعتبار بین‌المللی مجاهدین، نگرانی خود را از استقبال بیش از پیش هموطنان مقیم خارج کشور، از مجاهدین آشکار کرده و دست‌اندرکاران را به اندیشه و جستجوی راه حل فرا می‌خواند.

سند شماره ۱۵

تحلیل محتوای برنامه‌های تلویزیونی سیمای نفاق (وابسته به سازمان منافقین)

سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

مقدمه:

به دنبال تحولات در روشهای دیپلماتیک در ایران بعد از جنگ که به حضور فعالتر سیاسی- فرهنگی ایران در مجامع بین‌المللی منجر شد از یکسو و نیز احتمال تحولات سیاسی جدید بین ایران و عراق از سوی دیگر، باعث شد تا سازمان مجاهدین (منافقین) بخشی از نیروهای خود را از داخل عراق خارج سازد تا هم به مقابله فرهنگی- تبلیغی گسترده‌تر با ج.ا.ا. پردازد و هم بخشی از نیروهای خود را از آسیبهای احتمالی در امان نگاه دارد. پذیرایی فرانسه از این گروه فرصتی بود که از سوی کادر رهبری سازمان مغتنم شمرده شد. در این بررسی سعی شده تا تحولات نسبتاً عمیق سازمان نفاق از طریق محتوی وسایل ارتباط جمعی سازمان، مورد مطالعه قرار گیرد.

نام: سیمای آزادی (وابسته به سازمان مجاهدین خلق ایران یا سازمان منافقین که به طور کلی مبلغ مرام شورای ملی مقاومت است. این برنامه با نام سیمای مقاومت در عراق نیز پخش می‌شود).

محل استقرار: تعدادی از کشورهای اروپایی و برای مدتی کانادا، آمریکا و کشورهای اسکاندیناوی

زمان پخش: برحسب کشورهای مستقر متفاوت است، ولی غالباً بین نیم ساعت تا یک ساعت است.

زبان: فارسی و در بعضی از کشورها مانند سوئد با زیرنویس زبان اصلی آن کشور پخش می‌گردد.

اهداف بررسی: شناخت علمی محتوای برنامه‌های سیمای آزادی و آگاهی از روش تبلیغات و تغییرات به وجود آمده در مواضع سازمان.

روش بررسی: روش بررسی در این پژوهش تحلیل محتوای کیفی است. بدین صورت که نمونه‌یی از برنامه‌های تلویزیون مورد بحث، ابتدا روی نوارهای ویدیویی ضبط شده و سپس با توافق کارشناسی مفاهیم محوری استخراج شده‌اند. سپس مصادیق نیز به عنوان مثال در زیر هر محور (مدل) گنجانده شده است.

کلیات: برنامه‌های این تلویزیون نشانگر آن است که، به صراحت به معاندت با نظام و شخصیت‌های جمهوری اسلامی می‌پردازند. گرچه مضمون برنامه‌ها تماماً معاندت است، اما از برنامه‌های ابتدالی اجتناب می‌کند. ترانه پخش نمی‌شود و چنانچه هم

پخش شود حالتی شبیه سرود (دستجمعی و ...) یافته است و خوانندگان و رقاصان عریان نمایش داده نمی‌شوند. به‌طورکلی، سرودگونه‌هایی پخش می‌شوند و از نظر رقص بیشتر به رقصهای سنتی، دستجمعی و محلی با پوششهای سنتی زنان و مردان طوایف مختلف می‌پردازند. لازم به ذکر است که ریتم تمامی سرودها و رقصها نسبتاً تند و شاد است که جهت جذب و برانگیختن، کارآیی بالایی در بین جوانان می‌تواند داشته باشد.

بخش اول

مروری بر رویکردهای تبلیغی - سیاسی سازمان منافقین

از بدو پیروزی انقلاب تا به حال

مرحلهٔ مقابله از درون

مرحلهٔ معاندت از خارج

مرحلهٔ نظامیگری و تثبیت

مرحلهٔ خیزش نظامیگری

مرحلهٔ چرخش

۱- مرحلهٔ مقابله از درون:

گرچه انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک انقلاب فراگیر- که کلیهٔ شئون اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... مردم ایران را تحت تأثیر قرار داد، با تکیه بر تودهٔ وسیع مردم و عقاید و احساسات اسلامی آنان به پیروزی قاطع منجر شد، اما نمی‌توان نقش سازمانها و گروهها و افراد را نادیده گرفت. شاید، در بادی امر و در پرتو درخشش ارادهٔ مردم مسلمان ایران، فعالیت این افراد و سازمانها کم‌رنگ جلوه کند و منتقدین را علیه این گفتار برانگیزد، اما هنگامی که قرار است مسائل پویای انقلاب اسلامی بعد از پیروزی در ابعاد مختلف و نیز در موارد «ویژه»، مورد توجه موشکافانه علمی قرار گیرد، ناچاریم نقش هر یک از سازمانها و افراد را مورد تجزیه و تحلیل دقیق قرار دهیم.

در این جهت، یکی از سازمانهایی که در بررسی تحولات انقلاب اسلامی جای توجه دارد، «سازمان به اصطلاح مجاهدین خلق ایران» است. این سازمان از ایده‌های اولیه تا تشکل ابتدایی و جفافتادن به عنوان سازمانی منسجم، فراز و نشیبهایی داشته و این روند پرتنش هم اکنون نیز ادامه دارد.

این بحث برآن است تا مروری بر رویکردهای سیاسی- تبلیغی سازمان از ابتدا تاکنون داشته باشد. در این جا لازم است تأکید شود به هیچ وجه به دنبال طرح روزشماری از وقایع یا تحولات ساختار سازمانی و ... نیستیم، زیرا کمکی به موضوع اصلی بررسی نخواهد کرد، بلکه برآنیم تا تغییرات محسوس سازمان را در جهت

درافتادن با نظام مقدس ج. ا. ا ارائه دهیم. هدف اصلی درواقع نمایش تغییرات تبلیغاتی سازمان در سطح روابط (دیپلماسی) بین‌المللی از طریق تحلیل محتوای وسایل ارتباط جمعی (تلویزیون) سازمان یاد شده است.

به هر حال، علیرغم تکیه سازمان بر اسلام و ادعای تعبیری پویا از آن، حمایت از مستضعفین در سراسر جهان، ستیز امپریالسم به طور عام و اقتصاد مبتنی بر سرمایه داری به طور خاص و ... پس از چندی، این سازمان با نظام ج. ا. ا که با آرای بیش از ۹۹٪ مردم تأیید شده بود به مخالفت پرداخت.

پس از دوران کوتاه و طلایی بحث و انتقاد - که برخی شخصیت‌های متفکر را نیز به خود منتسب کرده و در جریان منازعات سیاسی قرار داده بود - به دلیل وجود اختلافات ساختاری، سازمان برنامه «براندازی مسلحانه» را در پیش گرفت. گرایش براندازی مسلحانه عملاً از خرداد سال ۶۰ آغاز شد.

«مجاهدین خلق با درک واقع بینانه از رژیم و آشتی ناپذیری و متعارض شدن تضاد با رژیم ضدخلق، پس از ۳۰ خرداد، استراتژی قاطعانه، مبارزه مسلحانه و در مرحله اول این استراتژی، ضربه یا ضربات تعیین کننده و فاز یک تهاجمی (تهاجم به هر قیمت و تشکیل آلترناتیو) را در دستور کار خود قرار دادیم.

سرمقاله نشریه مجاهد ۱۲۹ تاریخ ۱۱ آذر ۶۱ چاپ پاریس

با تکیه بر شایستگی سازمان به زعم سابقه مبارزاتی برتر و فداکاری بیشتر از سویی و عدم توانایی مقامات و روحانیون (افراد غیرسازمانی‌ای که تحت عنوان کمیته‌یی و سپاهی در حال سازمان یافتن بودند) در اداره مملکت و پیشبرد آرمانهای انقلابی مردم و نیز طرح این ادعا که برخی سعی می‌کنند سازمان را نفی کرده و در حاشیه قرار دهند، طرح «براندازی کوتاه مدت» مطرح شد. در قالب این طرح، مسئولان سطح بالا و افراد کلیدی یکی پس از دیگری به صورت فردی و گروهی به طور فیزیکی حذف (ترور) می شدند. در یک مرحله بیش از ۷۲ نفر را به شهادت رساندند و در طول یک ماه چندین شخصیت سیاسی - انقلابی را مضروب، مجروح و شهید کردند. این اقدامها تحت برنامه‌یی منسجم و توسط تیمهایی که درجه مسئولیت و وظایف اعضای آن کاملاً روشن و مشخص بود، انجام می گرفت.

همزمان با وسعت یافتن عملیات، تشکیلات نظامی این سازمان شکل گرفت و همراه با کسب تجربیات متعدد به موفقیت‌هایی نیز نایل آمد تا این که به دنبال شناسایی هسته‌های به اصطلاح مقاومت و کشف پی درپی خانه‌های تیمی و از بین رفتن تعدادی از سران و مهره‌های اصلی، سازمان طرحهای «حفظ کلیت سازمان» «خروج از کشور» را جهت مقابله در پیش گرفت.

۲- مرحله معاندت از خارج:

منافقین بعد از خروج از کشور حرکت دیپلماتیک محدودی را به منظور جلب قدرتهای مؤثر، به عمل آوردند. این فعالیتها در سطوح ابتدایی بر جلب نظر مقامهای غربی متمرکز بود، یعنی سعی در تغییر دیدگاه افراد خاص داشت. علاوه بر این، تبلیغات وسیعی را جهت جذب نیرو و برقراری مناسبات جدید و کارآمد به راه انداختند. بنابراین، بهره برداری بیشتر از رسانه ها مورد توجه قرار گرفت و در اولین اقدام نشریات و کتابها (رسانه های چاپی) بسیار منتشر شد.

در این حرکت با اخراج رجوی از فرانسه تا حدود زیادی وقفه ایجاد شد. بنابراین، در سال ۶۵، سازمان در کنار عراق که در آن زمان با ج.ا.ا در حال جنگ بود- قرار گرفت. این حرکت به وضوح سازمان را هرچه بیشتر به سوی نظامیگری کشاند، به نحوی که تمام بار ایدئولوژیکی، فرهنگی و سیاسی سازمان را تحت تأثیر قرار داد. به هر حال، سازمان برای انجام تبلیغات، یک شبکه تلویزیونی را با عنوان «سیمای مقاومت» راه اندازی کرد. این شبکه تلویزیونی هدف خود را رساندن پیام، مواضع و پیشرفتهای نظامی سازمان اعلام نمود و با نام «صدای مجاهد» و «سیمای مقاومت» معرفی شد و نیز به عنوان وسیله ای که بدون به خطر افتادن افراد پیامهای خود را به گوش مردم داخل مرزهای ملی می رساند، برای سازمان حائز اهمیت بود.

۳- مرحله نظامیگری و تثبیت

(جنگ تحمیلی و تبلیغات تصویری منافقین):

در این زمان استراتژی «مبارزه نظامی» با نظام ج.ا.ا طبعاً شکل، ساختار و محتوای برنامه های تبلیغی این سازمان را تعیین و جهت دهی می کرد. از آن جا که استراتژی سازمان در سالهای جنگ حول محور «ارتش به اصطلاح آزادیبخش» قرار داشت لذا تقریباً تمام فعالیتهای تصویری- تبلیغی به انعکاس اخبار و برنامه های عملیات و مانورهای نظامی متمرکز بوده است بررسی برنامه های سیمای به اصطلاح مقاومت در طول این سالها نشان می دهد که تقریباً ۹۰٪ از برنامه ها و مانورهای نظامی متمرکز بوده است.

جهت روشن شدن بیشتر مطلب، برنامه های تبلیغی- تصویری منافقین در طول جنگ تحمیلی را مرور می کنیم:

الف- اخبار: سیمای منافقین در این زمان بخش قابل توجهی از برنامه های خود را به بخش اخبار و گزارشهای خبری اختصاص داده بود. در طول جنگ تحمیلی مهمترین محورهای تبلیغاتی سیمای نفاق در بخش اخبار از قرار زیر بوده است:

- تأکید بر تواناییهای نظامی (گاه حماسه گونه) سازمان
- تأکید بر ضعف و گسستگی نیروهای مسلح ایران و آسیب پذیری آنان

- تأکید بر حمایت‌های مردمی در داخل ایران و خارج از سازمان و عملکرد آن و عدم حمایت مردم از ج. ا. ا.

ب- پیامهای مسئولان رده بالا: در طول دفاع مقدس، بخش عمده‌یی از برنامه‌های سیمای مقاومت به طرح اصول، خط مشیها و راهبردهای سازمان اختصاص داشت. اگرچه هنوز این بخش در برنامه‌های شبکه وجود دارد، ولی در طول جنگ تحمیلی مسعود و مریم رجوی از هر فرصتی جهت ایراد سخنرانیهای طولانی استفاده می‌کردند.

ج- نمایش قدرت نظامی: با استفاده از نمایش تصاویر یکانهای نظامی، بیشترین مانور تبلیغاتی سیمای مقاومت در مورد ارتش به اصطلاح آزادیبخش بود. هم‌چنین با استفاده از تکنیکهای تصویری، رژه تانکها و تجهیزات دیگر و افراد - که انتهای آنها در افق صفحه تلویزیون معلوم نیست - همراه با سرودهای تند نظامی، قدرت نظامی - رزمی خود را به نمایش می‌گذاشتند. بررسی برنامه‌های پخش شده در سالهای ۶۵ تا ۶۷ نشان می‌دهد که اهمیت بخش نظامی برای سیمای مقاومت به حدی است که حتی در چند روز متوالی تصویر پشت سر مجری (زمینه) را، نقاشی مربوط به یک کودک از صحنه‌های نبرد (تانک و کوه و رزمنده) تشکیل می‌داد. علاوه بر این، بررسی محتوای این برنامه نشان می‌داد که بخش عمده‌یی از صحنه‌های رزمی به نمایش درهم ریختگی ظاهری نیروهای نظامی و مردمی ج. ا. ا. اختصاص داشته است.

د- نمایشها: نمایشها در سیمای مقاومت در طول جنگ تحمیلی بیشتر طنزآلود و به‌زعمشان به نقاط ضعف نیروهای نظامی، مسئولان رده بالای نظامی ج. ا. ا. اشاره داشت. این نمایشها به تدریج از حالت طنز خارج می‌شد و به هجو و هزل و استهزا می‌گرایید.

ه- سرودهای شاد همراه با رقصهای محلی: پوشش موسیقی فرهنگ سنتی قومهای شش‌گانه اصلی ایران (کرد، لر، عرب، بلوچ، ترک، ترکمن) وسیله مناسبی است برای پرکردن بخشی از زمان تلویزیون سیمای منافق. بدین طریق، اولاً حالت کسل‌کننده و یکنواخت برنامه‌ها که عمدتاً جنبه سخنرانی و رجزخوانی دارد تا حدودی برطرف می‌شود. از خصوصیات موسیقی قومهای اصیل ایران این است که بخش مهمی از آنها حماسی است بنابراین، کاربردی دوگانه می‌یابند. یعنی، علاوه بر جنبه فرح‌بخشی و سرگرمی به تحریک احساسات قومیتها نیز می‌پردازد. (به عنوان مثال، ترانه لری «دایه، دایه وقت جنگ است» همراه با رقص شاد مردان مسلح و جنگجو)

پاره‌یی دیگر از سرودها که به اصطلاح انقلابی است به بازگویی آرمانها و اصول ارزشهای سازمان می‌پردازد. این سرودها که با تصاویر و صحنه‌هایی متناسب با موضوع سرود از سرزمین ایران و مردم ایران و صحنه‌های جنگ تزیین شده‌اند نیز درواقع بیانگر جنبه مبارزاتی منافقین و درصدد اسطوره‌سازی‌اند.

۴- از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ تا آغاز جنگ عراق علیه کویت (مرحله خیزش نظامیگری):

یکی از مقاطع حساس در تبلیغات منافقین علیه ج. ا. ا. دوره بین پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از جانب ج. ا. ا. تا زمان حمله عراق علیه کویت بوده است. در این دوره منافقین به توسعه برنامه های تبلیغی - به خصوص تصویری - پرداختند. ایجاد استودیوی جدید، افزایش کادر نفرات و تمرکز فعالیتهای تصویری بر روی وقایع جنگ و مانورها از جمله اقدامهای آنان بود.

در طول این مدت حجم قابل توجهی از برنامه های سیمای نفاق، برنامه های صرفاً نظامی و جنگی بود و سعی داشت روحیه هواداران خود را بالا ببرد. بعد از این مقطع، تحول جدی در برنامه های تبلیغاتی منافقین به وجود آمد. دوره فوق را می توان دوره «حداکثر نظامیگری سیمای نفاق» دانست.

۵- مرحله چرخش (سیر تبلیغات تصویری منافقین بعد از جنگ تا به حال):

از سال ۷۲ سیر تبلیغاتی تصویری و تحولات اساسی در برنامه های تبلیغاتی منافقین نیاز به ژرف نگری دارد. از این زمان به بعد، منافقین در دو عرصه منطقه ای و جهانی اقدام به دو گونه از تبلیغات تصویری (که تا حدودی متمایز از هم بود) کردند: «سیمای مقاومت» در عراق برای منطقه و «سیمای آزادی» در کشورهای اروپایی و آمریکایی. البته، هیچ یک از دو تلویزیون یادشده ماهیتاً از هم متمایز نیست، بلکه شرایط محیطی - منطقه ای و ضرورت های سیاسی - اجتماعی در تمایز صوری آن نقش دارد. حرکت تبلیغات صوتی - تصویری منافقین در این دوره (دوره چرخش به سمت سیاسی گری با حفظ موقعیت نظامی) را باید در ابعاد وسیعتری که «تبلیغات» به معنای عام در سازمان می باشد، بررسی کرد و سپس به طور اخص تبلیغات تصویری آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

در سطح کلی، منافقین برای پیش بردن وجهه تبلیغاتی خود دفاتری در سراسر غرب اروپا، آمریکا، کانادا، استرالیا و خاورمیانه تأسیس کردند. درواقع، این حرکت از سال ۱۹۸۱ زمان خروج از ایران آغاز شده بود. دفاتر مذکور، مسئول هماهنگی و برقراری روابط مردمی نیز بود. از این رو، در جهت این ارتباط در جنبه های گوناگون، شروع به اقدامهای گسترده تبلیغاتی (با شیوه هایی که نشان از چرخش حرکت تبلیغاتی بود) کردند. از آن جا که غرب با انقلاب اسلامی ماهیتاً در ستیز است، منافقین از فضای روانی غرب علیه ایران استفاده کرده و در تبلیغات همه جانبه، خود را «جایگزین نظام ج. ا. ا.» معرفی کردند تا با این حربه به دستیابی حمایت های سیاسی و مالی غرب نایل گردند.

طرح «جدایی دین از سیاست» و تبدیل اصول ملی سازی به خصوصی سازی و ... نشانه‌هایی از چرخش کلی است. این ویژگیها و حرکتها را می‌توان به طور اختصاصی تر و آشکارتری در تبلیغات تصویری منافقین در سالهای اخیر (مخصوصاً در اروپا و آمریکا) مشاهده کرد. از همین رو دوره قابل توجهی از برنامه‌های سیمای نفاق را مورد بررسی قرار داده‌ایم تا روند کلی و چگونگی تغییر تبلیغاتی و شگردهای آنها در تبلیغات تصویری بیشتر آشکار گردد.

بخش دوم

شگردهای تبلیغاتی

مدل ۱ - ایجاد فاصله اجتماعی

الف- بعد شناختی: برنامه‌های تلویزیون مورد بررسی به نحوی طراحی می‌شوند که به گونه‌ی مستند، ضدگفته‌های دولت را به اثبات برسانند. این روش باعث تعارض می‌شود و چنانچه زمینه‌های ذهنی منفی هم وجود داشته باشد، باعث خشی سازی و جهت تبلیغی نظام می‌گردد. به عنوان مثال:

- **تلویزیون ۴۴۵** باپخش گزارش مسووطی گفت: رژیم ایران با تنگناهای بی سابقه‌ی مواجه است. اقتصاد رژیم در وضعیت مایوس کننده‌ی به سر می‌برد و بار بدهیهای عظیم خارجی بر دوش این کشور سنگینی می‌کند.
- **۴۴۵** افزود بر اساس گفته کارشناسان نارضایتی مردم در ایران به نقطه جوش و غلیان خود رسیده است و بی ثباتی و آشفتگی بیشتری رژیم را در خود فرو خواهد برد.
- **۴۴۵** در ادامه گفت: مقاومت ایران همواره بر سرنگونی محتوم این رژیم تأکید کرده است. اکنون پیش بینی می‌کنند که اعتراضهای مردمی این رژیم را هر چه بیشتر به سرنگونی نزدیک می‌کند.

نگاه کلی به مصاحبه‌های پخش شده از چند برنامه سیمای آزادی

مصاحبه در مورد دادگاه برلین با آقای «دیران» به عنوان ناظر دادگاه
 س: آقای دیران ... ما را در جریان آخرین تحولات دادگاه قرار دهید.
 ج: با عرض سلام خدمت هموطنان عزیزم: دادگاه برلین یا میکنونوس دادگاهی است که حدود ۵ ماه ادامه دارد و تا حالا ۳۹ جلسه داشته است ... حضور «اشمیت باور» وزیر مشاور در دفتر صدراعظم و بالاترین مقام اطلاعات و امنیت آلمان ویژگی این جلسه دادگاه است. این فرد یکی از طرف حسابهای مذاکرات اصلی رژیم (امام) خمینی است که تا حالا به آلمان آمده بود، به خصوص با آخوند روحانی، آخوند فلاحیان وزیر ساواک رژیم و لاریجانی. به همین دلیل حدس زده می‌شد، اطلاعات زیادی داشته باشد و در

اختیار دادگاه قرار دهد. علت اصلی حضورش ... در یکی از مصاحبه ها گفته بود اگر آدم از جزئیات اطلاع داشته باشد ممکن است به نتیجه دیگری برسد.

س: این جزئیات چه بود؟

ج: ایشان که چهار بار مورد سؤال قرار گرفته بودند، این مسأله را قبلاً طرح نکرده بودند، ایشان در روزهای ششم و هفتم اکتبر ۷۳ از حقایقی که مربوط به ملاقاتهایی که با خود فلاحیان داشته است، پرده برداشت. ایشان به راحتی به سؤالها جواب نمی دهد، ولی از مجموع صحبتها نتیجه گرفته می شد که رژیم حداقل چهار بار با خود «باور» صحبت کرده و مسأله دادگاه برلین را مطرح کرده و نیز خواستار این شده تا دادگاه پا نگیرد و حتی یکبار صحبت از این شده که افرادی که دستگیر شدند، هم چون کاظم دارابی و ... اینها بیگناه هستند. درواقع با اسم بردن از این ۵ نفر نشان می دهد که اینها به خودش ربط دارند.

س: واکنش مطبوعات و رسانه ها در مورد تحولاتی که در دادگاه پیش آمد را توضیح بدهید؟

ج: قبل از این که اشمیت باور راجع به این مسأله به دادگاه بیاید، در مطبوعات خبرهایی بود. خود روز دادگاه هم برای اولین بار بود که من این حجم از خبرنگارها را در دادگاه می دیدم (صحنه هایی از دادگاه و تجمع خبرنگاران) که تقریباً در صدر اخبار در آلمان قرار گرفت، همه روی این نکته دست می گذاشتند که وقتی رژیم تصمیم داشته تا دادگاه پا نگیرد، دخالت مستقیم در این قضیه داشته است.

س: به عنوان آخرین سؤال، تأثیر تحولات اخیر دادگاه روی محافل سیاسی ایران خارج کشور چه بوده؟

ج: تأثیر دادگاه به خاطر این است که با زندگی ایرانیان خارج از کشور در ارتباط است. من با صحبتهایی که داشتم چند مسأله را روشن کرده ام:

۱- در ماهیت تروریستی رژیم هیچ تغییری ایجاد نشده و الحق هر چقدر هم رژیم می خواهد ادا و اطوار و شکلکهای مدرن از خودش نشان بدهد، صحبت از دعوتهای ایرانیان به داخل بکند.

۲- صحت و حقانیت مواضع مقاومت ایران و سلامت و صحت سیاسی آن است. آقای رجوی بارها تأکید کردند، سلامت مناسبات نیروهای سیاسی ایرانی همواره در گرو مرزبندی قاطع و مشخصی است که این نیروها در قبال دیکتاتوری آخوندی دارند. عدول از این اصل، توسط هر کس و هر جریان سیاسی چه به صورت مذاکره سیاسی و چه به صورت چشمک و چراغ زدن مستقیم یا غیرمستقیم به رژیم، نشان داده که عواقب وخیمی به دنبال خود دارد. دادگاه برلین نشان داده که عدول از این اصل تنها می تواند راه بازکن رژیم باشد.

ب. بعد عاطفی: در این بعد اسامی و القاب یا واژه‌هایی که بار عاطفی منفی دارند، در کنار اسامی شخصیتها و آرمانها و هدفها آورده می‌شوند. این فرآیند موجب انتقال بار منفی واژه‌ها و... به شخصیت، آرمان و هدف می‌گردد و بنابراین، ایجاد نفرت می‌کند. به عنوان مثال:

- دولت نروژ یک دیپلمات تروریست (امام) خمینی را اخراج می‌کند.
 - پرویز خزائی عضو و نماینده شورا در کشورهای اسکاندیناوی در مورد جریحه‌دار بودن افکار عمومی و سازمانهای دولتی نروژ، از اقدامات تروریستی «دیپلمات تروریستهای» ایرانی توضیحاتی می‌دهد.

- رژیم آخوندی در ایام نوروز ۳۷۰ نفر را به جرم ایفای نقش حاجی فیروز دستگیر کرد که به گزارش خبرگزاری فرانسه دستگیرشدگان با لباس حاجی فیروز در خیابانهای شهر تهران به جشن و سرور پرداخته بودند. رژیم (امام) خمینی در ایام نوروز تمام نیروهای سرکوبگر خود را برای جلوگیری از برگزاری جشن نوروز بسیج کرده بود.
 - مصاحبه و نمایش مردم فقیر در حلبی‌آبادها و گودهای اطراف تهران مردم فقیر کشاورز و کارگر و حاشیه‌نشین.

- مصاحبه با کودکان فقیر که در شرایط بسیار بد بهداشتی و... به سر می‌برند.
 - مصاحبه با رزمندگان کم سن و سال که در طول جنگ تحمیلی به اسارت عراق درآمده‌اند با معلولیت جسمی و روحی در شرایط رقت بار (در اسارت) به سر می‌برند.
 در تمام این موارد به صراحت (از طریق گفتار)، نظام ج. ا. مقصر تلقی می‌شود.

مصاحبه دکتر قصیم با مریم رجوی به عنوان به اصطلاح رئیس جمهور ملت ایران در این مصاحبه عکسی از مرحوم دکتر مصدق در پی زمینه تصویر دیده می‌شود و در طول مصاحبه، مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شونده تلاش می‌کنند تا ثابت کنند که سازمانشان دمکراتیک است و سعی می‌کند در آینده دمکراسی را برای ملت ایران به ارمغان آورد.
 در قسمتی از این مصاحبه مریم رجوی می‌گوید: شاخص زنان به عنوان شاخصی برای دمکراسی در سازمان نمونه بسیار خوبی است... چرا که مظلومترین نیروی جامعه زن است.

از روی وضعیت زنان می‌توان بقیه شاخصهای دمکراسی را اندازه‌گیری کرد چون وجود زنان فرمانده رزمنده در مجاهدین نشانه دمکراسی است.

هجو و تحقیر مقامهای عالیرتبه نظام ج. ا. ا.

در برنامه‌های سیمای آزادی، طنز یا به عبارت بهتر هجویه جایگاه اساسی بی‌یافته است. در بیشتر موارد سخنان و ظاهر و رفتار شخصیتهای بالای نظام ج. ا. ا. مانند مقام معظم رهبری، رئیس جمهور و علمای بزرگ اسلام موضوع این نمایشهاست. روش

کار بدین صورت است که با آرایش، افرادی را به شکل و شمایل شخصیتهای مورد نظر درآورده و با تقلید صدا و دستکاری گفته‌های شخصیت مورد نظر به هجو گفته‌ها، هدفها و آرمان آنان می‌پردازند.

مدل ۱: نمایش سیاه‌بازی که بیشتر به مناسبت اعیاد مخصوصاً عید نوروز پخش می‌شود، از محتوایی رکیک برخوردار است و به ناسزاگویی مقامهای عالیرتبه نظام جمهوری اسلامی می‌پردازد.

یکی دیگر از هجویه‌های سیمای آزادی به هجو برنامه‌های تلویزیونی جمهوری اسلامی از جمله اخبار می‌پردازد. در این جا، علاوه بر محتوا سعی می‌شود ظاهر افراد و محیط استودیو نیز به صورتی کاریکاتورگونه مورد هجو و تحقیر قرار گیرد.

نمونه‌های دیگر:

- هجو اعتراض ایران به فرانسه به خاطر دادن پناهندگی به منافقان.
- هجو رفتارهای رئیس جمهوری در سفر به قزاقستان با استفاده از نمایش صحنه‌هایی از اسب پیشکش قزاقها به ایشان و نیز هنگامی که کلاه سنتی (ظاهراً سمبل) دانشگاه قزاقستان با دست یکی از شخصیتهای علمی بر سر آقای رئیس جمهور قرار گرفت.
- هجو اخبار ورزشی تلویزیون ج. ا. ا (احکام داخل هیجده قدم زمین در جامعه).
- تقلید قیافه و صدای جناب رئیس جمهور در مورد کمبودهای موجود در جامعه
- هجو قیافه و صدای رهبری هنگام پیام نوروزی.
- هجو قیافه و صدا و رفتار مجریان تلویزیون جمهوری اسلامی.

اتصاف صفات مردمی قابل قبول و گرایش به خصیصه‌های فرهنگی - مردمی

به‌طورکلی آن دسته از القاب و مضامینی که در طول تاریخ محبوبیت یافته‌اند و به نحوی در ادبیات و فرهنگ عامه تثبیت شده‌اند و به‌طور ضمنی و با صراحت به خود نسبت می‌دهند و نقطه‌های مقابل را درخور و شایسته طرف مقابل نظام جمهوری اسلامی می‌دانند. به عنوان مثال به دو بیت از یک قصیده بلند که به مناسبت نوروز قرائت شده است توجه کنید:

در پهنه گلزار وطن خیمه زده لشکر گلها

مغرور برافراشته انبوه دو صد پرچم گل را

از برق نگاه گل خورشید وطن

صد نیزه نور است بر این دشت و دمن

یا فریدون در مقابل ضحاک و تشبث به مصدق به عنوان سمبل دموکراسی و آزادیخواهی.

در برنامه مخصوص حاجی فیروز که به عنوان سمبل فرهنگی و طنزپرداز معمولاً

سوزده است، از زبان حاجی و دستیارش اشعاری قرائت می گردد.

تأیید و تأکید بر وجوه آرمانی سازمان از زبان افراد سرشناس

مصاحبه با «استاد جلال گنج‌آه ای مسئول کمیسیون مذاهب و آزادی ادیان»، (این مصاحبه بدون نمایش مصاحبه کننده و بدون پخش سؤال ایشان، به لزوم شرکت در «تظاهرات» ۳۰ تیر مربوط می شود، جلال گنج‌آه ای با لباس روحانیت نمایش داده می شود).

گنج‌آه ای: ما ملت ایران هستیم به خاطر این که مریم رجوی را داریم و این شناسنامه و هویت ماست. بنابراین، روز سی ام تیر آینده را من روز بالا گرفتن سرمان، روز افتخار کردن به عنوان یک ایرانی، روز اظهار برائت واقعی از ننگی که (امام) خمینی با نام خودش به تاریخ ما پاشید ارزیابی می کنم و از این بابت خیلی خوشحالم که تظاهراتی برپا می شود و خیلی خوشحال خواهم شد هر ایرانی این احساس منو داشته باشه یا من بتونم بهش منتقل بکنم. البته، هموطنان ما احتیاج ندارند با شور ملی و ادراک ایرانی که دارند با این احساس به خیابانها بیان.

مصاحبه شونده خانم ناهید همت آبادی، خواننده اپرا: «امسال سالی است که برای اولین بار پس از چند سال خانم رجوی به عنوان رئیس جمهور در خارج حضور دارند و امسال با حضور رئیس جمهور مقاومت و همبستگی و وصل کردنها و محبتها و عشقهای همه ایرانیهایی که دلشان برای آزادی و صلح و رهایی می تپد. این سالی است که ما بتونیم حضور ایشان و سال همبستگی را که به علت حضور ایشان تثبیت شده جشن بگیریم. به همین دلیل نه تنها خودم شرکت می کنم از تمام ایرانیان خواهران برادران و به عنوان یک زن ایرانی به عنوان مادر دو رزمنده ارتش آزادیبخش که از حضور رئیس جمهور الهام می گیرند می خواهم که در این راهپیمایی شرکت کنند و انشاءالله آخرین حضور ما باشد در غربت و سال دیگر جشن آزادی را در ایران برگزار کنیم».

و مصاحبه شونده «حسن نایب آقا عضو شورای ملی مقاومت و ملی پوش فوتبال ایران». سی ام تیر در گذشته حول شخصیتی چون مصدق و حالا حول محور خانم مریم رجوی شکل می گیرد.

مشروعیت دادن به خوانندگان نسبتاً قدیمی و باز شدن باب ترانه در تلویزیون

به دنبال تحولاتی مبنی بر جذابیت و جذب جوانان در یک مرحله، سیمای مقاومت و سرودهای (یا به عبارتی ترانه های) شاد محلی همراه با رقصهای محلی در دستور کار قرار گرفت. این سرودها علاوه بر ایجاد تحرك و جنبش در جذب گروههای قومی و همبستگی ملی به برنامه ها جنبه های سرگرم کنندگی می داد.

با راه اندازی «سیمای آزادی» در اروپا، سازمان طرحی دیگر برای جذابیت در انداخت و با دعوت برخی از خوانندگان قدیمی گامی دیگر برداشت که رویه موسیقی را از سرود

به سوی ترانه می‌راند. البته، ترانه‌های این خوانندگان با توجه به قدیمی بودن و نیز اجرای همان ترانه‌هایی که در گذشته اجرا کرده‌اند، ممکن است جنبه نوستالژیک داشته باشد و افراد مسن را که با آهنگها و نغمه‌ها آشنایی دارند جذب کند. این افراد که اکنون از لحاظ اقتصادی فعالند، می‌توانند جهت کمکهای مالی به سازمان تحریض شوند.

این خوانندگان در قالب کنسرتها برنامه اجرا می‌کنند و هدف کنسرتها هم یا جمع‌آوری اعانه است یا تبلیغ و تحریض برای برانگیختن هواداران و سایر ایرانیان مقیم خارج کشور. فضای کنسرتها نسبتاً ساده است و از تجمعات صحنه‌یی کمتر استفاده می‌شود.

اخیراً تلویزیون سیمای آزادی به سوی بخش وزین تر مطربی سابق، خوانندگانی چون مرضیه، داریوش، عارف و ... روی آورده است. درواقع توانسته است این افراد را جذب کند و از صدا و محبوبیت آنان در بین اقشار جوان استفاده کند. بدین ترتیب، مضامین اشعار را که از سویی بیانگر جنبه‌های آرمانی و اصولی سازمان است و از سوی دیگر جمهوری اسلامی و ارزشهایش را به مبارزه می‌طلبد، به نحو موثرتری در اذهان مخاطبان القا می‌کند.

استفاده از سبملها و تکنیکهای تصویری جهت القای نگرشهای مثبت

پرچم:

همانگونه که گرایش سازمان به رویکردهای ملی جهت نمایش وجهه دموکراتیک، پرچم ایران به‌زعم این سازمان که داعیه حکومت بر مردم ایران را دارد و حتی رئیس‌جمهور خود را نیز تعیین کرده است - همان پرچم قبل از انقلاب است. به‌طورکلی، در جهت جانداختن منش دموکراسی‌مآبانه، تصاویر سبملهای ملی در برنامه‌های سیمای آزادی به‌کرات دیده می‌شود. و حتی چهره‌های شاخصی هم چون مرحوم دکتر محمد مصدق که مظهر آزادیخواهی ملت ایرانند، مستمسک مصاحبه‌های جهت‌دار قرار می‌گیرند و از عکس آنان نیز جهت تزئین اتاقهای مصاحبه استفاده می‌شود.

به‌طورکلی، نسبت به گذشته استفاده از پرچم سه‌رنگ ایران همراه با شیروخورشید در مراسم، راهپیمائیه‌ها، تزئین صحنه‌های سخنرانی و ... تأکید شده و در تصاویر تلویزیونی به چشم می‌خورد.

واژه‌ها:

گفتار رهبران، اعضا و کسانی که در سیمای آزادی مورد مصاحبه قرار می‌گیرند و نیز گفتار مجریان برنامه‌های مختلف بر یک دوآلیسم لغوی استوار است. یعنی واژه‌های اساسی به دو گونه بسیار مثبت و منفی به کار گرفته می‌شوند. بدین ترتیب که جنبه منفی

به نظام ج.ا.ا. منتسب می گردد. جنبه مثبت به سازمان یا عوامل مربوط به سازمان منتسب می شود. برخی از این واژه ها عبارتند از: آزادی در برابر استبداد دینی، نور در برابر تاریکی و ظلمت، دانا و مدبر در برابر نادان و جاهل و ارتش بهار در مقابل پاسداران سیاهی و زمستان و ... در ضمن، فضایی از مفاهیم که در زبان عوام یا در بین قشری خاص نشانه عقب ماندگی اند، به کار گرفته می شود، مانند ملا که در اصل لغت کم و کسری ندارد، ولی جهت تمسخر به کار گرفته می شود. واژه هایی هم چون رژیم آخوندی، آخوندهای زن ستیز، در برنامه های طنز به مخالفت شدیدی می گرایند.

تکنیکهای تصویری:

در بین برنامه های اصلی، زمان کمی هم برای نمایش تصاویر وجود دارد که عمدتاً جنبه نمادین دارند. مانند: ذوب شدن برفها در برابر نور خورشید، باز شدن غنچه های گل و پایان زمستان، گسترش تدریجی نور و از بین بردن سیاهی، تظاهرات مردم و نمایش صحنه هایی از مانورها و انبوه سلاحها و ... و نیز صحنه هایی از فقر و مسکنت مردم ایران، حلیی آبادها، افراد محلی و بومی و ... نیز در این فاصله زمانی نمایش داده می شوند. معمولاً روی این تصاویر، آهنگهای تند و هیجان انگیز و هرجا که لازم باشد آهنگهای حزن انگیز پخش می شود.

وضعیت ظاهری:

آن جا که افراد سازمان در محیطهای نظامی تصویر می شوند، در لباس فرم نظامی مربوط به سازمان نمایش داده می شوند. این لباس برای مردان و زنان و فرماندهان یکسان و یک شکل است و زنان از روسریهای صورتی رنگ روشن استفاده می کنند، اما هنگامی که در محیطهای اداری و در محیطهای خارج از عراق به تصویر کشیده می شوند به لباسهای معمولی و لباسهای رسمی ملبس اند. در جهت نمایش چهره یی دمکراتیک، تمام دست اندرکاران تلویزیونی و افراد رسمی کت و شلوار می پوشند و از کراوات استفاده می کنند.

در هیچ یک از این تصاویر، مریم رجوی در لباسی غیر از لباس فرم نظامی یا رسمی تصویر نشده است و از وسایلی که معمولاً خانمها استفاده می کنند مثل کیف، زیورآلات پر زرق و برق استفاده نمی کند.

بدین ترتیب در برنامه های سیمای آزادی در پس شاخ و برگها تلاش می شود تا پنج عنصر (محور) کلی در لفافه های گوناگون تبلیغ شود. این پنج محور که شرایط زمانی و جهانی و ضرورت تلاش برای نمایش چهره آترناتیو نظام ج.ا. سازمان را به القای آنها واداشته است عبارتند از:

۱- دمکراسی

۲- فمینیسم (زن گرایی)

۳- حقوق بشر

۴- تروریسم

۵- جدایی دین از سیاست

رسانه‌های سازمان تلاش می‌کنند با تکیه بر این پنج عنصر به دنیای غرب بفهمانند که جانشین مناسبی برای نظام جمهوری اسلامی اند. می‌دانیم که وزارت خارجه آمریکا در آخرین گزارش مربوط به این گروه، آن را «اساساً غیردمکراتیک» خوانده است، در گزارش وزارت خارجه آمده است: «سازمان مجاهدین که اکثریت ایرانیان از آن پرهیز می‌کنند، و به طور اساسی غیردمکراتیک است، بدیل مناسبی برای حکومت کنونی ایران نیست. مجاهدینی که به سرنگونی شاه کمک کردند و در دهه ۱۹۷۰ دست کم شش آمریکایی را کشتند».

لازم به ذکر است که مسئولان سازمان برای رد اتهامات وارده، پاسخی ۴۰۰ صفحه‌ای برای مسئولان آمریکایی تهیه کرده‌اند. اینک در مورد پنج محور (عنصر) اساسی که شالوده برنامه‌های سیمای آزادی را تبیین می‌کند، مختصر توضیحاتی داده می‌شود:

۱. دمکراسی: «سازمان مجاهدین خلق ایران» اساساً کلی‌گرا و مبتنی بر ایدئولوژی خاص است. این ایدئولوژی همانا بر تعبیر و تفسیر خاصی از دین اسلام و به طور سنتی، این تعبیر و تفسیر بر آن بخش از آیه‌های قرآن و احادیث و نیز زندگی بزرگان دین که بیشتر در حوزه شیعه‌اند تکیه می‌کند و دستمایه‌های تبلیغی خود را نیز از این حوزه می‌گیرد. از سوی دیگر، این تعبیر و تفسیر از تحولات سیاسی معاصر نیز تأثیر پذیرفته و درواقع از نظر تئوریک خود را با جناح چپ (چپ به طور کلی) موافق می‌یابد. و به اصطلاح، امپریالیسم ستیز است. اکنون نیز به انبوهی از تصاویر، واژه‌ها و بیان اندیشه‌های آمل‌گرایانه مسئولان و طرفداران آن بر مبارزه برای احقاق حق و درواقع رویارویی و قهر و غلبه گروه تحت ستم و فقر و بیچارگی با گروه مرفه جامعه برخورد خورده.

تغییر و تحولات سیاستهای کلی جهانی و نیز منطقه‌یی باعث شده تا سازمان تغییر و تحولات شگرفی را در مواضع خود به وجود آورد. این تغییر و تحولات، سازمان را به آن سمت سوق داده تا سعی کند در برنامه‌های خود چهره‌یی آزادمنش و دمکرات مآب از خود نشان دهد. به همین دلیل، کلماتی چون آزادی، رهایی، استبداد و... زیاد به کار برده می‌شوند. اما می‌دانیم که این کلمات از نظر تعریف، فضای مفهوم گسترده‌یی دارند. بنابراین سعی می‌شود تا در مصاحبه‌ها و گزارشهای خبری که از مجامع و

محافل سیاسی تهیه می شوند، رویه های دموکراسی مآبانه رعایت شوند. تلاش سازمان در برقراری ارتباط با پارلمانهای کشورهای اروپایی و آمریکایی و نیز اتحادیه ها و سندیکاها و ... مؤید این گفته است.

۲. فمینیسم (زن گرایی): در اصطلاح علمی «نهضتی اجتماعی است که هدف آن احراز پایگاه مساوی با مردان در زمینه های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی برای زنان است» این نهضت که از دستاوردهای پیشرفت دانش در زمینه های شناخت علوم انسانی محسوب می شود مانند هر مفهوم دیگری به جهان سیاست و تبلیغات وارد شده و به طور کلی به عنوان یکی از شاخصه های جوامع باز (دموکراتیک) محسوب می شود. اگرچه هنوز تبیین ها و تحقیقات علمی در این زمینه به نتایج قابل ملاحظه ای نرسیده است. ولی نظام غرب از این مفهوم در جهت تبیین یک انگاره که متمایزکننده نظامهای استبدادی (یا به زعم آنها شرقی) با نظامهای دموکراتیک (یا به زعم آنها غربی) است، استفاده می کنند.

به هر حال از بدو انقلاب اسلامی در ایران، سازمان منافقین نیز مانند سایر گروهها و بلکه بیشتر از آنها برای عموم شناخته شد. راه و روش انقلابی آن سازمان که مبتنی بر تهییج بود، جوانان زیادی را به خود جذب کرد. در بین این جوانان، دختران جوان بسیاری وجود دارند که بر این باورند که مواضع سازمان و نیز فعالیتهای خود را به عنوان بیداری شعور سیاسی و آگاهی اجتماعی تلقی کرده و در جهت ایده مفید بودن برای خلق و خدا به عنوان وظیفه انقلابی - اجتماعی و آرمانی خود را به انجام رسانند. می توان گفت گرایش به مسئولیت دادن به زنان و دختران تا حد زیادی ارضاکنده آن بخش از ایده های مکنون در برخی از روایات و آیات بود که اینک به یمن تفسیرهای اعضای رده بالای سازمان شکافته می شد و به مقتضای جامعه ستمشاهی آن زمان که سرخوردگی و پوچی مخصوصاً جامعه زنان را فرا گرفته بود، به سرعت در بین تعداد زیادی از دختران و پسران جوان نفوذ می کرد. قدرت این نفوذ تا جایی بود که آنها را برای هرگونه فداکاری در راه آرمانهای سازمان آماده می کرد.

با وجود این زیربنا، تلاش سازمان در خصوص نمایش این وجهه برای جهان غرب کاری مشکل نیست. آنان سعی دارند تا این وجهه را هر چه بیشتر و بهتر به جهان غرب معرفی کنند. بعد از تماس با سازمانهای جهانی که حامی این رویکردها هستند وسایل ارتباط جمعی وابسته به سازمان، بهترین نمایش دهنده این وجهه اند. در برنامه های جدید سازمان مخصوصاً آنها که تحت عنوان سیمای آزادی در اروپا پخش می شوند پرداختن به این بعد به عنوان دستمایه تبلیغاتی به خوبی نمایان است:

۱. مریم که به عنوان رئیس جمهور ملت ایران معرفی شده است، با نام فامیل شناسنامه یش چنان که در جامعه ایران مرسوم است خوانده نمی شود بلکه بین اعضای

سازمان و نیز در کلیشه های تبلیغاتی با عنوان مریم رجوی از او نام برده می شود.

۲- بسیاری از فرماندهان بخش نظامی سازمان را زنان تشکیل می دهند.

در میان پرده ها و تصاویر زمینه برای سرودها و مانورها و ... زنان در وضعیتهای مختلف در حالی نمایش داده می شوند که به کارهای مردانه می پردازند مانند راندن تانک، هدایت هلیکوپتر، عملیات سخت نظامی، رژه و ... برای ورود به این شرایط، سازمان بسیاری از قیدهای مذهبی را به نحوی تفسیر و تأویل کرده تا مشکلی پیش نیاید. یک روی دیگر فعالیت تبلیغاتی سازمان، نمایش چهره یی منفی از نظام جمهوری اسلامی و رفتار آن نظام با زنان است. این بعد، فقر، بیسوادی، ستم، تسلط نابخردانه مردان و انواع حق کشیها در مورد زنان را به گونه یی سیاه و سفید به تصویر می کشد. به عنوان مثال، به مناسبت روز جهانی زن (۱۷ اسفند، ۸ مارس) برنامه یی مفصل در تلویزیون آن سازمان پخش شد که علاوه بر استفاده از فیلمها و صحنه های رقت آور در مورد زنان کارگر، اظهارات برخی از مسئولان را انتخاب کرده و با درج آنها بر روی صفحه تلویزیون این پیامها را چنین منتقل کرد:

یک نماینده مجلس رژیم: زنان باید بپذیرند که مردان بر آنان حاکمند و جهان نیز باید بداند که این مرد است که حکمفرماست.

یک نماینده مجلس رژیم: زنان را باید در ناآگاهی نگه داشت تا مطیع باشند.

حجت الاسلام رفسنجانی: عدالت به این معنی نیست که هر قانونی وضع شد برای مرد و زن یکسان باشد.

امام خمینی: خانه نشینی زنان و مهجور بودن آنها از امور اجتماعی، لازمه تضییع بقای نوع است.

یک روزنامه: وظیفه قانونی زن اطاعت از شوهر است و این همانند اطاعتی واجب در شعاع اطاعت خداست.

یک امام جمعه رژیم: عروسی که شوهرش از دستش عصبانی باشد خداوند نمازش را قبول نمی کند.

(نمایش صحنه هایی از کتک خوردن زنان توسط مردان و شلوغی دادگاه)

اشاره به قوانین «زن ستیز» رژیم:

ماده ۱۱۴: هر مرد می تواند همسر خود را از ادامه اشتغال باز دارد.

ماده ۱۱۰: در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص شوهر است.

ماده ۱۱۳۳: مرد می تواند هر وقت بخواهد زن خود را طلاق دهد.

ماده ۱۱۶۱: حق حضانت یا نگهداری اطفال بعد از طلاق با مرد است.

تبصره ماده ۱۲۱۰: سن بلوغ دختران ۹ سال قمری است.

تبصره ۱۰۴۱: عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی صحیح است.

این گفته ها علاوه بر این که با خط درشت روی صفحه تلویزیون نوشته می شوند، با آهنگهای بسیار غمناک و تصاویر نمادین (مثل لکه های سیاه ابر بر روی ماه و ...) همراه است.

۳. حقوق بشر: هم‌نوا با تبلیغات جهان غرب علیه نظام ج.ا.ا. وسایل ارتباطی سازمان نیز بر مسائلی که به زعم غربیان علیه حقوق بشر است و در قلمرو نظام ج.ا.ا.، جاری است، انگشت گذاشته و با روش بزرگنمایی، این گونه مسائل را مطرح می کند. کاربرد فراوان واژه های «ضدبشر»، «دیکتاتوری ضدبشری آخوندی» و لفظهایی که برای حاکمان و سیاستهای آنان به کار برده می شود، مانند «سیاستهای قرون وسطایی» و ... تبلیغات لفظی گویندگان سازمان را تشکیل می دهد.

مرضیه خواننده معروف زمان طاغوت، در یک سخنرانی در انجمن قلم نروژ مریم رجوی را با آب و تاب فراوان به عنوان «کاوه امروز ایران» معرفی می کند. کاربرد چنین عنوانی خود حکایت از عمق این مطلب دارد که سازمان تلاش دارد تا نظام ج.ا.ا. را در ردیف یک نظام ستمگر (مستبد و خودرأی) و در ردیف حکومت ضحاک با احکام قرون وسطایی قلمداد کند.

مرتب آمار و ارقام داده می شود که مثلاً ۸۰٪ دانش آموزان یک استان و ۹۵٪ معلمان آنها اجباراً به جبهه های جنگ ۸ ساله روانه شده اند و ... نیز تصاویری را از پاترولهای گشت، بگیر و ببندها و شلوغیها به عنوان عدم وجود کمترین آزادی به کرات به نمایش می گذارند.

علاوه بر این

- خواندن گزارشهای گروههای پارلمانی اروپا در مورد تضییع حقوق بشر در ایران
- ذکر آمار و ارقام در مورد اعدامها و شکنجه ها و ...
- ذکر آمار و ارقام در مورد خودکشیها، خودسوزیها و سرخوردگیها
- ذکر بیان بیکاری و وضعیت بد اقتصادی

از مواردی است که جهت عاطفی کردن موضوع همراه با آهنگ غمناک و ... به آنها پرداخته می شود.

۴. تروریسم: این مفهوم نیز هم چون مفهوم حقوق بشر دستمایه تبلیغاتی وسایل ارتباط جمعی سازمان است. به طور کلی در اخبار این تلویزیون، گفته های تلویزیونها، روزنامه ها، مقامها و شخصیتهای معارض با نظام جمهوری اسلامی برجسته شده و پخش می شوند تمام قتلهای ایرانیان خارج از کشور به نظام ج.ا.ا. نسبت داده شده و همراه با اعدامهای داخل، سرکوب تظاهرات و ... مورد تأکید قرار می گیرند.

بنگاههای خبرپراکنی آمریکا و اسرائیل، فرانسه و انگلیس بیشتر در قالب چهار مفهوم «تروریسم بین المللی»، «تروریسم مذهبی (عقیدتی)»، «حمایت و همکاری با تروریسم»

و نیز «تروریسم دولتی» به پخش اخبار جهت مخدوش کردن چهره نظام می پردازند. ولی وسایل ارتباط جمعی سازمان بیشتر واژه ها را به صورت احساسی و شعارگونه به کار می برد. برخی از این الفاظ عبارتند از: رژیم تروریست پرور، رژیم تروریستی، تروریسم افسارگسیخته رژیم، حاکمان خون ریز و ... این واژه های تبلیغاتی به کار برده شده از طرف رادیو عراق در زمان جنگ تحمیلی است.

۵. جدایی دین از سیاست: تبلیغات سازمان اخیراً این گونه می نماید که دین از سیاست جداست. یکی از نمودهای بارز این نکته این است که قوانین نظام جمهوری اسلامی که از شرع برگرفته شده اند، به عنوان قوانین قرون وسطایی و ارتجاعی نفی می شوند و روشهای غربی در برخورد با مصادیق قوانین تأکید می شوند.

نتیجه گیری:

در جمع بندی کلی نمی توان روالی را که وسایل ارتباط جمعی سازمان در پیش گرفته اند، نادیده گرفت. این روال ممکن است به تغییر نگرشها بیانجامد و زمینه را برای تصمیم گیریها در سطوح بالای مقامات سیاسی کشورهای مورد توجه ایران آماده کند. در گزارش وزارت خارجه آمریکا آمده است: «سازمان مجاهدین در انتشارات اخیر خود به عناوین مشخص برنامه های دولت موقت آینده از جمله دموکراسی، صلح، عشق، دوستی و وحدت، جدایی دین از سیاست و شناسایی مالکیت خصوصی و اقتصاد بازار پرداخته است. این گروه در سرمقاله اخیر خود مدعی است که از روند صلح در خاورمیانه دفاع می کند. این سازمان هم چنین تعهد خود را نسبت به حمایت از حقوق زنان ابراز داشته و پیش نویسی را درباره طرح شورای ملی مقاومت در مورد حقوق زنان تهیه کرده است».

این گرایشات که تازه شروع کار است و بعید نیست که تغییرات در سازمان بسیار صریح تر و شگفت انگیزتر باشد و ممکن است به اشاراتی از سوی مجامع مؤثر سیاسی جهان پذیرفته شود. در این صورت تا حدود زیادی در بین ایرانیان مقیم خارج مقبولیت می یابد.

دري نجف آبادي، وزير اطلاعات رژيم آخوندي در دولت خاتمي:

«ما متأسفانه نمی توانیم خدمات وزارت اطلاعات در ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، برون مرزی، دیپلوماسی پنهان و آشکار، جذب دانش تکنولوژی فنی از خارج، اطلاع رسانی، توجیه و آموزش امور حراستی و صیانتی، سالم سازی محیط و ایجاد امنیت برای نظام، مسئولین و مردم را بازگو نماییم» (۱۷ آذر ۷۷)

«وزارت اطلاعات عناصر بریده از منافقین را حمایت می کند» (۱۳ آذر ۷۷)

فاسازگاریهای بینادین دو مکتب همنام (دکتر منوچهر هزارخانی)

ناسازگارهای بنیادین دو مکتب همنام

دکتر منوچهر هزارخانی

در هفته نامه مجاهد ۲۶ آبان، یکی از «گزارشهای درونی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی» به چاپ رسیده بود که به بررسی شیوه ها و مضامین تبلیغات مجاهدین اختصاص داشت. این بررسی از بسیاری جهات جالب و آموزنده است، به خصوص از این جهت که درست بر نکاتی انگشت گذاشته که «مذهب» مجاهدین را از «مذهب» آخوندهای حاکم متمایز می کند و آشتی ناپذیری آنها را - هر چند هر دو یک نام دارند - به روشنی نشان می دهد.

در این «گزارش درونی»، در پایان بررسی برنامه های تلویزیونی مجاهدین، آمده است: «بدین ترتیب در برنامه سیمای آزادی، در پس شاخ و برگها تلاش می شود تا پنج عنصر (محور) کلی، در لفافه های گوناگون تبلیغ شود. این پنج محور، که شرایط زمانی و جهانی و ضرورت تلاش برای نمایش چهره آترناتیو ج.ا. سازمان را به القای آنها واداشته است، عبارتند از:

۱- دموکراسی، ۲- فمینیسم (زن گرایی)، ۳- حقوق بشر، ۴- تروریسم، ۵- جدایی دین از سیاست.

رسانه های سازمان تلاش می کنند تا با تکیه بر این پنج عنصر به دنیای غرب بفهمانند که جانشین مناسبی برای جمهوری اسلامی اند».

البته شعور آخوندی از پس درک عمیق مفاهیم جهان امروز بر نمی آید و به ناچار معنایی که به واژه ها و اصطلاحات می دهد، یا نادقیق و گنگ است، یا به کلی عوضی. مثلاً در گزارش مزبور، در قسمتی که به «دموکراسی» اختصاص دارد، آمده است «تغییر و تحولات سیاستهای کلی جهانی و نیز منطقه یی باعث شده تا سازمان تغییر و تحولات شگرفی را در مواضع خود به وجود آورد. این تغییر و تحولات سازمان را به آن سمت سوق داده تا سعی کند در برنامه های خود چهره یی آزادمش و دموکرات مآب از خود نشان دهد. به همین دلیل کلماتی چون آزادی، رهایی، استبداد و... زیاد به کار برده می شوند». یا طلب حقوق برابر اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... برای زنان و مردان را معادل «فمینیسم» فرض کرده است، و...

علاوه بر این، گزارش مورد بحث یک ضعف بزرگ دیگر هم دارد و آن این که مجموعه این «پنج عنصر یا محور کلی» را فقط جلوه هایی از سیاست تبلیغاتی مجاهدین برای «نمایش چهره آترناتیو ج.ا.» دانسته و زیر عنوان «شگردهای تبلیغاتی» به آنها پرداخته است. به همین دلیل مثلاً در بخش «فمینیسم» آمده است «تلاش سازمان در خصوص نمایش این وجهه برای جهان غرب، کاری مشکل نیست. آنها سعی دارند تا این وجهه را هر چه بیشتر و بهتر به جهان غرب معرفی کنند»؛ یا در قسمت «حقوق بشر» گفته شده «همینا با تبلیغات جهان غرب علیه نظام ج.ا.»، و سایل ارتباطی سازمان نیز بر مسائلی که به زعم غربیان علیه حقوق بشر است و در قلمرو نظام

ج. ۱. جاری است، انگشت گذاشته و با روش بزرگنمایی این گونه مسائل را مطرح می کند...» یا در قسمت «جدایی دین از سیاست» آمده است «تبلیغات سازمان اخیراً این گونه می نماید که دین از سیاست جداست. یکی از نموده های بارز این نکته این است که قوانین نظام جمهوری اسلامی که از شرع برگرفته شده اند، به عنوان قوانین قرون وسطایی و ارتجاعی نفی می شوند و روشهای غربی در برخورد با مصادیق قوانین تأکید می شوند» و...

می توان از آخوندها سؤال کرد که اگر بازی - یا دقیق تر: حقه بازی - با مفاهیمی نظیر دموکراسی، برابری حقوق زن و مرد، حقوق بشر یا جدایی نهاد دینی از حکومت برای هدفهای تبلیغاتی، به همین آسانی است که ادعا می کنند و هیچ گونه عارضه یی برای معتقدان به مکتب مورد ادعا به بار نمی آورد، چرا خودشان، که بزرگترین متخصصان قالب کردن شکل مار به جای کلمه مار هستند، در این گونه حقه بازیها چندان موفقیت نداشته اند؟ با آن که همه می دانند که آخوندها از جانوران ذو حیاتین اند، همواره دو چهره و دوزبان داشته اند و تضاد بین جلوه یی که در محراب و منبر دارند با آن کار دیگری که در خلوت می کنند، نه تنها هیچ گاه از نظر «شرعی» برایشان مانعی ایجاد نکرده، بلکه یگانه راه سوء استفاده شان از باورهای مذهبی مردم شمرده می شده است. هنوز از یادها نرفته که «امام راحل» از یک طرف با «شیطان بزرگ» رابطه پنهانی برقرار می کرد و تا خرخره در رسوایی ایران گیت فرو می رفت و از طرف دیگر در همان حال ادا و اطوار «ضد استکباری» در می آورد، راهپیمایی ضد آمریکایی به راه می انداخت، «اسلام آمریکایی» را لعن و نفرین می کرد و...

به همین ترتیب بوده که طی همه این سالیان، فرستادگان آخوندهای حاکم در گفتگوهای خصوصی با مخاطبان خارجیشان به دروغ هر وعده یی به آنها می داده اند، ولی وقتی این وعده ها به بیرون درز می کرد به کلی منکرشان می شده و بخش این گونه «شایعات» را به سوء نیت امپریالیسم و صهیونیسم نسبت می داده اند. هنوز هم همان بساط دایر است، متتها دیگر اسمش ایران گیت نیست، «گفتگوی تمدنها» ست.

این دورویی و دوزبانی از امتیازهای ویژه «اسلام عزیز» است و چهره های شاخصی مثل رفسنجانی یا لاریجانی هم به جهان عرضه کرده است. مجاهدین از داشتن چنین «امتیاز» ی محرومند. نه به این دلیل که هنوز دستشان به دم گاوی بند نیست تا نیارمند توسل به بند و بست پنهانی برای حفظ موقعیتشان باشند، بلکه از آن رو که نحوه نگرش آنها به مسائل - از جمله به مسائل دینی - آن قدر با نحوه های سنتی و حوزه یی نگرش آخوندی فاصله دارد که کاربرد شیوه های مرسوم آخوندها را برایشان بیهوده، بلکه زیانبخش، می کند. آنها قبل از آن که به فکر قانع کردن دیگران بيفتند، باید اول بتوانند برای طیف گسترده هواداران خودشان، درستی موضوعی را که اتخاذ می کنند و سازگاری این مواضع را با اصول ایدئولوژیک خود، که مبتنی بر تفسیر ویژه یی از پیام اسلام است، ثابت کنند. نمی توانند مثل نمایندگان «اسلام عزیز» دو بیان و دو استدلال - یکی برای «اندرونی» و یکی برای «بیرونی»؛ یکی برای فریب توده های «خودی»، یکی برای زد و بند با «شیاطین»؛ یکی علنی و رسمی، یکی محرمانه و غیررسمی (و در صورت

لزم قابل تکذیب) - داشته باشند. آنها ناچارند فقط یک حرف داشته باشند، ناچارند این حرف را به صورت علنی و آشکار بزنند و ناچارند برای توضیح یا توجیه آن در بیرون و درون، از یک منطق واحد پیروی کنند.

اما آخوندها، اگر از نظر شعور درک یا از نظر شیوه بررسی مسائل عقب ماندگیها و ضعفهای جدی دارند، در عوض از شم تند و تیز و حساسی برخوردارند که در جدال برای بقا، تا حدی جبران کننده آن ضعفها و عقب ماندگیهاست. نمونه آشکارش تشخیص همین نکاتی است که در «گزارش درونی» رویشان انگشت گذاشته اند؛ و هر چند در توضیح اهمیت این نکات در مانده اند، اما خطر نهفته در آن مفاهیم را به خوبی احساس و منعکس کرده اند. «خطرناک» بودن مفاهیم مزبور، به خلاف آن چه در گزارش درونی برجسته شده، به سبب آن نیست که میدان مانور تبلیغاتی مجاهدین را در خارج گسترش می دهد، از آن روست که در ذهن مسلمانان داخل کشور بینانهای «شرعی» نظام ولایت فقیه را بی اعتبار می کند و در نتیجه جمع کردن بساط حکومت آخوندی را برایشان به امری «واجب» مبدل می سازد. دموکراسی، که آخوندهای حاکم می کوشند آن را یکی از ابزارهای «تهاجم فرهنگی غرب» قلمداد کنند، از آن رو که بر حاکمیت مردم و حق بی گفتگو و غیر قابل تفویض آنها در تعیین سرنوشت خود تکیه دارد، البته برای غاصبانی که خود را نماینده خدا و مأمور ارشاد و قیمومت مردم صغیر و نابالغ معرفی می کنند، نه تنها خوشایند نیست، بلکه زهر کشنده است. چون رأی عامه مردم - همین مردم کوچه و خیابان - را یگانه ملاک مشروعیت حکومت می داند، تمام نهادهای قانونگذاری، اجرای قانون و قضاوت را ناشی از مردم اعلام می کند و بدین ترتیب زیرآب تمام قوانین، مقررات و نهادهایی را که رژیم خمینی به نام دین بر جامعه تحمیل کرده است، می زند. مجاهدین، که ادعای نمایندگی «عالم غیب» برای حکومت بر مردم را ندارند، وفاداری خودشان را به حاکمیت مردم و تبعیت از رأی آنها، از همان آغاز کار درگیری با رژیم خمینی اعلام کردند و از جمله به همین دلیل به روی نظام «ولایت فقیه» شمشیر کشیدند.

همین تقابل در زمینه «حقوق بشر» و احقاق حق کامل زنان وجود دارد. آخوندها در این زمینه ها هم به محدودیتهای «دینی» اساسی و رفع نشدنی دچارند. البته در گفتگوی خصوصی با خارجیان حاضرند هر دروغی بگویند تا کار «اسلام عزیز» را پیش ببرند. دو سال و خرده بی پیش از این، من در یکی از کانالهای تلویزیونی فرانسه، ضمن گزارشی که به ایران اختصاص داشت، از زبان محمدجواد لاریجانی شنیدم که به مصاحبه گر گفت در جمهوری اسلامی ایران، همه مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر، حتی ویرگولهایش، طابق النعل بالنعل رعایت و اجرا می شوند! حیف که یادش رفت بگوید که مأمور اجرای آن هم لاجوردی است. به قول سعدی: ملحد گرسنه در خانه خالی بر خوان/ عقل باور نکند کز رمضان اندیشد. اما این گونه دروغپردازیهای سوررآلیستی حرفهایی هستند که آخوندها در خلوت می زنند. در علن نه تنها پذیرش مفاد اعلامیه جهانی، بلکه حتی پذیرش نظری مقوله یی به نام «حقوق بشر» کافی است تا پنبه «اسلام عزیز» شان را بزند. شاید به همین علت بوده که حتی خاتمی - که ادعای تجددخواهی دارد و این

ادعا را به تصدیق «استیت دیپارتمنت» و «فارین آفیس» هم رسانده است - تاکنون حاضر نشده در زمینه حقوق بشر اظهار نظر بکند. تنها بعضی از «متفکران» بازنشسته یا بریده «نهضت امام خمینی» این جرأت را به خود داده اند که بگویند در دنیای امروز، ما مجبوریم به مقوله حقوق بشر توجه کنیم و آن را بپذیریم. اما معلوم نکرده اند که این پذیرش باید از سر اقناع و اعتقاد باشد یا از روی ناچاری و از موضع «تقیه». «متفکران» رسمی و مشغول به خدمت استبداد مذهبی، که ناچارند در مجامع بین المللی حضور پیدا کنند و نظر آخوندها را انعکاس دهند، برای زنان، به جای طلب حقوق برابر با مردان، طلب «حقوق منصفانه» را اختراع کرده اند و برای مقابله با اعلامیه جهانی حقوق بشر، شترگاو پلنگی به نام «حقوق بشر اسلامی» را؛ احتمالاً در این چشم انداز که هم بتوانند مدعی اصلاح طلبی و ترقیخواهی شوند و هم در عین حال از سنگسار و قطع عضو و فرمان قتل «مرتد»ها دفاع کنند.

در زمینه جدایی نهاد دینی از حکومت، آن چه برای آخوندها غیر قابل تحمل است، رفع تبعیضهای مذهبی است. «حکومت مشروعه» خمینی هرچند با مفاهیم شهروندی و حقوق شهروندی به کلی بیگانه است، اما همان حق حیات را هم فقط برای مسلمانان «خودی» - یعنی در نهایت پیروان خودش - قائل است. بقیه مردم یا مسلمانان غیر خودی و درجه دوم اند، یا جزء اقلیتهای مذهبی به رسمیت شناخته شده ای که می توانند در گتوهای خود زیر نظر «اسلام عزیز» روزگار بگذرانند؛ و اگر از اینها نباشند در طایفه نجسها قرار می گیرند (انواع «ملحد»، «مرتد»، «منافق»، «لیبرال»، «لایک» و ...) که هیچ حقی ندارند و به محض کوچکترین حرکت یا حرفی «محارب» اعلام می شوند. تمام سیستم حکومت شرعی خمینی بر روی این تبعیض دینی استوار شده است و همه جناحهای رژیم آن را قبول دارند. طبیعی است وقتی در این زمینه پذیرفته شده تبعیض دینی، کسی (با جناحی) از حاکمیت، از «تحمل» و «تساهل» و «تسامح» دم می زند، در وهله اول میخ تبعیض دینی را محکمتر می گوید و بر حقانیت آن گواهی می دهد؛ بعد برای گناهکارانی که به حکم «شرع» مورد تبعیض قرار گرفته اند، طلب تخفیف می کند چیزی، به زبان خودشان، در حد صدقه یا بلاگردان.

برداشتن معیار اعتقاد یا عدم اعتقاد به این یا آن دین برای برخورداری از حقوق فردی و اجتماعی، در ایران امروز مهمترین گام برای به کرسی نشاندن حقوق شهروندی و یکسان کردن همه شهروندان در برابر قانون است. و مجاهدین از دیدگاه ایدئولوژیک خود، هیچ گاه در ضرورت - و حتی فوریت - رفع تبعیض دینی تردیدی نداشته اند. همه نکاتی که «گزارش درونی» به آنها توجه کرده، مضامین مهمترین مصوبات شورای ملی مقاومت اند. مجاهدین نه تنها امضاکننده تمام این متون و تعهدات مندرج در آنها هستند، بلکه پذیرفته اند که در صورت پیروزی جنبش مقاومت و سرنگونی رژیم ولایت فقیه، خودشان، به عنوان مسئول تشکیل دولت موقت، مأمور اجرای این مصوبات باشند. و به نظر من درست همین «بینش مذهبی» است که لرزه بر ارکان حکومت آخوندی انداخته است، به خصوص که آگاهی و اراده نیرومند، استوار و سازمانیافته بی هم پشتوانه آن است.

انتشارات مقاومت

- * فروغ جاویدان کتاب اول (بها: ۲۰ دلار)
- * فروغ جاویدان یادنامه شهیدان (بها: ۳۵ دلار)
- * کدام فضای باز سیاسی؟ - مسعود رجوی (بها: ۲ دلار)
- * خبرگان آخوندی، مجلس غضب حاکمیت ملت - مسعود رجوی (بها: ۲ دلار)
- * کنفرانس اسلامی تهران - مسعود رجوی (بها: ۲ دلار)
- * زن، بنیادگرایی و اسلام - مریم رجوی (بها: ۳ دلار)
- * «آزادی» - سخنرانی مریم رجوی در میتینگ بزرگ ۳۰ خرداد (بها: یک دلار)
- * زنان، صدای سرکوب شدگان - سخنرانی مریم رجوی، تیر ۱۳۷۵ - (بها: یک دلار)
- * گفتگوی تلویزیونی با مریم رجوی، رئیس جمهور برگزیده مقاومت (بها: یک دلار)
- * پیام رئیس جمهور مریم رجوی به مناسبت روز جهانی زن (بها: یک دلار)
- * گفتگو با مریم رجوی - مصاحبه دکتر منوچهر هزارخانی (بها: یک دلار)
- * سخنرانی مسعود رجوی در گردهماییهای بزرگ رزمندگان و پشتیبانان مقاومت
برای بزرگداشت پانزدهمین سالگرد ۳۰ خرداد (بها: یک دلار)
- * پیام مسئول شورای ملی مقاومت به مناسبت هیجدهمین سالگرد انقلاب ضدسلطنتی
مردم ایران - بهمن ۷۵ - (بها: ۳ دلار)

* وضعیت رژیم و موقعیت مقاومت (آبان ۷۶) - مسعود رجوی (بها: ۵ دلار)

* گزارش مسئول شورای ملی مقاومت به مردم ایران - ۲۲ بهمن ۱۳۷۶ - (بها: ۳ دلار)

* سخنرانی مریم و مسعود رجوی در مراسم بزرگداشت شانزدهمین سالگرد ۳۰ خرداد (بها: ۳ دلار)

* پیام به زنان ایران - مریم رجوی - اسفند ۷۶ (بها: یک دلار)

* پیام رادیوتلوویزیونی مسئول شورای ملی مقاومت به مناسبت آغاز سال ۱۳۷۳ (به انضمام پیام به مناسبت پانزدهمین سالگرد انقلاب ضدسلطنتی) (بها: ۳ دلار)

* ارتش آزادیبخش ملی ایران (بها: ۷ دلار)

* ۳۰ خرداد، پاسخ به ضرورت تاریخ (بها: ۳ دلار)

* ۳۰ خرداد به روایت شاهدان (بها: ۵ دلار)

* انقلاب، طلوع یا غروب - مهدی خدایی صفت (بها: ۵ دلار)

* ای جلاد ننگ باد (بها: ۳ دلار)

* شکست یک توطئه - (بها: ۳ دلار)

* اشک تمساح برای حقوق بشر (بها: ۳ دلار)

* آشنایی با دنیای اقتصاد - کمیسیون اقتصاد شورای ملی مقاومت (بها: ۱۰ دلار)

* آشنایی با شورای ملی مقاومت ایران (بها: یک دلار)

* کنفرانس رادیو تلویزیونی مسئول شورای ملی مقاومت - اردیبهشت ۱۳۷۳ (بها: ۳ دلار)

* دموکراسی خیانت شده - درباره گزارش وزارت امور خارجه آمریکا علیه مجاهدین و مقاومت ایران - (بها: ۱۵ دلار)

* سیمای اشرف و موسی در حماسه ۱۹ بهمن - عاشورای مجاهدین (بها: ۳ دلار)

* گزارش مسئول شورا به مردم و پیشمرگان کردستان ایران - خرداد ۱۳۶۸ (بها: ۳ دلار)

* دفینه آن سوی هاویه (بها: ۳ دلار)

* وصیتنامه ... - آبه پیر (بها: ۱۲ دلار)

* میهن، آفتاب و پرنده - گزیده‌یی از شعرهای مقاومت (بها: ۳ دلار)

* شامگاهی زمینی - انتخابی از دفترهای شعر اسماعیل وفا یغمایی (بها: ۵ دلار)